



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

؟

دشمنان مهدویہ کیسے ہرگز

محقق: محمد علی حسینی

ARHAGEEDDOL-1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دشمنان مهدویت چرا؟ و چگونه؟

نویسنده:

محمد مهدی حامدی

ناشر چاپی:

نسل کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟	۱۱
مشخصات کتاب	۱۱
اشاره	۱۲
فهرست مطالب	۱۶
پیشگفتار	۲۵
فصل اول: کلیات بحث دشمن شناسی	۳۲
اشاره	۳۲
مقدمه	۳۳
الف) مسائل مهم دشمن شناسی	۳۴
اشاره	۳۴
داشتن اطلاعات	۳۴
داشتن امکانات	۳۵
ب) راههای کسب اطلاعات	۳۵
اشاره	۳۵
۱. نفوذ	۳۶
۲. شنود	۳۷
۳. اطلاعات آشکار	۳۸
چه باید کرد؟	۳۹
چگونه؟	۴۰
دشمن شناسی از دیدگاه قرآن	۴۰
ملاک های اولویت بخشی	۴۲
اشاره	۴۲
۱. نصاری (مسیحیت)	۴۴

۴۵	۲. مشرکین
۴۶	۳. یهود
۴۶	اشاره
۴۷	۳/۱. عمق خواسته
۵۱	۳/۲. امکانات
۵۳	۳/۳. آموزش
۵۴	۳/۴. انگیزه
۵۵	استراتژی و اقدامات سه گانه یهود
۵۵	استراتژی سه گانه یهود
۵۸	اقدامات سه گانه یهود
۵۸	اشاره
۵۸	۱. ترور
۵۹	۲. استحکامات
۶۰	۳. نفوذ
۶۱	نتیجه گیری
۶۴	فصل دوم: شکل گیری بنی اسرائیل (یهود) و خواستگاه های ایشان (از آغاز تا بعثت)
۶۴	اشاره
۶۵	مقدمه
۶۶	پیدایش (نسل جدید بشریت)
۶۹	تولد بنی اسرائیل
۷۱	تولد تا رسالت موسی علیه السلام
۷۳	از نبوت تا نجات بنی اسرائیل
۷۴	حرکت به سمت قدس
۷۷	حکومت جهانی حضرت سلیمان علیه السلام (بنی اسرائیل)
۷۹	دوران تجزیه و کشمکش های داخلی
۸۱	دوران فروپاشی

۸۱ اشاره

۸۱ ۱. دوران تسلط آشوریان

۸۱ ۲. دوران تسلط بابلی ها

۸۲ ۳. دوران تسلط ایرانی ها

۸۲ ۴. دوران تسلط یونانی ها

۸۳ ۵. دوران تسلط رومیان

۸۳ مسیحیت آیین جدید بنی اسرائیل و جهان

۸۶ یهود در عصر بعثت

۸۶ اشاره

۸۸ ۱. ترور

۹۰ ۲. استحکامات

۹۲ ۳. نفوذ

۹۴ فصل سوم: ظهور اسلام (رخدادهای دوران رسالت)

۹۴ اشاره

۹۵ مقدمه

۹۶ دوران بعثت

۹۸ دوران هجرت

۹۸ اشاره

۹۹ سال اول (تشکیل حکومت)

۹۹ سال دوم (جنگ بدر)

۹۹ اشاره

۱۰۰ نبرد بنی قینقاع

۱۰۰ سال سوم (جنگ احد و پیمان شکنی یهود بنی نضیر)

۱۰۲ سال چهارم و پنجم (جنگ خندق و نبرد بنی قریظه)

۱۰۳ سال ششم و هفتم هجرت

۱۰۳ اشاره

نبرد تبوک و نابودی مثلث شوم توطئه	۱۰۵
سال هشتم (نبرد موته-فتح مکه)	۱۰۷
اشاره	۱۰۷
جبهه مکه	۱۰۸
جبهه موته	۱۰۸
سال نهم (حجه الوداع-غدیر خم)	۱۰۹
سال دهم (بیماری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و توطئه سقیفه)	۱۱۰
سال یازدهم (رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آغاز دوران امامت)	۱۱۲
فصل چهارم: تلاش برای حاکمیت دوباره اسلام (رخدادهای دوران امامت تا انقلاب اسلامی)	۱۱۴
اشاره	۱۱۴
مقدمه	۱۱۵
تلاش سازمان نفاق در مقابله با جریان امامت و بازسازی استحکامات موته	۱۱۷
ائمه علیهم السلام و تلاش برای تحقق حاکمیت دوباره اسلام	۱۱۹
دوران امام علی علیه السلام	۱۱۹
اشاره	۱۱۹
جنگ جمل (ناکثین)	۱۲۱
جنگ صفین (قاسطین)	۱۲۲
جنگ نهروان (مارقین یاخوارج)	۱۲۴
دوران امام حسن مجتبی علیه السلام	۱۲۵
دوران امام حسین علیه السلام	۱۲۸
دوران امام سجاد علیه السلام	۱۳۱
دوران امام باقر و امام صادق علیه السلام	۱۳۲
دوران امام کاظم علیه السلام	۱۳۴
دوران امام رضا علیه السلام	۱۳۵
دوران امام جواد علیه السلام	۱۳۸
دوران امام هادی و امام عسکری علیه السلام	۱۴۰

دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (از تولد تا غیبت)	۱۴۱
اشاره	۱۴۱
دوران غیبت (غیبت صغری)	۱۴۴
غیبت کبری تا انقلاب اسلامی	۱۴۵
اقدامات حضرت امام در سال ۱۳۴۲	۱۴۶
اشاره	۱۴۶
۱. صدور دستور خروج شیعه از تقيه	۱۴۷
۲. حمله به اسرائیل (یهود) به عنوان کانون فتنه و فساد و تعیین نقطه هدف	۱۴۸
۳. سازمان دهی شیعه و تلاش به منظور تشکیل حکومت اسلامی در ایران	۱۵۰
اقدامات یهود	۱۵۲
نتیجه گیری	۱۵۴
فصل پنجم: یهود از فروپاشی در قدس (۶۳۸ میلادی) تا تشکیل دولت اسرائیل (۱۹۴۸ میلادی)	۱۵۸
اشاره	۱۵۸
مقدمه	۱۵۹
تأمین نیروی انسانی جهت ایجاد پتانسیل لازم	۱۶۳
نفوذ دوباره در مسیحیت به منظور تأمین پتانسیل انسانی مورد نیاز	۱۶۷
دوران قرون وسطی	۱۶۸
دوران رنسانس	۱۷۶
مسیحیت و پذیرش سلطه ی اعتقادی یهود	۱۷۷
مسیحیت و پذیرش سلطه ی اقتصادی یهود	۱۸۱
پروتستانیزم یهودی و ورود به سرزمین جدید	۱۸۲
نقش آموزه های آخر الزمانی در سلطه ی یهود	۱۸۴
ظهور مسیح در تفکرات داری و جنبش تدبیری	۱۸۹
صهیونیسم و تلاش برای تشکیل حکومت جهانی یهود (قرن بیستم)	۱۹۱
اشاره	۱۹۱
۱. تدوین استراتژی (برنامه های راهبردی و عملیاتی) در سال ۱۹۰۱ میلادی	۱۹۱

۱۹۸	۲. ایجاد سلطه کامل سیاسی بر ایالات متحده آمریکا (از سال ۱۹۱۷ میلادی)
۱۹۸	اشاره
۲۰۰	دیدگاه صهیونیسم مسیحی در آمریکا
۲۰۰	رؤسای جمهور گذشته آمریکا
۲۰۱	رؤسای جمهور معاصر انقلاب اسلامی
۲۰۵	۳. فروپاشی دولت عثمانی و تجربه کشورهای مقتدر اسلامی و اروپائی
۲۰۶	۴. تحقق اولین گام استراتژی یهود (فتح قدس)
۲۰۷	۵. ایجاد استحکامات بمنظور تحقق گام دوم استراتژی (نیل تا فرات)
۲۱۲	فصل ششم: رویارویی دوباره اسلام با صهیونیسم (سازمان یهود)
۲۱۲	اشاره
۲۱۳	مقدمه
۲۱۵	انقلاب اسلامی آغاز بیداری جهانی
۲۲۴	وضعیت فعلی صهیونیسم مسیحی
۲۳۵	نبرد آرمگدون
۲۴۲	خاتمه
۲۴۲	اشاره
۲۴۴	۱. آمادگی نظامی و برخورداری از توانمندی های جسمانی
۲۴۵	۲. آمادگی در کسب بصیرت، معرفت و تقوای الهی
۲۴۹	منابع
۲۵۳	درباره مرکز

دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟

مشخصات کتاب

سرشناسه : حامدی، محمد مهدی

عنوان و نام پدیدآور : دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟ / محمد مهدی حامدی.

مشخصات نشر : قم: آیین احمد (ص)، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.

شابک : ۲۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۳۸۹-۲-۳؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ ششم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۱] - ۱۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : اسلام و یهودیت -- تاریخ

موضوع : یهودیت و اسلام -- تاریخ

موضوع : صهیونیسم

موضوع : یهودیت

موضوع : اسلام و صهیونیسم

رده بندی کنگره : BP۲۲۷/۲ ح ۵د۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۴۶۲۱۶

دشمنان مهدویت

چرا و چگونه؟

محمد مهدی حامدی

دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟

مؤلف / محمد مهدی حامدی

صفحه آراء / رضا فریدی

حروف نگار / محمد مجید معصومی

طرح روی جلد / ابراهیمی نوید

قطع / رقعی

چاپ / آیین احمد

نوبت چاپ / دوم

شمارگان / ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر / زمستان ۸۶

قیمت / ۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

شیراز: نمایشگاه و فروشگاه تخصصی مهدویت،

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) - فارس

تلفن: ۰۷۱۱۲۳۴۹۳۰۰

شابک:

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

تقديم به پیشگاه مقدس آخرین ذخیره الهی

و منجی عالم بشریت

مهدی فاطمه علیها السلام

بقیه الله الاعظم

حجت ابن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

که با عنایت حضرتش

توفیق نگارش این کتاب را یافته ام.

ص: ۴

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۰

فصل اول

کلیات بحث دشمن شناسی ۱۵

مقدمه ۱۶

الف) مسائل مهم دشمن شناسی ۱۶

داشتن اطلاعات ۱۷

داشتن امکانات ۱۷

ب) راههای کسب اطلاعات ۱۸

۱. نفوذ ۱۸

۲. شنود ۱۹

۳. اطلاعات آشکار ۲۰

چه باید کرد؟ ۲۱

چگونه؟ ۲۱

دشمن شناسی از دیدگاه قرآن ۲۲

ملاکهای اولویت بخشی ۲۴

۱. نصاری (مسیحیت) ۲۵

۲. مشرکین ۲۶

۳. یهود ۲۷

۳/۱. عمق خواسته ۲۷

۳/۲. امکانات ۳۰

۳/۳. آموزش ۳۲

۳/۴. انگیزه ۳۳

استراتژی و اقدامات سه گانه یهود ۳۳

استراتژی سه گانه یهود ۳۴

ص: ۵

اقدامات سه گانه يهود ۳۶

۱. ترور ۳۶

۲. استحکامات ۳۷

۳. نفوذ ۳۸

نتیجه گیری ۳۹

فصل دوم

شکل گیری بنی اسرائیل (يهود) و خواستگاه های ایشان (از آغاز تا بعثت) ۴۱

مقدمه ۴۲

پیدایش (نسل جدید بشریت) ۴۳

تولد بنی اسرائیل ۴۵

تولد تا رسالت موسی علیه السلام ۴۷

از نبوت تا نجات بنی اسرائیل ۴۸

حرکت به سمت قدس ۴۹

حکومت جهانی حضرت سلیمان علیه السلام (بنی اسرائیل) ۵۲

دوران تجزیه و کشمکش های داخلی ۵۳

دوران فروپاشی ۵۵

۱. دوران تسلط آشوریان ۵۵

۲. دوران تسلط بابلی ها ۵۵

۳. دوران تسلط ایرانی ها ۵۶

۴. دوران تسلط یونانی ها ۵۶

۵. دوران تسلط رومیان ۵۶

مسیحیت آیین جدید بنی اسرائیل و جهان ۵۷

یهود در عصر بعثت ۵۹

۱. ترور ۶۰

۲. استحکامات ۶۲

۳. نفوذ ۶۴

فصل سوم

ظهور اسلام رخدادهای دوران رسالت ۶۷

مقدمه ۶۸

دوران بعثت ۶۸

دوران هجرت ۷۰

ص: ۶

سال اول (تشکیل حکومت) ۷۱

سال دوم (جنگ بدر) ۷۱

نبرد بنی قینقاع ۷۲

سال سوم (جنگ احد و پیمان شکنی یهود بنی نضیر) ۷۲

سال چهارم و پنجم (جنگ خندق و نبرد بنی قریظه) ۷۳

سال ششم و هفتم (جنگ خیبر) ۷۵

نبرد تبوک و نابودی مثلث شوم توطئه ۷۶

سال هشتم (نبرد موه-فتح مکه) ۷۷

جبهه مکه ۷۸

جبهه موه ۷۸

سال نهم (حجه الوداع-غدیر خم) ۷۹

سال دهم (بیماری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و توطئه سقیفه) ۸۰

سال یازدهم (رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آغاز دوران امامت) ۸۱

فصل چهارم

تلاش برای حاکمیت دوباره اسلام (رخدادهای دوران امامت تا انقلاب اسلامی) ۸۳

مقدمه ۸۴

تلاش سازمان نفاق در مقابله با جریان امامت و بازسازی استحکامات موه ۸۵

ائمه علیهم السلام و تلاش برای تحقق حاکمیت اسلام ۸۷

دوران امام علی علیه السلام ۸۷

جنگ جمل (ناکثین) ۸۹

جنگ صفین (قاسطین) ۹۰

جنگ نهروان (مارقین-خوارج) ۹۱

دوران امام حسن مجتبی علیه السلام: ۹۲

دوران امام حسین علیه السلام ۹۴

دوران امام سجاد علیه السلام ۹۷

دوران امام باقر و امام صادق علیه السلام ۹۸

دوران امام کاظم علیه السلام ۹۹

دوران امام رضا علیه السلام ۱۰۰

دوران امام جواد علیه السلام ۱۰۳

دوران امام هادی و امام عسکری علیه السلام ۱۰۴

دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (از تولد تا غیبت) ۱۰۵

دوران غیبت (غیبت صغری) ۱۰۷

ص: ۷

غیبت کبری تا انقلاب اسلامی ۱۰۸

اقدامات حضرت امام در سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۰۹

۱. صدور دستور خروج شیعه از تقيه ۱۱۰

۲. حمله به اسرائیل (یهود) به عنوان کانون فتنه و فساد و تعیین نقطه هدف ۱۱۰

۳. سازمان دهی شیعه و تلاش به منظور تشکیل حکومت اسلامی در ایران ۱۱۲

اقدامات یهود ۱۱۴

نتیجه گیری ۱۱۵

فصل پنجم

یهود از فروپاشی در قدس تا تشکیل دولت اسرائیل ۱۱۹

مقدمه ۱۲۰

تأمین نیروی انسانی جهت ایجاد پتانسیل لازم ۱۲۴

نفوذ دوباره در مسیحیت به منظور تأمین پتانسیل انسانی مورد نیاز ۱۲۶

دوران قرون وسطی ۱۲۷

دوران رنسانس ۱۳۳

مسیحیت و پذیرش سلطه ی اعتقادی یهود ۱۳۴

مسیحیت و پذیرش سلطه ی اقتصادی یهود ۱۳۶

پروتستانیزم یهودی و ورود به سرزمین جدید ۱۳۷

نقش آموزه های آخر الزمانی در سلطه ی یهود ۱۳۹

ظهور مسیح در تفکرات داربی و جنبش تدبیری ۱۴۳

صهیونیسم و تلاش برای تشکیل حکومت جهانی یهود (قرن بیستم) ۱۴۵

۱. تدوین استراتژی در سال ۱۹۰۱ میلادی ۱۴۵

۲. ایجاد سلطه کامل سیاسی بر ایالات متحده آمریکا ۱۵۰

دیدگاه صهیونیسم مسیحی در آمریکا ۱۵۱

رؤسای جمهور گذشته آمریکا ۱۵۱

رؤسای جمهور معاصر انقلاب اسلامی ۱۵۳

۳. فروپاشی دولت عثمانی در سال ۱۹۲۵ میلادی ۱۵۹

۴. تحقق اولین گام استراتژی یهود (فتح قدس) ۱۵۷

۵. ایجاد استحکامات بمنظور تحقق گام دوم استراتژی (نیل تا فرات) ۱۵۷

فصل ششم

رویارویی دوباره اسلام با صهیونیسم (سازمان یهود) ۱۶۱

مقدمه ۱۶۲

ص: ۸

انقلاب اسلامی آغاز بیداری جهانی ۱۶۳

وضعیت فعلی صهیونیسم مسیحی ۱۷۱

نبرد آرمگدون ۱۸۰

نتیجه گیری ۱۸۴

۱. آمادگی نظامی و برخورداری از توانمندیهای جسمانی ۱۸۶

۲. آمادگی در کسب بصیرت، معرفت و تقوای الهی ۱۸۷

منابع ۱۹۰

ص: ۹

در بررسی و نگاهی گذرا به علل و فلسفه غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، این نکته آشکار می گردد که از عمده ترین دلایل غیبت آن حضرت در خطر بودن جان ایشان و به منظور حفظ آن حضرت بوده است. چنان چه امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرمایند:

“همانا برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما غیبتی است قبل از این که قیام کند”

عرض کردم علت چیست؟ فرمودند: “ترس از کشته شدن”^(۱) و طبیعی است که این خطر از ناحیه ی دشمنان امام و مخالفین حاکمیت ائمه علیهم السلام و تشیع، متوجه جان شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است و این خود حاکی از آمادگی دشمن در آن برهه از زمان می باشد؛ لذا در محاصره قرار داشتن امام حسن عسکری علیه السلام و قبل از آن کنترل شدید امام هادی علیه السلام و امام جواد علیه السلام نیز بیان گر همین امر بوده است کما این که شهادت ائمه علیهم السلام از امیرالمومنین علی علیه السلام تا

ص: ۱۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶.

علی ابن موسی الرضا علیه السلام نیز گواه دیگری بر این مدعاست.

از طرف دیگر همواره ائمه معصومین علیهم السلام در دوران امامت خود بدلیل نداشتن یاور و نیروهای آماده و فداکار در یاری رساندن به جریان امامت و رسیدن ایشان به حاکمیت الهی خویش از باب:

ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطِيعَ بِإِذْنِهِ (۱)

رنج می بردند و تلاش ایشان در راستای تربیت و تقویت شیعه در زمان حیات آن بزرگواران کمتر به ثمر نشست و هر گاه امیدی نیز حاصل می گشت؛ حوادثی مانند قیام مختار و... تلاش ایشان را با ناکامی روبرو می ساخت و روز به روز حلقه محاصره و مراقبت از حضرات معصومین علیهم السلام تنگ تر شده و همین امر هم موجب گردید تا رعایت "اصل استتار" در امر تولد حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شدت مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام قرار بگیرد و مقدّرات الهی نیز به گونه ای رقم بخورد که خداوند برای حفظ جان حجت خویش (از این باب که زمین نباید هرگز از حجت خدا خالی بماند و قوام هستی به قیام و حضور حجت می باشد) (۲) آغاز امر واقعی غیبت حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبل از تولد آن حضرت در رحم مادر بزرگوارشان نرجس خاتون علیها السلام مقدر نماید. و دلیل حجت حق تعالی بر بشریت نیز آن است که:

ص: ۱۱

۱- سوره نساء: ۶۴؛ "هیچ رسولی را نفرستادیم مگر آنکه او را اطاعت نمایند".

۲- امام صادق علیه السلام می فرمایند: "لَوْلَا الْحَجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر نباشد حجت خدا زمین اهل خود را فرو خواهد برد.

یازده حجت خود را در نزد شما به آشکار به ودیعت گذاردم ولی قدر ندانسته، ایشان را یاری نمودید تا همگی را با شهادت از دست داده و از فیض وجودشان بی بهره گردیده اید لذا آخرین حجت خویش را آن گاه بر شما آشکار خواهم ساخت که ضمانت کافی برای حفظ و نگهداری و اطاعت از او ایشان را ارائه نماید.

آن چنان که قرآن در پاسخ یعقوب علیه السلام به فرزندان خویش در بردن بنیامین به نزد عزیز مصر (یوسف علیه السلام) می فرماید:

«قَالَ هَلْ آمَنْتُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنْتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ* قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ» (۱)؛

(یعقوب) گفت آیا در باره او می توانم به شما اطمینان کنم مگر همان گونه که پیش از این در باره برادرش اطمینان کردم؟! پس (اگر بفرستم) خداوند بهترین نگهدارنده است و او مهربان ترین مهربانان است (۶۴)

گفت: هرگز او را با شما نمی فرستم تا اینکه از سوی خدا پیمانی محکم به من دهید که حتما او را برای من می آورید مگر آنکه همگی در احاطه بلا و آسیبی قرار گیرید و هلاک شوید. پس چون پیمان استوار خود را به او دادند، گفت: خداوند بر آنچه می گویم وکیل و ناظر است (۶۶)

و بدین ترتیب از بدو تولّد (حتی در رحم مادر) در غیبت به سر می بردند، تا زمانی که پدر بزرگوارشان امام عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند و آن هنگام حضرت با آشکار شدن، بر جنازه ی پدر نماز خوانده و ایشان را دفن نمودند (۲) ولی با آغاز امامت بلافاصله امر غیبت

ص: ۱۲

۱- یوسف: ۶۴ و ۶۶.

۲- و بدین ترتیب از نهم ربیع الاول سال ۲۵۵ هـ. ق امامت آن حضرت آغاز گردید.

(صغری) برای حفظ جان ایشان واقع شد ولی ارتباط حضرت با شیعیان خود از طریق نَوَاب اربعه همچنان به منظور تربیت و تقویت شیعه و آماده سازی آنان برای امر ظهور ادامه یافت ولیکن چون ادامه ی این وضعیّت به جهت ارتباط نَوَاب اربعه با حضرت و به دلیل خطرات احتمالی امکان پذیر نبود ناچار مقدّرات الهی بر آغاز غیبتی طولانی (کبری) از سال ۳۲۴ هـ. ق برای آن حضرت تعلّق گرفت تا...

با آغاز غیبت کبری حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن که ارتباط شیعیان با امام خویش قطع نگردد سُکان هدایت جامعه ی اسلامی و تشیع را به دست فقهای عادل (ولی فقیه) (۱) سپردند و خویشان نیز چون آفتاب پنهان شده در فراز ابرها تا زمان موعود در انتظار مانده تا با تابش نور هدایت وجود مبارکش راه گم نشود و امر تربیت مهدی یاوران سامان بگیرد و وظیفه خویش را فراموش نکنند و....

از این رو به گواه قرآن شریف و روایات ائمه علیهم السلام وظیفه ی شیعه در زمان غیبت آن حضرت آماده شدن و آماده ساختن خود و جامعه و مهیا نمودن زمینه ها و شرایط، و در واقع تأمین آن ضمانتی است که سلامت و یاری آن حضرت را در رسیدن به حاکمیّت جهانیّ اسـلام و تحقق وعده ی الهـی در آیه شریفه

ص: ۱۳

۱- و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا... فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱)

و خواستیم که منت گذاریم بر کسانی که ناتوان و فرو مقدار شده بودند در زمین، و بگردانیم ایشان را پیشوایان و وارثان اموال و دارایی دیگران را به دنبال داشته باشد.

و این امری است که فلسفه انتظار و وظائف منتظران را معنی و تبیین می نماید، که خود نیز بیان فرموده اند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که دو وظیفه مهم منتظران در راستای تحقق ظهور منجی عالم بشریت مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارتند از:

۱. کسب آمادگی شیعه و منتظران ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. سلب آمادگی از دشمن به منظور پاره کردن حلقه محاصره و ایجاد فضای امن ظهور (دشمن همواره در جلوگیری و ایجاد مانع در مسیر تحقق ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حصول زمینه ها در تلاش بوده و می باشد).

که این هر دو امر نیز مستلزم «شناخت دقیق دشمن» و تبیین صحیح بحث «دشمن شناسی در مهدویت» خواهد بود.

لذا سعی ما در این است که به روشنی اما به اجمال ضمن رعایت اختصار و با اشاره به بخشی از حوادث تاریخی و با تکیه بر منابع موجود و البته با گرایشی سیاسی - اجتماعی، در ابتدا به بررسی و تبیین این بحث در مسیر شناخت حرکت دشمنان واقعی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در

ص: ۱۴

کنار جریان اصیل اسلام امامت و فقاہت از آغاز تکوین دین مبین اسلام و معرفی آن توسط پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و سپس استمرار آن توسط حضرات معصومین علیهم السلام از دوران امیر المومنین علیه السلام تا آغاز غیبت کبری پرداخته و بدنبال آن به تلاش فقهای عظیم الشأن اسلام (ولایت فقیه) تا دوران زعامت رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره الشریف و تشکیل حکومت اسلامی (تشیع) بدست مبارک ایشان که هم اکنون در سایه هدایت و رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای اطال الله عمره الشریف در این برهه از تاریخ سرنوشت ساز از دوران انتظار، استمرار دارد، پیردازیم و آنگاه در ادامه مباحث به اهداف و برنامه ها و تلاش مذبوحانه دشمن قسم خورده حقیقی مهدویت و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم (یهود) به موازات تلاش و حرکت ائمه علیهم السلام تا شکل گیری ایشان در سیمای صهیونیسم مسیحی پرداخته تا بتوانیم با شناخت اهداف و توطئه های شوم آنان، نسبت به ایجاد آمادگی در عالم اسلام و تشیع و جهان امروز و در نتیجه سلب آمادگی از این دشمنان قسم خورده ی اسلام، زمینه ی ظهور منجی عالم بشریت، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آوریم.

در پایان از زحمات کلیه عزیزانی که در تألیف این کتاب بنده را یاری نموده اند بویژه استاد بزرگوارم حجت الاسلام والمسلمین مهدی طائب و عزیزان بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود فارس که زمینه چاپ آن را فراهم نموده، قدردانی و سپاس فراوان دارم.

محمد مهدی حام_دی

بهار ۸۶

ص: ۱۵

فصل اول: کلیات بحث دشمن شناسی

اشاره

ص: ۱۷

دشمن شناسی جزء فطریات انسان و از نهادهای خلقی در هر موجود زنده می باشد که خداوند آن را در نباتات و حیوانات به صورت غریزی قرار داده است ولی همین امر در انسان از آن جهت که دارای فکر و رفتاری ارادی، و صاحب اختیار می باشد، مانند سایر مقولات رفتاری در زندگی بشر، "تعلیمی" خواهد بود، زیرا که دشمن آدمی دارای یک خصیصه ی ثابت و ذاتی نمی باشد و صرفاً با دستیابی به اهداف و مقاصد پیدا و پنهان اوست که می توان دشمن را شناخت و نسبت به مقابله و دفع تهاجم آن قدم برداشت. و این ضرورتی است انکار ناپذیر که از بدیهی ترین و قدیمی ترین تعالیم دینی جهت مؤمنین به ویژه در جمهوری اسلامی است تا با شناخت دشمن و اهداف آنها بتوانیم بر اساس آن در ایجاد آمادگی و دفاع از خویش اقدام نمائیم.

اشاره

در دشمن شناسی دو مسأله مهم همواره مطرح می باشد که دست یابی به آنها، ما را در شناخت اهداف و مقاصد دشمن یاری خواهد نمود که عبارتند از:

۱. داشتن اطلاعات

۲. داشتن امکانات

که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت:

داشتن اطلاعات

در شناخت دشمن داشتن اطلاعات مهم ترین امری است که به آن نیازمند خواهیم بود. زیرا بدون داشتن اطلاعات کافی از دشمن هرگونه آفند یا پدافندی در مقابل آن بی معنا خواهد بود.

به عنوان مثال: وجود یک سیستم پدافند قوی و مجهز هوائی بدون داشتن رادار و یا یک قهرمان رزمی کار ماهر با چشم و گوش بسته، جز نابودی و شکست در صحنه مبارزه چیزی را عائد ما نخواهد کرد؛ لذا باید در ابتدا بدنبال کسب اطلاعات لازم بود تا بتوان فهمید که:

دشمن کیست؟ اهداف او چیست؟ چگونه می آید؟ از کجا می آید؟ تا کجا می آید؟ نقاط قوت و ضعف آن کدام است؟ از چه امکاناتی برخوردار است؟ و...

زیرا ما در قدم اول در گیر یک نبرد اطلاعاتی خواهیم بود.

طبیعی است آن گاه که دشمن خود را شناختیم ناچار به امکاناتی نیازمندیم که بتوان با آن به مقابله با آن ها پردازیم و اسباب شکست او را فراهم آوریم همان گونه که قرآن به ما آموخته است که:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ... (۱)

و در برابر آنها هرچه توانستید از نیرو و اسبان بسته و آماده شده آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی شناسید خداوند آنها را می شناسد بترسانید.

(ب) راههای کسب اطلاعات

اشاره

چنان که بیان گردید، برای شناخت دشمن نیازمند به اطلاعات می باشیم، اما این که چگونه و از چه راه هایی می توان به اطلاعات لازم دست یافت، خود نیازمند به بررسی است زیرا این امر به سادگی امکان پذیر نمی باشد چرا که در مسائل اطلاعاتی و از اصول اولیه ی هر دستگاه اطلاعاتی رعایت اصل مهم استتار می باشد که از مهم ترین و حیاتی ترین اصول شناخته شده بین المللی است، لذا این امر (کسب اطلاعات) را به شدت مخاطره آمیز و دست نیافتنی می نماید به ویژه آن که طرفین از تجربه فراوان و

ص: ۲۰

داشتن سیستم اداری و نظامی مستحکمی نیز برخوردار باشند.

اما به هر جهت راههای متداولی که از آن در جهت کسب اطلاعات بهره گرفته می شود، عبارتند از:

۱. نفوذ

۲. شنود

۳. اطلاعات آشکار

حال با توجه به اصول و مبانی حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی به بررسی میزان بهره وری از این روش ها در کسب اطلاعات مورد نیاز می پردازیم:

۱. نفوذ

در عرف سیاسی و نظامی بین المللی، نفوذ به معنای تربیت جاسوسان خبره و با تجربه و اعزام ایشان به سایر کشور های مورد نظر به منظور نفوذ در سرویس های اطلاعاتی طرف مقابل و کسب اطلاعات از این طریق می باشد که همواره مورد بهره برداری همه ی کشورها می باشد و در بسیاری موارد نیز سودمند بوده و اطلاعات خوبی را نیز نصیب آنان نموده است، ولی در نظام مقدس اسلامی استفاده از این روش به علت اهمیت و ضرورت رعایت اصول اخلاقی در تفکرات مذهبی و دینی عملاً امکان پذیر نبوده و حداقل میزان کارائی این روش را به میزان قابل توجهی کاهش خواهد داد زیرا ما زمانی می توانیم از این روش به اطلاعاتی دست یابیم که بتوانیم به مراکز حساس اطلاعاتی دشمن نفوذ کنیم

ص: ۲۱

در حالی که این امر مستلزم آن خواهد بود که ابتدا خود را با موازین اخلاقی آنان تطبیق بدهیم تا بتوانیم اعتماد ایشان را نسبت به خود جلب نموده و به مرور با نفوذ به سیستم اطلاعاتی ایشان به اطلاعات لازم دسترسی پیدا کنیم که با توجه به اصول اخلاقی حاکم بر جامعه غربی بسیار مخاطره آمیز و به عبارتی ناممکن می باشد.

۲. شنود

از دیگر شیوه های کسب اطلاعات در دنیای امروز بهره گیری از سیستم و امکانات شنود، مانند تلفن، ماهواره، بی سیم، رادارهای پیشرفته و.... می باشد که به صورت گسترده نیز مورد استفاده سرویس های اطلاعاتی همه کشورها قرار می گیرد و طبیعی است که ما نیز از این شیوه در راستای کسب اطلاعات بهره خواهیم برد لیکن از آن جایی که دشمنان ما، بویژه استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل به لحاظ داشتن تجربه حکومتی و برخورداری از یک سیستم منظم مدیریتی نسبتاً طولانی با بهره گیری از برتری علمی و تکنولوژیک خود، در موضعی برتر و از امکانات و تجهیزات شنودی مجهزتری نسبت به ما برخوردار می باشند تا زمانی که ما قادر به تأمین تجهیزات برتر نسبت به آنها نباشیم در دست یابی به اطلاعات از این شیوه نیز دچار نقصان و مشکل خواهیم بود.

این شیوه نیز همواره مورد استفاده همه ی دولت ها به ویژه دستگاه های اطلاعاتی آنان در جمع آوری اطلاعات و استفاده از آنها بوده و می باشد زیرا انسان به لحاظ خصلت های ذاتی و انسانی خود به دفعات دچار غفلت و فراموشی شده و در لابه لای گفتارها، موضع گیری ها، اعلام مواضع سیاسی، سخنرانی ها، مقاله ها، کتاب ها و نیز در سایت های رایانه ای و اینترنتی به اطلاعاتی اشاره می کند که از دید متفکران و کارشناسان اطلاعاتی سایر کشور ها پنهان نمانده و با شکار و چینش منطقی و خاص آن ها موفق به کسب اطلاعات مهم و مورد نیاز در ارتباط با اهداف، برنامه ها، نقاط قوت و ضعف، عمق خواسته و سایر اطلاعات مورد نظر خود از طرف دشمنان خویش می گردند و...

اما نباید فراموش کرد که در این مورد نیز از آن جایی که متاسفانه رسانه های گسترده ی بین المللی و شبکه های ماهواره ای و تلویزیونی و اینترنتی امروزه در اختیار شبکه های استکباری و صهیونیسم جهانی می باشد، طبیعی است که با بهره مندی از کارشناسان توانمند و خبره ی خود، بهره گیری از این شیوه را برای ما با مشکل و تنگناهای جدی مواجه خواهد ساخت ضمن اینکه به هیچ وجه اخبار و اطلاعات دریافت شده از این طریق برای ما قابل اطمینان نخواهد بود زیرا چه بسا در اطلاعات به ظاهر صحیح و مهم

منتشر شده، اهداف شوم و خطرناکی نهفته باشد که دشمن را در نیل به مقاصد مورد نظر خود و انحراف افکار عمومی و سرویس های اطلاعاتی ما، موفق می نماید.

در این خصوص به موارد متعددی از جمله مسئله ی مبارزه با تروریسم، بهانه های آمریکا در حمله و اشغال افغانستان بویژه حمله و اشغال کشور عراق و... می توان اشاره نمود که با بهره گیری از همین روش نسبت به فریب افکار عمومی در توجیه تجاوزات و جنایات خویش بهره برداری نمودند. لذا این شیوه نیز نمی تواند به ما کمک چندانی بنماید و ما در هر صورت دچار نقص اطلاعاتی خواهیم بود.

چه باید کرد؟

حال با توجه به بررسی به عمل آمده در مورد راه های کسب اطلاعات و ضعفهای موجود در آنها از یک طرف و نیز ضرورت نیاز به داشتن اطلاعات به لحاظ طراحی عملیات آفندی یا پدافندی در مقابله با اقدامات احتمالی دشمن از طرف دیگر، این سؤال به صورت جدی مطرح خواهد بود که، چگونه می توانیم نقص اطلاعاتی خود را جبران نماییم؟

با کمی تأمل پاسخ یک کلمه خواهد بود:

“قرآن”

ص: ۲۴

بررسی آیات دشمن شناسی در قرآن گویای این مطلب است که: قرآن شریف، “نه تنها دشمن را به ما معرفی کرده بلکه با اولویت بندی و تشریح عمق خواسته ی آنان به بیان نقاط قوت و ضعف و اهداف پیدا و پنهان ایشان نیز پرداخته است”. لذا با عنایت به این نکته که قرآن کلام وحی و درس زندگی برای همه ی اعصار بشریت در همه ی دوران ها می باشد و شمول و خطاب آن، ما را نیز شامل می گردد و می توان و باید به آن استناد کرد، لذا ما می توانیم با بهره گیری از اطلاعات ارائه شده در قرآن، نقص اطلاعاتی خود را جبران نماییم زیرا به طور قطع و یقین بدون نصرت و یاری الهی و بدون تمسک به آیات نورانی قرآن قادر به جبران نقص اطلاعاتی خود نخواهیم بود. از این رو در ادامه به بررسی آیات قرآن در این زمینه خواهیم پرداخت.

دشمن شناسی از دیدگاه قرآن

قرآن شریف در آیات متعددی پس از معرفی دشمن و اولویت بندی آنها ضمن بیان عمق خواسته، به نقاط ضعف و قوت، اهداف و برنامه های ایشان نیز اشاره نموده و بدین وسیله تمامی اطلاعات مورد نیاز را برای شناخت و بهره برداری ما تبیین فرموده است. به گونه ای که هیچگونه نقطه ابهامی را در شناخت دشمن برای ما باقی نگذاشته است. لذا در ادامه بحث بمنظور تبیین این مسئله به دو مورد از این آیات اشاره می نمائیم:

۱. قرآن شریف در سوره مائده / آیه ی ۸۲ می فرماید:

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَّيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»؛

به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیک ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: ما نصاری هستیم این به خاطر آن است که در میان آن ها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند.

و نیز در سوره مائده/آیه ۵۱ می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛

یهود و نصاری را دوست و ولی خود انتخاب نکنید. آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند.

همانگونه که ملاحظه می فرمایید خداوند در این آیات سه دسته دشمن را به ما معرفی می نماید که در این میان یهود با خطاب أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً به عنوان خطرناکترین دشمن مسلمانان معرفی و سپس مشرکین و نصاری (مسیحیت) را در مرتبه دوم و سوم از دشمنی قرار داده است.

البتّه شایِد خطاب “أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا” در مورد نصاری حمل به دوستی و

تعریف از آنها گردد ولیکن با توجه به آیه ۵۱ همین سوره که می فرماید:

“لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛

یهود و نصاری را دوست و ولی خود انتخاب نکنید. آن ها دوستان یکدیگرند...”

ایشان (نصاری) نیز به طور قطع در ردیف دشمنان اسلام قلمداد می گردند، گرچه دشمنی و خطر ایشان کمتر از یهود و مشرکین باشد.

بنابراین با توجه به آیات فوق همراه با آیات دیگری از قرآن که به تبیین دشمن شناسی پرداخته است (۱). می توان چنین استنباط نمود که قرآن به ترتیب اولویت:

۱. یهود

۲. مشرکین

۳. نصاری (مسیحیت)

را به عنوان دشمنان اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می نماید. که با بیان ملاکهای اولویت بخشی در ادامه این بحث بیان نورانی قرآن روشن تر می گردد.

ملاک های اولویت بخشی

اشاره

در زمینه ی دشمن شناسی ملاک هایی که می تواند به ما در شناخت و اولویت بندی ایشان به منظور برنامه ریزی و آمادگی

ص: ۲۷

۱- در آیات دیگری از سوره مائده، انفال، احزاب، اسراء و... به تبیین این امر پرداخته شده است. که می توان به آنها مراجعه کرد.

در مقابله با آنان یاری نماید عبارتند از:

۱. عمق خواسته

۲. امکانات

۳. آموزش

۴. انگیزه

بنابراین چنانچه هر کدام از این سه گروه از عمق خواسته و اهداف استعماری بیشتری برخوردار باشند و در عین حال دارای امکانات و تجهیزات پیشرفته و مجهز نظامی نیز باشند و علاوه بر آن به دلیل سابقه‌ی مدیریتی و داشتن سیستم حکومتی طولانی‌تر، از نیروها و ارتشی آموزش دیده و کارآموده و با انگیزه‌های بالاتری نیز بهره‌مند باشند، قطعاً خطرناک‌تر از دیگران بوده و سایرین در مرتبه‌ای پایین‌تر از او در اولویت قرار خواهند گرفت و می‌بایست به این گروه با دقت و حساسیت بیشتری نگاه کرد و رفتار و تحرکات احتمالی او را زیر نظر داشت. این همان امری است که قرآن آن را به ما گوشزد نموده و بر این اساس به اولویت بندی و معرفی دشمنان اسلام و مسلمانان پرداخته است. لذا در ادامـه ضـمـنـبـدرسـی وضعیـت ایشـان بـراسـاس مـلاکـهای فـوق بـحـث “دشمن شناسی از دیدگاه قرآن” را پی می‌گیریم.

ص: ۲۸

همان گونه که اشاره کردیم قرآن شریف در این آیه از آنان به عنوان نزدیک ترین دوستان به مومنان یاد کرده و می فرماید:

«وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»؛

نزدیک ترین مردم را به دوستی با اهل ایمان آن کسانی که گفتند ما نصارا هستیم این به سبب این است که بعضی از نصاری دانایان زاهدند و آنان گردن کشی نمی کنند.

اما با توجه به آیه ۵۱ همین سوره که با لحن دیگری مسلمانان را از دوستی با ایشان نهی کرده و می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛

یهود و نصاری را دوست و ولی خود انتخاب نکنید. آن ها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن ها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند.

و بدین ترتیب اصل دشمنی ایشان را به ما گوشزد می نماید اما از آن جایی که تعالیم حضرت عیسی علیه السلام بیشتر بر محور مواظظ و توصیه های اخلاقی تکیه دارد(۱) و رفتارهای سیاسی _ اجتماعی پیرو آن حضرت مسیح علیه السلام (مسیحیان) نیز ریشه در این تعالیم دارد. لذا آنان همواره از مواضع صلح جویانه بیشتر استقبال

ص: ۲۹

می نمایند، به همین جهت نیز قرآن شریف در پایان همین آیه می فرماید:

“ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَّيْنَ وَرُهْبَانًا”

این بدان جهت است که برخی از ایشان عالم و تارک دنیا هستند از این رو ایشان در مرتبه ی سوم از اولویت قرار گرفته اند. و امروزه نیز مواضع سیاسی و نظامی دولت های مسیحی در ارتباط با سایر کشورها (از جمله ایران اسلامی) نیز بیان گر همین واقعیت می باشد. (۱)

۲. مشرکین

آنان در دشمنی با مسلمانان همانند “یهودیان” اما در مرتبه و اولویت دوم قرار دارند و خطر ایشان کمتر از یهود بوده است؛ لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طول مدّت رسالت خودشان همواره مراقب تحرکات و اقدامات آنان بوده و در صورت مشاهده ی هر گونه تحرکی از طرف ایشان به مقابله و رفع آنان می پرداختند.

و لیکن بررسی نبرد های نظامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز مشاهده ی مناطق عملیاتی در صدر اسلام در دوران ۱۰ ده ساله حکومت آن حضرت در مدینه، همگی گویای این مطلب

ص: ۳۰

۱- در مورد آمریکا و انگلیس که در ظاهر اکثر مردم آن از مسیحیان پروتستان به شمار می روند، مسئله متفاوت است که در ادامه ی مباحث به ماهیت واقعی ایشان اشاره خواهیم نمود. به همین جهت قرآن نیز می فرماید “برخی از ایشان” از اهل رهبانیت می باشد.

است که خطر دشمنی آنان به مراتب کمتر از یهود بوده است(۱). و به همین علت هم فتح مکه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال هشتم هجرت یعنی تنها دو سال مانده به پایان عمر شریف آن حضرت صورت می گیرد تا بدین ترتیب سپاه اسلام پس از فتح مکه موفق گردند تا تمامی سنگرهای مشرکین را به یکباره فرو ریخته و خطر مشرکین را برای همیشه دفع نمایند. در حالی که همزمان در آن سال حضرت تا منطقه ی موته یعنی ۱۰۰۰ کیلومتری مدینه و تا جداره قدس نیز پیشروی کرده و به آن منطقه سپاه اعزام نموده بودند تا بتوانند خطر یهود را بطور کلی ریشه کن سازند.

۳. یهود

اشاره

اما براساس ملاک های چهارگانه در ارتباط با یهود و خطر آنان و اقامه ی استدلال بر این بیان که از دیدگاه قرآن: أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ... می باشد، می توان به تبیین هر چه بیشتر این موضوع پرداخت.

ص: ۳۱

۱- بررسی جنگ های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کتب تاریخی از جمله فروغ ابدیت استاد جعفر سبحانی و تاریخ تحلیلی اسلام نوشته رسول جعفریان بیانگر این مطلب است که اغلب غزوه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مستقیم و یا غیر مستقیم با یهودیان و پیروان ایشان بوده است.

در مورد عمق خواسته ی یهود قرآن شریف در آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیاء می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

و حقا که ما در هر کتاب آسمانی پس از لوح محفوظ، و در زبور (داود) پس از ذکر (تورات موسی) و در قرآن پس از آن کتاب ها، نوشتیم و مقرر کردیم که همانا این زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث خواهند برد. (۱)

این آیه بیانگر عمق خواسته ی و هدف انبیاء بنی اسرائیل بویژه حضرت موسی علیه السلام و نیز وعده الهی به صالحین از امت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد (۲) و بدین سبب هم بوده است که بنی اسرائیل تا زمانی که تحت رهبری حضرت موسی علیه السلام بودند، موفق گردیدند تا پس از ۱۵ سال آموزش در کنار کوه طور با سازماندهی شدن اسباط ۱۲ گانه بنی اسرائیل به هزاره ها، توسط حضرت موسی علیه السلام به پشت دیوارهای قدس در منطقه اریحا و روبروی اورشلیم که در حال حاضر اردن فعلی و شرق بحرالمت به شمار می رود، رسیده و در آن جا مستقر شوند تا بتوانند پس از شکست عمالقه قدس را نیز به تصرف خود در آورند و به توسعه شریعت حضرت موسی علیه السلام پردازند. ولیکن بدلیل نافرمانی بنی اسرائیل خداوند

ص: ۳۲

۱- ترجمه آیات برگرفته از قرآن با ترجمه آیت الله مشکینی می باشد.

۲- در روایات و در تفسیر این آیه، آنرا پیرامون قیام و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وعده الهی در تحقق حکومت جهانی آن حضرت بیان می نماید.

ایشان را به مدت ۴۰ سال در صحرا سرگردان نمود و از دستیابی به قدس باز ماندند:

«وَأَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ» (۱)

و در همین ایام نیز حضرت موسی و هارون هر دو وفات یافتند. ولیکن سرانجام بنی اسرائیل با پذیرش رهبری یوشع بن نون علیه السلام (وصی حضرت موسی علیه السلام) و هدایت ایشان، موفق شدند تا پس از قبول فرماندهی طالوت و با پیروزی بر جالوت بر قدس مسلط شوند و بدین ترتیب با پادشاهی حضرت داوود علیه السلام و بعد از ایشان به سلطنت رسیدن حضرت سلیمان علیه السلام سرانجام بنی اسرائیل توانستند با هدایت انبیای خویش یک حکومت جهانی را نیز تجربه کنند و بدین وسیله وعده های خداوند در تورات و زبور توسط انبیاء الهی برای بنی اسرائیل محقق گردید تا ایشان اولین قومی باشند که قرآن خطاب به ایشان می فرماید:

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»

ای بنی اسرائیل یاد کنید از نعمت هایی که به شما عطا کردم و شما را بر عالمیان (به نعمت و کتاب رسول) برتری دادم.

اما همین بنی اسرائیل به لحاظ آن که بعد از وفات حضرت سلیمان علیه السلام از مسیر انبیاء الهی منحرف شدند و راه باطل را در پیش گرفتند، حاکمیت جهانی و برتری خود را هم از دست دادند و برای

ص: ۳۳

همیشه طعم ذلت و خواری را چشیده و در دنیا پراکنده شدند.

ولیکن انگیزه‌ی بازگشت دوباره به آن حاکمیت در بنی اسرائیل باقی ماند و جریان حق و باطل هر کدام در مسیر دستیابی مجدد به این عظمت تلاش نمودند اما جریان باطلی که بعد از وفات حضرت سلیمان موفق به تشکیل دولتی به نام “اسرائیل” و با پایتختی “اورشلیم” توسط یربعام شاگرد “سامری” در آن زمان شده بودند، این انگیزه را در تفکرات باطل خود تبدیل به یک استراتژی سه گانه نمود(۱) تا به دنبال تحقق آن باشند. و از آن جایی که پیروان واقعی حضرت موسی علیه السلام و مؤمنین از یهود (جریان حق) با آمدن آیین مسیحیت و آغاز رسالت حضرت عیسی علیه السلام به ایشان گرویدند، تنها یهودیان وابسته به این جریان باقی ماندند و راه باطل خود را دنبال نمودند تا ضمن مقابله با حضرت مسیح و ایجاد انحراف در مسیحیت ادامه دهنده‌ی جریان مبارزه‌ی دائمی حق و باطل در زندگی بشر باشند و بدین ترتیب در این مسیر، اهداف شوم خود را همچنان دنبال کردند. ایشان همانگونه که قبل از آن موفق به تحریف تورات و آیین حضرت موسی علیه السلام شده بودند این بار نیز با نفوذ در میان مسیحیان توسط شخصی

ص: ۳۴

۱- به استراتژی سه گانه یهود در ادامه بحث اشاره خواهیم کرد.

به نام “شائول” (که از علمای یهود به شمار می رفت و بعد ها لقب “قدیس پولس” را در بین مسیحیان به خود گرفت) انجیل را هم تحریف نمودند. و با نهادینه کردن اعتقاد به تثلیث و سه گانه پرستی “خدا، پسر، روح القدس” و ایجاد مسیحیت پولسی نه تنها در تحریف آیین حضرت مسیح علیه السلام موفق بودند بلکه همین امر موجب گردید انگیزه و تلاش برای تحقق حاکمیت جهانی نژاد یهود را دنبال نمایند و موفق شوند تا این که پس از آغاز رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل شعار محوری یگانه پرستی آن حضرت و بیان نورانی: “قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا”.

از طرف ایشان که بیانگر تقابل آن با سه گانه پرستی (تثلیث) مسیحیت بود، اغلب نصاری نیز در کنار یهود راه مقابله با اسلام را برگزیدند و به همین جهت قرآن خطاب به هر دو گروه می فرماید:

“لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛

یهود و نصاری را دوست و ولی خود انتخاب نکنید. آنها اولیای (دوست) یکدیگرند.”

کما این که حمایت های بی دریغ سردمداران کاخ سفید و صهیونیسم مسیحی امریکا از جنایت های بیشمار و ددمشانه ی اسرائیل در عصر حاضر نیز گواه صادق دیگری بر حقایق این کلام

نورانی قرآن شریف و استمرار انگیزه جهانی شدن یهود می باشد.

بنابراین:

عمق خواسته یهود “کل عالم” است و این در حالی است که وعده ی الهی مبنی بر تحقق رسالت جهانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که به دست مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد نیز “کل عالم” خواهد بود که بیانگر عمق تقابل و دشمنی اسلام با یهود می باشد.

۳/۲. امکانات

بررسی وضعیّت اقتصادی امروز یهود گویای این مطلب است که با کمال تأسف در حال حاضر آنان با در اختیار داشتن نزدیک به ۶۰٪ ثروت در گردش دنیا موفق شده اند تا سلطه اقتصادی خود را بر سرتا سر جهان گسترش دهند و دولتها را به ابزار دست خود در رسیدن به اهداف شوم و پلید صهیونیسم تبدیل نمایند و شما می توانید با یک بررسی اجمالی نشانه های سلطه ی اقتصادی یهود را در ایالات متحده ی امریکا به وضوح مشاهده نمایید^(۱). به عنوان نمونه در حال حاضر در امریکا بزرگ ترین شبکه ها و کارتل های اقتصادی جهان مانند: “جنرال موتور، کارخانجات فورد، شرکت های سازنده ی موتورهای هوایی، شبکه های بزرگ رایانه ای، شرکتهای بزرگ نفتی و...” همگی در انحصار یهودیان می باشد، تا جایی که در

ص: ۳۶

۱- برای آگاهی بیشتر نسبت به سلطه اقتصادی یهود در جهان می توانید به کتاب زرسالاران نوشته دکتر شهبازی مراجعه نمایید.

سال ۲۰۰۲ میلادی ۸۰٪ سهام برج های دوقلو به عنوان مرکز تجارت جهانی، متعلق به یهودیان بود که همگی نشانه ی آشکاری بر وابستگی شدید اقتصادی امریکا به اسرائیل (یهود) می باشد.

جالب آن که قرآن شریف به خصلت ثروت اندوزی و وابستگی یهود به دنیا و جمع آوری مال در چندین آیه اشاره نموده است. در صدر اسلام نیز وضعیت اقتصادی مسلمانان در سال هفتم هجرت و بعد از فتح خیبر وبا اموال به غنیمت گرفته شده از یهود پس از آن جنگ بهبود یافت. البته این خصلت ریشه در تفکرات و اعتقادات منحط یهود دارد،^(۱) چنان که در تلمود یهود آمده است که:

“بر یهودیان لازم است تا املاک دیگران را خریداری کنند تا دیگران صاحب ملک نباشند و همیشه سلطه اقتصادی برای یهود باشد و چنان چه غیر یهودی بر یهودی تسلط یابد باید بر خود بگرید و بگوید وای بر ما این چه ننگی است که جیره خوار دیگران باشیم.”

لذا ایشان از لحاظ سلطه اقتصادی و داشتن امکانات نیز نسبت به دنیای مسیحیت برتری داشته وبالطبع در دشمنی خطر ناک تر خواهند بود.

ص: ۳۷

۱- برای آشنایی با این گونه تفکرات منحط و برتری طلبی نژادی یهود در کتاب مقدس ایشان یعنی “تلمود” می توانید به کتاب شناخت یهود برای جوانان نوشته اسدالله محمدی نیا، انتشارات سبط اکبر قم مراجعه نمایید.

در این زمینه باید اعتراف نمود که بنی اسرائیل به دلیل سابقه حیات قومی خود به طور طبیعی از سابقه آموزش بیشتری نیز برخوردار می باشند. به ویژه آنکه مربی و معلم ایشان از ابتدا انبیاء بزرگ الهی مانند حضرت یعقوب و یوسف علیه السلام و شخصیتی مانند حضرت موسی علیه السلام بوده است که فردی آموزش دیده و در مدیریت و توانمندی و تجربه در نوع خود بی نظیر می باشد^(۱) و آن حضرت پس از تلاش گسترده خود در سازماندهی بنی اسرائیل در مدت ۱۵ سال، ایشان را در صحرای سینا با برپائی اردوگاه آموزشی در زمینه های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی و... آموزش داده اند.

بعد از ایشان نیز انبیاء الهی دیگری سکان هدایت آنان را بر عهده داشتند و در نهایت هم بدنبال همین آموزش ها بود که موفق شدند پس از مدت کوتاهی بعد از وفات حضرت موسی علیه السلام با پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام یک حکومت جهانی را نیز تجربه نمایند. لذا در واقع می توان گفت که یهود از یک سابقه ۳۰۰۰ ساله در امر آموزش برخوردار می باشند^(۲).

و این در حالی است که در این مسئله (آموزش) مسیحیان و مسلمانان به دلیل

ص: ۳۸

۱- حضرت موسی علیه السلام مدت ۳۰ سال اول عمر شریف خود را در کاخ فرعون و تحت تعالیم و تربیت وی به عنوان جانشین فرعون مصر قرار داشته اند.

۲- آغاز رسالت حضرت موسی علیه السلام به ۱۲۷۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام باز می گردد.

تاریخی هم در رتبه های بعدی قرار دارند.

۳/۴. انگیزه

بررسی تاریخ یهود (صهیونیسم) (۱) و تلاش دائمی ایشان در رسیدن به اهداف نژاد پرستانه خویش و درگیری های مداوم آنان با مسیحیان و سپس با مسلمانان در تحریف و مقابله با این ادیان در راستای تحقق حاکمیت یهود بر کل جهان و نیز اقدامات امروزه ی صهیونیسم جهانی در تحقق این امر پس از اشغال سرزمین های اسلامی فلسطین و تشکیل دولت غاصب اسرائیل همراه با تلاش مذبحخانه آنان در ایجاد خاورمیانه بزرگ (نیل تا فرات) به عنوان تحقق دومین گام استراتژی یهود برای رسیدن به حکومت جهانی موعود مورد ادعای خویش توأم با پشتیبانی صهیونیسم آمریکایی - انگلیسی، و... همگی حاکی از انگیزه های فراوان این قوم نژاد پرست می باشد.

در این زمینه شیمون پرز نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی بدنبال ناکامی های مکرر آنان در دستیابی به این هدف طی نطقی می گوید:

آرزوی دیرینه تحقق نیل تا فرات امروزه برای ما تبدیل به سراب شده است؛

ص: ۳۹

۱- هرگاه قرآن از بنی اسرائیل به نام "یهود" نام برده است، منظور صهیونیسم و با خصلت های نژادپرستانه ی آنان است و در بقیه موارد از آنان با عنوان "اهل کتاب" یاد می کند.

لذا تنها با گذشت چند روز از حمله ارتش اسرائیل به لبنان خانم رایس وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که:

هم اکنون زمان تشکیل خاورمیانه بزرگ فرا رسیده است.

استراتژی و اقدامات سه گانه یهود

در خاتمه ی این بحث ذکر این نکته لازم است که یهود (صهیونیسم) همواره در طول تاریخ خود برای نیل به اهداف نژادپرستانه خویش ضمن ترسیم یک "استراتژی سه گانه" جهت تحقق حاکمیت جهانی خود از سه شیوه و روش برنامه ریزی شده که به "اقدامات سه گانه ی یهود" معروف گردیده، استفاده نموده است که لازم است قبل از ادامه ی بحث با رعایت اختصار به توضیح آنها نیز بپردازیم.

استراتژی سه گانه یهود

همانگونه که در بحث عمق خواسته به آن اشاره شد بعد از آنکه یهود با انحراف از مسیر انبیاء الهی راه باطل را در پیش گرفتند و دچار اختلافات داخلی و تفرقه گردیدند عظمت و شکوه دوران پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام را نیز از دست دادند و دیگر هرگز موفق به تشکیل هیچ دولتی نشدند و خداوند نیز ذلت و خواری ابدی را برای ایشان رقم زد، ولیکن راه باطل خویش را با انگیزه بازگشت قوم یهود به آن دوران شکوهمند تحت لوای "دولت اسرائیل" با پایتختی "اورشلیم" را ادامه دادند و برای تحقق حاکمیت جهانی خویش به

تبیین و ترسیم یک استراتژی دراز مدت که به "استراتژی سه گانه یهود" معروف شده است، پرداختند که به بیان توضیح مختصر آن می پردازیم.

در دیدگاه صهیونیسم یهودی استراتژی سه گانه یهود برای تحقق حاکمیت جهانی خود عبارتند از:

۱. فتح قدس

۲. حاکمیت بر نیل تا فرات (خاورمیانه جدید)

۳. کل عالم (دهکده جهانی در ادبیات امروز یهود)

لذا امروزه همچنان که مشاهده می فرمایید یهود با طرح همان اعتقادات نژادپرستانه ی خویش و با ادعای "برگزیده بودن ملت خداوند" پس از اشغال بخشی از سرزمین فلسطین و تشکیل دولت غاصب اسرائیل و یا به عبارتی "تحقق اولین گام استراتژی یهود" یعنی "فتح قدس" به دنبال آن است تا با تحقق گام بعدی یعنی اشغال "نیل تا فرات" و "تشکیل دولت بزرگ یهود" (در عرف سیاسی امروز "خاورمیانه ی جدید" با محوریت اسرائیل) بتوانند گام نهایی خود را در رسی_دن به اهدافش_وم خویش یعنی حاکمیت نژادیه_ود بر کل جهان بشریت و تحقق خواسته های شیطانی و مادی خود بردارند.

گواه آشکار بر این مطلب، پرچم رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) می باشد که خود نمادی از استراتژی سه گانه ی یهود

ص: ۴۱

می باشد و ریشه در اعتقادات نژادپرستانه و زیاده خواهی ایشان دارد. چنانچه در شکل زیر ملاحظه می فرمایید.

تصویر شماره (۱)

کل عالم

رود نیل

قدس

رود فرات

کل عالم

پرچم رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل)

همچنان که با مراجعه به رساله ی مقدس یهود “تلمود” و نیز “پروتکل های دانشوران صهیونیسم برای تشکیل حکومت جهانی یهود” (۱) هم این ادعا به وضوح مطرح می باشد و این امری است که امروزه در برخی از یاوه گوئی های دولتمردان آمریکایی و اسرائیلی نیز مشاهده می شود.

به عنوان نمونه در “تلمود” ایشان آمده است که:

چون یهودیان با عزت الهیه مساوی هستند، بنابراین تمام دنیا و هر

ص: ۴۲

۱- جهت مطالعه متن کتاب تلمود و پروتکل های دانشوران صهیونیسم می توانید به cd “کتابخانه دیجیتالی صهیونیسم پژوهی” از محصولات مؤسسه لوح و قلم مراجعه نمائید.

چه در اوست ملک آن ها می باشد و حق دارند بر دنیا و آن چه در آن است تسلط کامل یابند.

و نیز در خاتمه ی پروتکل شماره ۱۱ خود می گویند:

ما یهودیان برگزیده ی خداوند هستیم و پراکندگی مان در جهان از عنایات اوست... زیرا ما اکنون در آستانه ی فرمانروائی بر سراسر جهان قرار گرفته ایم.

اقدامات سه گانه یهود

اشاره

یهود بمنظور نیل به اهداف خود (حاکمیت جهانی نژاد یهود) و عملیاتی کردن آن به طراحی سه اقدام که به “اقدامات سه گانه یهود” معروف می باشد، نموده است که به اختصار به توضیح پیرامون هر کدام خواهیم پرداخت.

۱. ترور

در تلمود مقدس یهودیان آمده است که:

غیر یهودی هر چند صالح و نیکوکار باشد باید او را به قتل رساند و حرام است غیر یهودی را نجات بدهید. حتی اگر در چاهی بیفتند باید فوراً سنگی بر آن چاه گذاشت و حرام است غیر یهودی را نجات بدهید.

و در بخشی از پروتکل شماره ۹ دانشوران صهیونیسم نیز آورده شده است که:

به زودی کشتار وحشیانه خود را آغاز می کنیم و بر مرکب پیروزی سوار می شویم... بنا به تحریک ما، ترور و وحشت همه جا را فرا می گیرد و افراد با آرمان ها و

عقاید مختلف به خدمت ما در خواهند آمد.

و نیز در بخش دیگری از آن می گویند:

“ما برای اجرای نقشه خود تمام معتقدات مذهبی دیگران را از بین می بریم تا نسل فاسد شود و پیوسته سعی می کنیم که آن دسته از رهبران مذهبی را که مزاحم نقشه های ما هستند نابود کنیم.”

چنانچه که ملاحظه می فرمایید، اقدام به ترور مخالفین به ویژه رهبران مذهبی از روش های برنامه ریزی شده و دائمی این قوم (یهود) بوده و هست و آنها با بهره گیری از اطلاعات موجودی که توسط انبیاء الهی و ادیان پیشین مطرح بوده است همواره سعی در شناسائی و ترور این گونه شخصیت ها به ویژه انبیاء الهی را داشته اند.

لذا قرآن شریف با اشاره به این سیره ی قوم یهود خطاب به ایشان می فرماید:

“... وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ...؛ و پیامبران الهی را به ناحق می کشتند...” (۱)

“... وَ قَتَلْتَهُمْ أَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ...؛ و پیامبران را می کشتید...” (۲)

۲. استحکامات

ایجاد مانع و به عبارتی احداث استحکامات و استقرار نیرو از طرح های عملیاتی یهود جهت مقابله با مخالفین خویش در طول تاریخ بوده است، کما

ص: ۴۴

۱- بقره: ۶۱.

۲- آل عمران / ۱۸۱.

اینکه در صدر اسلام در خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و با توجه به اطلاعات در اختیار خود، با استقرار نیرو و ایجاد استحکامات به مقابله با آن حضرت پرداختند، همچنین قبل از شروع انقلاب اسلامی نیز برای مقابله با موج احتمالی مخالفت علیه تشکیل دولت نوپای اسرائیل و ایستادگی در برابر آن به این امر اقدام نمودند و هم اکنون نیز با توجه به موج گسترده ی منجی خواهی بشریت، در طلعه ی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در صدد ایجاد استحکامات و پتانسیل لازم جهت مقابله با پدیده ظهور آن حضرت بر آمده اند. (در ادامه مباحث به تبیین این امر خواهیم پرداخت)

۳. نفوذ

تاریخ ادیان بزرگ الهی یهود، مسیحیت و اسلام همواره شاهد شخصیت های برجسته ای در دوران خود بوده اند که موجبات تحریف دین خود و منشاء انحرافات بزرگی در زندگی بشر بوده اند، گرچه بعدها ماهیت واقعی آنها روشن گشته و درزمره منافقین آن قوم محسوب می گردند اما انحرافات ایجاد شده توسط ایشان به قوت خود باقی مانده و کماکان آثار و تبعات منفی آن در زندگی جوامع مختلف بشری استمرار دارد.

در این خصوص امام کاظم علیه السلام در روایتی می فرمایند:

ص: ۴۵

سرزمینی در جهنم است که ویژه بدعت گزاران و گمراهان بزرگ است در این سرزمین پنج تن از امت های پیشین از جمله پولس قرار دارند.

و نیز می فرمایند:

رسولان خداوند در عصر خویش و پس از خود به شیطان هایی مبتلا بودند که آنها را می آزمودند و مردم را پس از آنها گمراه می کردند. پولس و مرسیا در امت عیسی این چنین بودند. (۱)

در این میان نفوذیهای یهود گوی سبقت را از دیگران ربوده اند و سراسر تاریخ شاهد چنین شخصیت های یهودی در لباس مسیحیت یا اسلام و حتی در قالب شخصیت های سیاسی اجتماعی و نیز دولتمردان کشورهای بزرگی چون اتحاد جماهیر شوروی سابق، آمریکا، انگلیس و... می باشد. و این از سیره دائمی این قوم به شمار می رود.

نتیجه گیری

بنابر آنچه بیان شد به خوبی روشن می گردد که بر مبنا و معیارهای چهارگانه اولویت بخشی در امر دشمن شناسی و به گواه آیات متعدد قرآن می توان به این امر واقف گردید که:

“أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ...”.

جالب تر آن که با دقت در شأن نزول این آیات (۲) (مائده/۸۲) و زمان نزول آن

ص: ۴۶

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۰.

۲- تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور.

بر وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید این امر با حساسیت و دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد تا هرگز دشمنی یهود با اسلام و انقلاب اسلامی کمرنگ جلوه ننماید و یا به دست فراموشی سپرده نشود. زیرا این آیات در سال آخر عمر شریف آن حضرت و در زمانی که جیش اُسامه از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ماموریت حرکت به موته و دستیابی مسلمانان به قدس شریف را داشتند، نازل شده است و این در حالی است که در آن زمان قدس شریف در اختیار “دولت روم مسیحی” بوده است. حال چرا قرآن در این مقطع در خطاب خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: “أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ...” ولی بلافاصله در ادامه همین آیه خطاب:

“أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى...”

را نسبت به مسیحیان بکار می برد؟ و این خود از نکات ظریف قرآنی در دشمن شناسی است که حاکی از شدت دشمنی یهود می باشد که باید به آن توجه نمود. ما نیز در ادامه مباحث به تشریح و توضیح آن خواهیم پرداخت.

فصل دوم: شکل گیری بنی اسرائیل (یهود) و خواستگاه های ایشان (از آغاز تا بعثت)

اشاره

ص: ۴۹

آنچه گذشت سیری اجمالی بود بر کلیات مبحث دشمن شناسی و دیدگاه قرآن در این باره همراه با بیان استدلال بر مبنای ملاکهای چهارگانه.

لذا هم اکنون که روشن گردید بیان نورانی قرآن و هشدارهای مکرر آیات الهی همگی حکایت بر دشمنی دیرینه و خطرناک یهود با اسلام و امت اسلامی دارد؛ لازم است در این فصل با نگاهی اجمالی و کوتاه به تاریخ شکل گیری بنی اسرائیل و قوم یهود، خواستگاه های این عداوت و دشمنی را ریشه یابی نمائیم زیرا قطعاً اطلاق “دشمنی یهود با اسلام و مسلمانان” همه ی بنی اسرائیل را شامل نمی گردد چه این که ایشان نه تنها فرزندان پیامبران بزرگی چون ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف علیه السلام می باشند بلکه پیامبران بزرگی چون زکریا، یحیی، داوود، سلیمان و نیز دو پیامبر اولوالعزم الهی و صاحبان شریعت یعنی

حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام ، از میان همین بنی اسرائیل برخاسته اند و بسیاری از ایشان نیز پس از ظهور اسلام نه تنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند، بلکه ثروت خویش را نیز جهت ترویج اسلام در اختیار آن حضرت قرار دادند.^(۱)

بنابراین ریشه یابی این خواستگاه (دشمنی و عداوت با اسلام) از جمله مسائل مهمی است که در دشمن شناسی مطرح می باشد و ما در پی آنیم تا در این فصل به اختصار به آن پردازیم.

پیدایش (نسل جدید بشریت)

با آغاز دوباره ی حیات بر روی کره ی زمین، حضرت نوح علیه السلام همراه با بازماندگان از طوفان نوح، و نجات یافتگان در کشتی^(۲)، امّا با کیفیت و تجربه ای بهتر و بیشتر برای گسترش رسالت الهی خویش، از کوفه^(۳) راهی فلسطین گردید و پس از استقرار در قدس فرزندان خود را در

ص: ۵۱

۱- حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: شخصی یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و به آن حضرت عرض کرد: من وصف شما را در تورات این گونه خوانده ام “محمّد صلی الله علیه و آله و سلم مردی که زادگاهش مکه و مکان هجرتش مدینه است. مردی تندخو، خشن، بد اخلاق و فحاش نیست و... آنگاه به آن حضرت ایمان آورد و تمام ثروت خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد.” (ر.ک: اهل بیت علیه السلام ، حجت الاسلام انصاریان، ص ۲۷۱).

۲- به نقل از کتاب تبار انحراف در تاریخ این تعداد ۸ نفر ذکر شده اند.

۳- بنا به روایات محل فرود کشتی نوح علیه السلام بر کوه به جودی، کوفه ی فعلی است.

روی زمین منتشر ساخت تا آئین توحیدی بار دیگر در جهان توسعه یابد و ایشان منادی توحید در سراسر جهان آن روز باشند. از این رو از فرزند آن حضرت نوح علیه السلام، “سام به آسیا”، “حام به اروپا” و “نافث به آفریقای” آن زمان رفته تا نسل بشر امروز در این مناطق رو به ازدیاد نمایند. اما در این میان شیطان نیز دوباره وسوسه آغاز نمود و انحراف دوباره ی بشر آغاز شد و بار دیگر نیاز به پیامبری دیگر و آئین جدید دیگری به شدت احساس شد تا آن جا که نمرود فرزند کوش فرزند حام بن نوح علیه السلام (دو نسل بعد) در بابل بر اریکه ی قدرت، دوباره منادی بت پرستی گردید.

لذا خـداونـد ابراهیم علیه السلام را با آئین حنیف (اسلام) در میـان آنان برگزید تا هدایت گر ایشان باشد، آن حضرت نیز برای ترویج آئین خود و گسترش آن به تمامی جهانیان زمان خویش همانند نوح راه کنعان (فلسطین امروزی) را انتخاب به آن دیار هجرت فرمودند تا “با استفاده از ویژگی خاص و منحصر به فرد این منطقه که شاهراه مسیر شمال به جنوب و شرق به غرب عالم آن هنگام محسوب می گردید و در اندک زمانی می توانست به صورت طبیعی تفکرات حاکم بر آن دیار را در مراودات تجاری و فرهنگی به سراسر دنیا منتشر سازد” (۱) بتوانند

ص: ۵۲

۱- فلسطین در آن دوران به دلیل آن که در سر راه تجارت روم با آفریقا و آسیای آن روز قرار داشت، از سمت آب به قبرس مرکز تجاری آن روز، از سمت شرق به عربستان، عراق و ایران، از طرف جنوب به مصر و حبشه و از شمال به ترکیه و روم ارتباط جغرافیایی داشت، از ویژگی خاص جغرافیایی برخوردار و مرکز انتشار و اخبار، در آن زمان محسوب و مهد تمدن بشری قلمداد می گشت به همین دلیل نیز خواستگاه و نقطه ی هدف تمام انبیاء اولوالعزم الهی (صاحبان شریعت) نیز رسیدن به آن جا و توسعه ی ادیان الهی خود از این منطقه بوده است. لذا در عهد عتیق، سفر خروج، باب ۳۳، شماره ۳ فلسطین را سرزمین شیر و عسل می نامد.

رسالت جهانی خود را محقق سازند. لذا آن حضرت در کنعان (فلسطین امروزی) ماندند تا آنکه خداوند در سن ۸۶ سالگی اسماعیل علیه السلام را به ایشان عطا فرمود و پس از گذشت ۲ سال از تولد اسماعیل، خداوند به ابراهیم، پیامبرش مأموریت داد تا او را به همراه مادرش هاجر به مکه آورده تا در آن دیار بمانند و نسل آخرین پیامبر الهی و خاتم اوصیاء، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و نیز اهل بیت و ائمه علیه السلام از نسل ایشان پدید آید.

آنگاه در مأموریتی دیگر آن حضرت دوباره به مکه آمدند تا با ساخت خانه خدا (کعبه) به کمک اسماعیل قبله دائمی مسلمانان را برپا نمایند و تمدن جدیدی را در این منطقه بنیان گذارده تا در آینده ای نه چندان دور این سرزمین با تولد پیامبر آخرالزمان، وجود شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منادی وحی الهی به سراسر جهان بشریت

گردد؛ سپس دوباره خود به کنعان بازگشتند و خداوند پس از بازگشت حضرتش به سرزمین خویش در ۱۰۰ سالگی اسحاق را از ساره به او عطا فرمود تا بدین ترتیب پس از ایشان در آن سرزمین آئین توحیدی ابراهیم (حنیف)، منادی دیگری به نام “اسحاق” پیدا کرده و آرام آرام نسل “بنی اسرائیل” نیز در این منطقه پدید آمده و حافظ آئین حنیف (اسلام) ابراهیم علیه السلام باشند.

و سرانجام آن حضرت در شهر “الخلیل در فلسطین” چشم از جهان فروبست و سگان هدایت بشر به دست باکفایت اسحاق افتاده و نبوت به ایشان منتقل گردید تا پاسدار آئین پدر (اسلام) باشند.

تولد بنی اسرائیل

در آن سرزمین خداوند به اسحاق، اسرائیل (یعقوب) را عطا فرمود تا وی پس از پدر بار سنگین هدایت بشر را به دوش بگیرد و آن دیار از حجت خدا (پیامبر) خالی نماند.

در همان سرزمین (کنعان) خداوند به پیامبرش یعقوب ۱۲ فرزند^(۱) عطا فرمود تا بدین سان اولین نسل از “بنی اسرائیل” در این منطقه پا به عرصه ی وجود بگذارند و آغازگر نسلی

ص: ۵۴

۱- نام فرزندان حضرت یعقوب عبارتند بودند از: ۱. راوبین ۲. شمعون ۳. لاوی ۴. یهوذا ۵. یساکر ۶. جاد ۷. زبولون ۸. یوسف ۹. بنیامین ۱۰. ران ۱۱. تفتالی ۱۲. اشیر

باشند که در آینده ای نه چندان دور تبدیل به قومی قدرتمند و گسترده گردیده و پیروان و منادی آئین جدیدی که از میان آنان برخواهد خواست (آئین حضرت موسی علیه السلام) باشند. و این آغازی است برای پیدایش بنی اسرائیل در آن سرزمین.

با گذشت چندین سال از حضور حضرت یعقوب و فرزندان وی در کنعان (فلسطین) سرانجام به دنبال حسادت برادران به یوسف علیه السلام و به چاه انداختن وی توسط ایشان و حوادثی که برای حضرت یوسف علیه السلام، در کنعان و مصر پیش آمد آن حضرت در مصر به عزیزی (پادشاهی) آن دیار رسیدند و در نتیجه با آمدن برادران وی (فرزندان اسرائیل) به همراه پدر خود به مصر و سکونت در آن سرزمین و در زیر سایه ی دولت حضرت یوسف علیه السلام فرزندان یعقوب علیه السلام (بنی اسرائیل) موفق شدند تا اولین تجربه های خود را در امر حکومت داری بیازمایند. (۱)

واین امر تا وفات حضرت یوسف علیه السلام ادامه یافت ولی هنگامی که مرگ آن حضرت فرا رسید، ایشان بنی اسرائیل را که در اقلیت بودند گرد آورده و به ایشان فرمودند که بعد از من شما زندگی سخت و دشواری را در پیش خواهید داشت تا

ص: ۵۵

۱- حضرت یعقوب علیه السلام در مصر وفات یافتند و حضرت یوسف علیه السلام ایشان را به شام منتقل و در کنار مرقد مطهر حضرت ابراهیم علیه السلام دفن نمودند.

آن که از نسل برادرش "لاوی" شخصی به نام "موسی" متولد گردد و شما را از این وضع نجات بخشد.

و بدین ترتیب آن حضرت نقطه ی امید به "ظهور منجی بنی اسرائیل" از نسل برادر خود لاوی را در دل بنی اسرائیل قرار داده و مشخصات او را (موسی علیه السلام) نیز برای ایشان بیان نمود.

این انتظار ۴۰۰ سال به طول انجامید و در این مدت علیرغم همه ی مشکلات و سختی های فراوانی که در مصر، بنی اسرائیل متحمل گردیدند (۱) باز به لحاظ زنده بودن امید به "ظهور منجی خود"، در راستای "حفظ هویت، رشد جمعیت و انتظار منجی" روزگار را سپری نمودند تا روز موعود فرا برسد و "موسای موعود"، ایشان را نجات دهد. در خلال این مدت، جمعیت بنی اسرائیل به گواه تاریخ بالغ بر ۶۰۰۰۰۰ نفر رسید.

تولد تا رسالت موسی علیه السلام

پس از گذشت ۳۶۰ سال، علیرغم تدابیر شدید فرعون مصر در کنترل و کشتن فرزندان پسری که از بنی اسرائیل متولد می شد، (به ویژه در سال منتهی به ولادت حضرت موسی علیه السلام که بر اساس پیشگویی های منجمین در آن سال پیش بینی شده بود)، با لطف و خواست الهی نطفه ی آن حضرت در

ص: ۵۶

۱- آیه ۴۹ سوره ی بقره بیانگر این دوران پر از رنج و مشقت و دشواری زندگی بنی اسرائیل طی این سالیان می باشد.

کاخ خود فرعون (مِنْفَتاح) منعقد گردیده و بدین ترتیب شمارش معکوس جهت تولد “منجی بنی اسرائیل” آغاز شد. و آنگاه پس از تولد، خداوند حکیم به مادر موسی الهام فرمود تا برای حفظ جان فرزندش، وی را در صندوقچه ای گذاشته و بر روی رود نیل رها سازد،... آب نیز با مشیت الهی موسی را به داخل کاخ فرعون هدایت فرمود تا با مهر و علاقه ای که از او در دل آسیه، همسر فرعون ایجاد می گردد، وی مجبور شود تا سرپرستی موسی را خود بر عهده بگیرد و با پذیرش وی به عنوان فرزند پادشاه مصر، همچون شاهزادگان در مدت سی سال تمام سیستم آموزشی کاخ، در اختیار موسی علیه السلام قرار گیرد و آن حضرت فردی توانمند، سیاستمداری کارآزموده، جنگاوری دلاور و مدیری آشنا به سیاست و حکومت تربیت شوند تا بتوانند رسالت عظیم الهی خویش و سگان هدایت بنی اسرائیل را به دست بگیرند، سرانجام پس از گذشت ۳۰ سال از عمر شریف آن حضرت، موسی علیه السلام که برای آشنائی با زندگی بنی اسرائیل به صورت مخفیانه در شهر تردد و به آن ها سرکشی می نمود، به دلیل درگیری با یکی از قبطیان و کشته شدن وی به دست آن حضرت، شناسائی شده و مجبور به فرار از مصر شدند. ایشان پس از فرار از مصر به سمت “مدین” رفته و با آشنائی و ازدواج با دختر شعیب نبی علیه السلام، ده سال دیگر نیز نزد آن پیامبر

بزرگ الهی آموزش دیده و آن گاه در ۴۰ سالگی هنگامی که عازم مصر بودند در مسیر بازگشت خود در کوه طور، فرشته ی وحی بر ایشان نازل شده و با ابلاغ نبوت و مبعوث شدن به رسالت، آن حضرت، ماموریت خود را در دو محور:

۱. ابلاغ رسالت (دعوت به اسلام)؛

۲. نجات بنی اسرائیل؛

آغاز نمودند.

از نبوت تا نجات بنی اسرائیل

با آغاز رسالت حضرت موسی علیه السلام، ایشان ابتدا به سراغ فرعون رفته و با دعوت وی به اسلام، دوباره مبارزه ای امان ناپذیر را با شرک و بت پرستی آغاز نمودند. سپس در کنار مبارزات خویش، به آموزش و سازماندهی و هدایت بنی اسرائیل به منظور نجات ایشان پرداختند. و بدین سان ۴۰ سال دیگر از عمر شریف ایشان در این مسیر صرف گردید و در این مدت با تحمل رنج و مشقات فراوان نسبت به آماده سازی ایشان تلاش نمودند.

تا آنکه سرانجام زمینه های پیچیده ترین اردو کشی تاریخ بشریت که حاصل ۳۰ سال تلاش بی وقفه ی آن حضرت بود، فراهم گردید و ایشان موفق شدند در مدت زمانی کمتر از ۲۴ ساعت ۶۰۰,۰۰۰ نفر از بنی اسرائیل را به سمت کرانه ی رود نیل و سپس دریای سرخ هدایت نموده

ص: ۵۸

و سپس با عبور از آن در صحرای سینا مستقر سازند.

حرکت به سمت قدس

با استقرار بنی اسرائیل در صحرای سینا و کرانه های کوه طور، علی رغم آن که با غرق شدن فرعون و سپاهیان وی در رود نیل (دریای سرخ) و دفع خطر ایشان، همه چیز برای بازگشت دوباره به مصر و سرزمین آباء و اجدادی بنی اسرائیل فراهم بود(۱)، اما حضرت موسی علیه السلام، جهت حرکت خود را قدس شریف و فلسطین تعیین نمود و به همین منظور نیز پس از استقرار در کنار کوه طور در صحرای سینا ۱۵ سال از وقت خود را به سازماندهی و تکمیل آموزش بنی اسرائیل در تمام زمینه های سیاسی- اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی- نظامی و... اختصاص داد تا بدین ترتیب با سازماندهی مجدد اسباط ۱۲ گانه ی بنی اسرائیل در قالب هزاره ها(۲) امر

ص: ۵۹

۱- نسل بنی اسرائیل در سرزمین مصر پرورش یافته و اجداد و پدران ایشان در این شهر ساکن و دارای خانه و کاشانه بودند و حضرت موسی علیه السلام نیز نه تنها در همان جا متولد شده و ضمن در اختیار داشتن ۶۰۰۰۰۰ نفر آموزش دیده به دلیل تربیت سی ساله ی خود در کاخ فرعون، به مسائل سیاسی . اجتماعی مصر نیز کاملاً اشراف و تسلط داشتند. لذا زمینه های بازگشت و حکومت در مصر برای ایشان فراهم بود.

۲- حضرت موسی علیه السلام هزاره ها را در هر سبط به شرح زیر سازماندهی و آموزش می دادند. هر ده نفر یک فرمانده هر پنجاه نفر یک فرمانده هر صد نفر یک فرمانده هر هزار نفر یک فرمانده \$ \$ \$ سبط (قبیله) رئیس هر قبیله فرمانده \$ ده گان ! پنجاه گان ! صدگان ! هزاره ! سبط (قبیله) رئیس هر قبیله فرمانده آن محسوب می شد که همگی زیر نظر مستقیم حضرت موسی علیه السلام آموزش می دیدند و بدین ترتیب هر فرمانده در گروه های مربوط مسئول آموزش و مربی ایشان نیز محسوب می شدند. رؤسای هر قبیله نیز مستقیماً زیر نظر حضرت موسی علیه السلام آموزش می دیدند.

آموزش ایشان به سهولت انجام پذیرد.

به نقل از تورات حضرت موسی علیه السلام در زمینه ی آموزش های زیر اهتمام زیادی داشتند تا بتوانند بنی اسرائیل را در راستای تحقق رسالت جهانی خود به بهترین وجه، آموزش داده و تربیت نمایند(۱).

الف) سازماندهی و انسجام

ب) آموزش چهره شناسی (کپی برداری و ترسیم چهره و ثبت آن)، قرآن در رابطه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ارتباط با یهود می فرماید: “الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ”

کسانی که به ایشان کتاب (آسمانی) داده ایم، همانگونه که پسران خود را می شناسند، او (محمد) را می شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می دارند، و خودشان (هم) می دانند.

ج) سیستم ارتباطی و اطلاعاتی قوی: ساخت شیپور و بوق (سیستم نت موسیقی در

ص: ۶۰

۱- به نقل از تورات در سند خروج، بنی اسرائیل در همه ی زمینه ها آموزش دیده و در صنعت به ویژه ریخته گری و قالب سازی نیز پیشرفت نمودند.

تورات آمده و بنی اسرائیل مأمور بودند هر صبح آن ها را بیاموزند)

ولیکن با استقرار بنی اسرائیل در صحرای سینا و بازگشت آرامش به اردوگاه ایشان و گذشت دوران تحوّل و انقلاب، آرام آرام با گرایش به بت پرستی و پرسشگری جاهلانه و رشد روحیه ی طمع کاری و ثروت اندوزی، آنان به سنّت دیرین خود بازگشته و با نافرمانی های مکرر مدنی و عدم اطاعت از رهبری و پیامبر خویش، زمینه های ایجاد انحرافات عقیدتی را نیز مجدداً فراهم آوردند (به ویژه در زمان هایی که حضرت موسی علیه السلام به شهرهای مختلف جهت هدایت مردم مسافرت می نموده و یا جهت عبادت به کوه طور رفته و از میان آنان غایب بودند).

ولی با وجود هـمه ی این مسائل و انحرافات ایجادشـده در میان بنی اسرائیلـ آن حضرت موفق شدند پس از تکمیل آموزش های خود، بنی اسرائیل را از صحرای سینا حرکت داده و در منطقه ی اریحا در روبروی اورشلیم و در شهرهای اطراف آن مستقر نمایند.

آن گاه آن حضرت پس از استقرار در اریحا، با اعزام نیروهای اطلاعاتی خود به “قدس” که هم اکنون در اختیار “عمالقه” قرار دارد، در صدد شناسائی و کسب اطلاعات لازم جهت طراحی عملیات آفندی به منظور فتح قدس برآمدند، اما پس از کسب اطلاعات لازم به دلیل افشای

برخی از آن ها توسط عده ای از نیروهای اعزامی به منطقه (نیروهای اطلاعاتی)، عملیات روانی برای فرار از جنگ در میان بنی اسرائیل آغاز شد و به دنبال آن در پی نافرمانی آنان از فرمان رهبر خود (حضرت موسی علیه السلام) در اعزام به جبهه ی نبرد، بار دیگر دچار عذاب الهی شده و بدین ترتیب چهل سال در صحرا سرگردان ماندند(۱) تا از دست یابی به قدس باز بمانند و سرانجام نیز با وفات هارون و موسی علیه السلام، رهبر و فرمانده ی دلسوز و فداکار خود را نیز از دست دادند.

حکومت جهانی حضرت سلیمان علیه السلام (بنی اسرائیل)

با گذشت چهل سال از آغاز سرگردانی و جایگزین شدن نسل جدید به جای نسل عصیان گر از بنی اسرائیل، بار دیگر با پذیرش رهبری پیامبر دیگری از بنی اسرائیل به نام یوشع بن نون علیه السلام (وصی حضرت موسی علیه السلام)، آن حضرت ایشان را از بحر المیت عبور داده و با پیروزی بر عمالقه موفق شدند تا سرزمین فلسطین را به تصرف خویش درآورده و بتوانند زمینه های توسعه ی فرهنگ موسوی (اسلام) را در آن سرزمین فراهم نمایند. لذا طبیعی است که گام بعدی ایشان توسعه ی

ص: ۶۲

۱- فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ (مائده: ۲۶).

حاکمیت در محدوده ی نیل تا فرات خواهد بود؛ ولیکن با آغاز انحرافات دوباره ی یهود در زوایای مختلف^(۱)، این قوم، مجدداً از مسیر الهی خود منحرف شده و حاکمیت خویش را از دست دادند و به رویارویی با انبیاء الهی خود پرداختند و در نتیجه چندین سال، بنی اسرائیل را گرفتار طاغوتیان کرد.

تا این که سرانجام پس از پیروزی طالوت بر جالوت و کشته شدن وی به دست حضرت داوود علیه السلام^(۲)، بنی اسرائیل به گرد او جمع شده، موفق به تصرف دوباره ی قدس شدند و آن هنگام که نوبت به حضرت سلیمان علیه السلام رسید، آن حضرت موفق گردید تا با بنا نهادن هیکل^(۳) و توسعه ی حاکمیت خود، در سطح نیل تا فرات، با لطف الهی حاکمیت جهانی بنی اسرائیل (یهود) را رقم بزنند، تا با توجه به شکوه و عظمت این دوران بی نظیر، پس از دست رفتن دولت جهانی سلیمان علیه السلام، خواسته ی جهانی شدن یهود دوچندان گردد. این

ص: ۶۳

۱- بنی اسرائیل در زمینه های: (۱). نفس پرستی و آزمندی ۲. نژادپرستی ۳. دوری از خط انبیاء الهی ۴. کشتن پیامبران دچار انحراف شدند. قرآن رباخواری، تحریف کتب آسمانی، انکار وحی، پیمان شکنی و... را از صفات بنی اسرائیل بر می شمارد.

۲- “وَقَتَلَ دَاوُودَ جَالُوتَ” (بقره: ۲۵۴).

۳- هیکل یا معبد سلیمان در واقع محل عبادت حضرت ابراهیم علیه السلام در بالای کوه مرّیا (صهیون) بود که حضرت داوود علیه السلام آن را از صاحب آن خریداری کرد و در آن محل مسجدی را احداث و سپس حضرت سلیمان علیه السلام با توسعه ی آن، معبد سلیمان (هیکل) را بنا نهاد.

دوران تا زمان وفات حضرت سلیمان علیه السلام در سال ۹۳۱ قبل از میلاد ادامه داشت و پس از مرگ ایشان با رشد اختلافات داخلی و از دست رفتن این شکوه جهانی، سازمان یهود که همه چیز را از دست رفته می دید به برنامه ریزی جدیدی برای رسیدن به امیال خود یعنی حاکمیت جهانی به مرکزیت قدس پرداختند تا زمان مناسب آن فرا رسد.

دوران تجزیه و کشمکش های داخلی

دوران تجزیه و کشمکش های داخلی (۱)

پس از وفات حضرت سلیمان علیه السلام در سال ۹۳۱ ق. م کشمکش های داخلی مجدداً آغاز گردید و بنی اسرائیل به دو گروه (حق و باطل) تقسیم شدند. عده ای از ایشان که کما کان به میثاق خود با سلیمان و پیامبران الهی خویش پایبند بودند (جبهه ی حق)، پس از بیعت با "رَحْبَعَام" فرزند حضرت سلیمان علیه السلام موفق شدند تا با تشکیل دولتی به نام "یهودا" حاکمیت خود را سامان ببخشند و پایتخت خویش را "قدس" قرار دادند تا بتوانند با تحکیم آن به مبارزه با باطل و ترویج فرهنگ الهی موسی علیه السلام بپردازند.

اما جبهه ی باطل نیز با بیعت خویش با "یربعام بن نباط" در شکیم (نابلس امروزی) که از دشمنان حضرت سلیمان علیه السلام و از شاگردان سامری به شمار می رفت، از

ص: ۶۴

۱- بر گرفته از عصر ظهور ، علی کورانی، ص ۸۵.، قاموس کتاب مقدس، انتشارات جامعه کلیسا های خاور نزدیک.

مسیر الهی انبیاء منحرف شدند و در ساحل غربی رود اُردن، دولتی به نام “اسرائیل” را تأسیس و پایتخت آن را “اورشلیم” (سامره) قرار دادند و دوباره به گوساله پرستی و بت پرستی روی آوردند.

و سپس به دنبال درگیری و مبارزات داخلی بنی اسرائیل و با تضعیف آنان با تهاجم دولتهای خارجی به ایشان به کلی حاکمیت خود را در آن سرزمین از دست دادند. برخی کشته، و عده ای به مرور مجبور به فرار و کوچ از آن منطقه شدند تا به کیفر نافرمانی خود در انحراف از مسیر الهی انبیاء برای همیشه ی تاریخ با پراکنده شدن در روی زمین و تحمّل ذلت و خواری ابدی(۱) تنها با خاطرات باقی مانده از آن دوران باشکوه ادامه ی حیات دهند تا شاید بتوانند با برنامه ریزی و تلاش مجدد، روزی دوباره، حاکمیت جهانی خود را تحت لوای دولت “اسرائیل” به پایتختی “اورشلیم” به دست آورند. که این تلاش ها تا کنون ادامه یافته است.

ص: ۶۵

۱- بقره: ۶۱؛ “و ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ؛ وَ مُهْرَ ذَلَّتْ وَ خَوَارَى وَ نِياز بر آن ها زده شده و مستحق خشم خدا شدند. این خواری برای آن بود که آن ها همواره به نشانه های خدا کفر می ورزیدند و پیامبران خدا را به ناحق کشتند.”

ذکر این نکته لازم است که جریان الهی بنی اسرائیل نیز در سایه ی هدایت انبیاء به تلاش خود برای جلوگیری از انحرافات و ترویج شریعت موسی علیه السلام ادامه دادند تا این که سرانجام با آغاز رسالت حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت ایمان آورده و در اختیار ترویج شریعت عیسوی علیه السلام قرار گرفتند.

دوران فروپاشی

اشاره

با ایجاد دو دستگی و اختلافات داخلی در میان بنی اسرائیل بعد از وفات حضرت سلیمان علیه السلام و با فروپاشی حکومت جهانی بنی اسرائیل به مرور با تضعیف هر دو دولت تشکیل شده، زمینه را برای تسلط سایر اقوام و ملل در آن سرزمین (فلسطین) فراهم آورد و موجب گردد تا از سال ۸۵۹ ق. م به بعد اقوام و دولت های زیر بر بنی اسرائیل مسلط گردند.

۱. دوران تسلط آشوریان

این دوران که در سال ۸۵۹ ق. م با حمله ی “شَلَمَنْصَرِ سوم” آغاز می گردد تا سال ۸۲۴ ق. م ادامه می یابد.

۲. دوران تسلط بابلی ها

پس از آن که نینوا پایتخت آشوریان در سال ۶۱۲ ق. م به دست مادها و بابلیان سقوط کرد، آن جا را بین خود تقسیم کردند و در نتیجه عراق، شام و فلسطین سهم بابلیان (بخت النصر) گردید.

بخت النصر دو بار به شام و فلسطین حمله کرد و موفق شد تا بار اول قدس را فتح و سپس برای بار دوم (سال ۵۸۶ ق. م) تمام منطقه و مصر را به تصرف خود درآورد. وی معبد سلیمان را ویران کرده و گنجینه های آن را به غارت برد، یهودیان را اسیر یا کشته و یا اخراج کرد و کشور "یهودا" را به کلی منقرض ساخت.

۳. دوران تسلط ایرانی ها

با گذشت ۷۲ سال از حکومت بابلی ها در این منطقه، با حمله ی کوروش کبیر پادشاه ایران و شکست بخت النصر در سال ۵۳۹ ق. م حاکمیت شام و فلسطین به ایرانی ها رسید. در این دوران به دستور کوروش کبیر یهودیان اجازه یافتند تا با بازگشت به قدس، اقدام به بازسازی دوباره ی معبد سلیمان بنمایند..

۴. دوران تسلط یونانی ها

استیلای ایرانی ها تا سال ۳۳۱ ق. م ادامه داشت تا آن که با شکست "داریوش سوم" به دست "اسکندر مقدونی" و فتح مناطق مصر، شام و فلسطین و آغاز تسلط یونانی ها، از این تاریخ یهودیان تحت سلطه ی یونانیان قرار گرفتند و بعد از مرگ اسکندر مقدونی نیز این سلطه با حاکمیت "بطالمه" (بطلمیوس) و "سلوکی ها" تا

ص: ۶۷

زمان تسلط رومیان ادامه یافت. (تا سال ۶۴ ق. م)

۵. دوران تسلط رومیان

سرانجام در سال ۶۴ ق. م فرمانروای روم (بومبی) ابتدا با اشغال سوریه آن را به امپراطوری روم ملحق کرده و سپس در سال بعد نیز قدس را به تصرف خود درآورده و "اگوست هیروдіس" را به فرمانروایی یهودیان انتخاب کرد.

وی در مدت دوران فرمانروایی خود، بنای باشکوهی را در محل معبد سلیمان احداث نمود و با مرگ وی در سال ۴ ق. م، هیروдіس دوم به سلطنت رسید و تا سال ۳۹ بعد از میلاد فرمانروایی کرد. و بدین ترتیب سلطه ی رومیان بر این منطقه تا آمدن اسلام ادامه یافت. (سال ۶۳۸ میلادی)

مسیحیت آیین جدید بنی اسرائیل و جهان

با تولد حضرت عیسی مسیح علیه السلام و آغاز رسالت ایشان در قدس، شریعت عیسوی (اسلام) برای احیای مجدد دین خدا در روی زمین فعالیت خویش را آغاز کرد.^(۱) اما یهودیان که با نفوذ در دستگاه سلاطین روم به دنبال احیای حاکمیت دوباره ی یهود تحت لوای اسرائیل بودند و این بار نیز شریعتی جدید با رهبری

ص: ۶۸

۱- انجیل در زبان یونانی به معنای بشارت است، رسالت عیسی علیه السلام را می توان در بشارت به پیامبر موعود خلاصه کرد.

حضرت عیسی مسیح علیه السلام را سدّ راه خود می دیدند، به مبارزه با او و آئین مسیحیت پرداختند. یهودیان که در آن زمان به صورت فرقه های متعدد و با عقاید گوناگون زندگی می کردند، ابتدا به دلیل نفوذ در دولت روم توسط بزرگترین فرقه ی آنان که “فریسیان” نام داشتند و علمای یهود از این گروه به شمار می رفتند، به مقابله با حضرت مسیح علیه السلام و پیروان آن حضرت پرداختند و سرانجام حضرت عیسی علیه السلام را که مخفیانه برای ترویج شریعت خود به شهرهای یهودیه، الجلیل و قدس سفر می نمودند را شناسائی و دستگیر نموده و توسط دادگاه عالی یهود (سنهدرمین) به اعدام محکوم نمودند.

گرچه این حکم را حاکم وقت “پلاتوس” تأیید نکرد ولی دولت روم وی را مجبور به اطاعت از خاخام های یهودی کرده و با تأیید آن حکم، به خیال خود آن حضرت را به صلیب کشیدند ولیکن این امر هیچ گاه نتوانست مانع ترویج آئین مسیحیت شود و حواریون آن حضرت به سرعت آئین جدید را در سراسر روم منتشر ساختند.

اما یهود دیگر بار بدنبال اقدام در راستای تحریف انجیل شریف، به این مهم هم نائل آمد و موفق شد تا با نفوذ یکی از علمای خود به نام “شائول” در پوشش “ایمان آورنده به آئین مسیحیت و

اعتقاد به حضرت مسیح علیه السلام “ در سال ۴۰ میلادی (۱۰ سال بعد از حیات زمینی حضرت عیسی علیه السلام)، اقدامات خود را در راستای تحریف آئین جدید آغاز کند، وی که از دشمنان سرسخت مسیحیان و از علمای فرقه ی فریسیان به شمار می رفت و همواره سعی در دستگیری و شکنجه ی مسیحیان داشت، مدعی شد که: “در هنگام عزیمت به شام نوری در اطراف من درخشید و صدایی شنیدم که می گفت: شائول، شائول برای چه بر من جفا می کنی؟ پرسیدم تو کیستی؟ گفت: من آن عیسی هستم که تو بر من جفا کردی، و به من دستور داد تا به شهر بروم تا دستور بعدی برسد.” (۱) و... و بدین ترتیب او نام خود را به “پولس” تغییر داد و خویش را از حواریون خاص حضرت عیسی علیه السلام قلمداد کرد، وی با ایجاد انحرافات عقیدتی در مسیحیت، شأن اولوهیت و خدائی را برای عیسی علیه السلام قائل شد و در نهایت اعتقاد به “ثلیث” را در مسیحیت بدعت گذاشت و بدین ترتیب به دست وی جبهه ی باطلی در مسیحیت پدید آمد و این آئین (شریعت عیسوی علیه السلام) نیز به همان سرنوشتی گرفتار شد که قبل از آن شریعت موسی علیه السلام گرفتار تحریف شده بود.

و این جریان (مسیحیت پولسی) تا زمان رسالت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از ایشان تا به امروز نیز ادامه یافته است و به همین دلیل نیز در صدر اسلام

ص: ۷۰

“نصاری” در کنار “یهود” به دشمنی با اسلام پرداختند، لذا قرآن نیز در معرفی دشمنان اسلام به این جریان اشاره نموده و می فرماید:

“لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ... ؛

هرگز یهود و نصاری را به دوستی خود نگیرید...”

و بدین ترتیب یهودیان با کمال ظرافت، افکار و عقاید عده کثیری از مسیحیان را تغییر دادند. اما جریان حقیقی (حق) و مؤمنان واقعی به آئین حضرت عیسی علیه السلام بعد از پذیرش نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همگی به آئین اسلام گرویدند و مسلمان شدند. لذا جریان فعلی باقیمانده از مسیحیت (مسیحیت پولسی) است که آنان را در قالب فرقه های گوناگون و تحت مکاتب کاتولیک، اوردکس و پروتستان مشاهده می فرمائید، که هم اکنون نیز به مثابه جبهه باطل و در قالب صهیونیسم مسیحی و با تأسی از اعتقادات تلمودی و عهد عتیق (تورات) و با همان انگیزه های نژاد پرستانه یهود برای رسیدن به حاکمیت جهانی خویش در مقابله با جبهه حق (اسلام) تلاش می نمایند.

یهود در عصر بعثت

اشاره

بدنبال تحریف آیین مسیحیت توسط نفوذیهای یهودی و به انحراف کشیدن آن، اکنون تنها عنصر تهدید علیه یهود و حاکمیت جهانی آن، پیامبر آخر

ص: ۷۱

الزمان صلی الله علیه و آله و سلم و دین مبین اسلام است که در تورات و انجیل بشارت آمدن وی آمده است(۱). آنان در باره اسلام و اهداف آن و آورنده و ادامه دهنده آن، اطلاعات جامع و کاملی را در اختیار دارند و با توجه به آموزشهای گذشته و تجربه طولانی خود در به کارگیری آن آموزشها و نیز با توجه به پشتکار این سازمان در رسیدن به حکومت جهانی مورد ادعای خویش در برابر این تهدید نیز با برنامه ریزی، خود را جهت مقابله با اسلام آماده نمودند.

از مجموعه عملیات یهود برای مبارزه با پیامبر آخرالزمان می توان دریافت که ایشان مبارزه خود را در سه مرحله (اقدامات سه گانه) طرح ریزی و دنبال می نمودند:

۱. ترور و جلوگیری از تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (۲)؛

۲. ایجاد موانع و استحکامات لازم جهت جلوگیری از دست یابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدس شریف؛

۳. نفوذ در میان مسلمانان و ایجاد انحراف در صورت تحقق و توسعه حاکمیت اسلام؛

لذا به اختصار به شرح هر کدام می پردازیم:

ص: ۷۲

۱- انجیل در لغت به معنای بشارت است.

۲- تبار انحراف ، موسسه لوح و قلم، ص ۲۰۹.

بررسی تاریخ گواه بر این مطلب است که ایشان بدلیل داشتن برتری اطلاعاتی خود در مورد ظهور پیامبر آخر الزمان و خصوصیات و ویژگی های اخلاقی و رفتاری ایشان^(۱) و نیز اطلاع از زمان و مکان تولد و نام مبارک آن حضرت، تمام تلاش خود را در شناسایی و ترور ایشان بکار بردند.

نگاهی اجمالی به زندگی اجداد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سرنوشت ایشان گویای این مطلب است:

هاشم عبدالمطلب عبدالله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

الف. هاشم: هاشم جد اعلای پیامبر، اهل مکه بودند ولی قبر ایشان در غزه و در فلسطین قرار دارد که به دست سازمان یهود ترور شدند منتهی ایشان در مسیر خود در مدینه ازدواج کرده بودند و حاصل این ازدواج فرزند پسری بود که بعد ها به نام عبدالمطلب و جد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معروف گردیدند.^(۲)

ب. عبدالمطلب: عبدالمطلب در لغت به معنای “برده مُطَلَب” می باشد زیرا عبدالمطلب اسم وی نیست بلکه لقب ایشان است^(۳) و علت اینکه جد پیامبر به این نام خوانده می شدند به دلیل حفظ

ص: ۷۳

۱- بقره: ۱۴۶؛ «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» .

۲- بحار الانوار، جلد ۱۵، ص ۵۱.

۳- نام ایشان شبیه بوده است.

هویت واقعی ایشان بوده است. لذا “مُطَلَّب” که برادر “هاشم” می باشد بعد از سفری که برای یافتن برادر خویش (هاشم) به مدینه رفته بودند برادر زاده خود را یافته و با خود به مکه آورد، ولی او را به عنوان برده ی خویش معرفی می نماید تا کماکان هویت ایشان مخفی بماند. (۱)

ج. عبدالله: حضرت عبدالله پدر پیامبر نیز با وجود آن که اهل مکه بودند ولی قبر ایشان در مدینه است که پس از مسافرت به آن شهر ترور گردیده و در همان جا دفن شدند. (۲) و آمنه مادر حضرت نیز به گواه تاریخ با مرگ طبیعی از دنیا نرفتند.

د. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: با تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، عبدالمطلب برای مراقبت از آن حضرت ایشان را ۵ سال به قبیله ی بنی سعدیه بردند تا از شهر مکه دور باشند، اما سازمان یهود موفق به شناسایی محل زندگی آن حضرت شد و با احتمال خطر و تهدید این سازمان، حلیمه حضرت را به مکه باز گرداند (۳) و

ص: ۷۴

۱- البته یک بار یهود در ۹ سالگی پس از شناسایی ایشان به قصد ترور به حضرت حمله کردند که توسط دایی های وی نجات یافته بودند، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۵۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷ و ۱۲۷.

۳- موضوع اقدام به ترور پیامبر توسط یهود و نیز حضور آنان در قبیله حلیمه بنی سعدیه و جستجو درباره شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علائم نبوت در چهره ایشان و.... در کتب تاریخ از جمله فروغ ابدیت، تبار انحراف، ص ۲۱۲؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۲ و نیز روایات اسلامی به آن پرداخته شده است.

به عبد المطلب سپرد و پس از آن ایشان تا ۲۵ سالگی تحت حمایت شدید ابوطالب و عبدالمطلب و بنی هاشم بودند و به شدت از ایشان مراقبت به عمل می آوردند.

لذا خداوند نیز در قرآن خطاب به رسول خود حفظ ایشان از توطئه ی ترور یهود را با لطافت به خود نسبت داده و می فرماید:

“أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى(۱)؛

آیا خدا تو را یتیمی نیافت که جایث داد؟ (تو را ایمن داشت و حفظ فرمود)”

وبدین ترتیب تلاشهای یهود برای ترور آن حضرت ناکام ماند.

۲. استحكامات

اطلاعات موجود یهود به ویژه وعده های تورات و انجیل مبنی بر آمدن پیامبر آخرالزمان، و تولد ایشان در مکه و هجرت آن حضرت به مدینه(۲) و تشکیل حکومت اسلامی توسط ایشان در این منطقه و در نهایت تلاش ایشان برای دستیابی به قدس به منظور تحقق رسالت جهانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (همانند سایر انبیاء اولوالعزم)(۳)

ص: ۷۵

۱- انشراح: ۶.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۳۰۸؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۱۰.

۳- بررسی رسالت و سیر حرکت انبیاء اولوالعزم الهی در تحقق رسالت ایشان گواه این مطلب است که گرچه محل آغاز رسالت آنها متفاوت بوده؛ ولی نقطه هدف همگی مشترک و رسیدن به فلسطین (قدس) بوده است. کما اینکه حضرت نوح علیه السلام بعد از فرود کشتی ایشان بر کوه جودی در کوفه امروزی به این منطقه آمدند و فرزندان خود را در سراسر دنیای آن روز منتشر فرمودند، لذا نسل امروز بشر در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا از فرزندان ایشان می باشند، حضرت ابراهیم علیه السلام نیز هنگامی که در بابل به رسالت مبعوث شدند پس از مبارزه با نمrod جهت توسعه ی رسالت خویش راهی سرزمین کنعان (فلسطین) شدند؛ و حضرت موسی علیه السلام هم گرچه رسالت خود را از مصر آغاز کردند، ولیکن بعد از نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعون علی رغم فراهم بودن شرایط حاکمیت بر مصر برای ایشان، بنی اسرائیل را در صحرای سینا در کنار کوه طور آموزش داده و به سمت فلسطین هدایت نمودند، حضرت عیسی علیه السلام نیز در آن سرزمین متولد و به رسالت مبعوث گردیدند، (به همین جهت امروز بالغ بر چهار میلیارد جمعیت دنیا مسیحی می باشند) پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز گرچه در مکه متولد و به رسالت مبعوث شدند ولی حکومت خود را در مدینه تشکیل داده و به سمت قدس (فلسطین) آن را توسعه بخشیدند به گونه ای که آخرین جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در موته و در جداره قدس واقع شده است.

این برتری اطلاعاتی را برای یهود ایجاد کرده بود تا بتوانند با برنامه ریزی و ایجاد استحکامات^(۱)، موانع لازم جهت جلوگیری از دستیابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدس و محقق شدن رسالت ایشان (حاکمیت جهانی اسلام) را ایجاد نمایند.

اما این که گفته می شود این بدان جهت بوده که به واسطه وعده های تورات و انجیل آنان به شوق یافتن پیامبر آخرالزمان و ایمان به وی به این

ص: ۷۶

۱- وجود قبائل قدرتمند یهودی در اطراف مدینه و نیز استحکامات ایجاد شده توسط ایشان در مناطق خیبر، تبوک و موته و... از برنامه ریزی و آمادگی قبلی یهود برای مقابله با اسلام حکایت می کند. (جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب تبار انحراف ، ص ۲۳۸ مراجعه فرمایید).

مناطق کوچ کرده اند و قصد آن ها مقابله با آن حضرت نبوده است! در پاسخ باید گفت برخورد ایشان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان و جنگ های متعددی که علیه آن حضرت آغاز نمودند و نیز اذیت و آزار بی شمار آنان نسبت به مسلمانان(۱)، واقعیت پنهان و پشت پرده یهود را در مقابله و ایجاد موانع برای نابودی اسلام و عدم دسترسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به قدس را کاملاً آشکار می نماید.

وضعیت یهودیان مستقر در اطراف مدینه تا قدس در صدر اسلام را به شکل زیر می توان ترسیم نمود:

تصویر شماره (۲)

۳. نفوذ

ایجاد بسترهای لازم جهت نفوذ در میان مسلمانان و به انحراف کشیدن مسیر

ص: ۷۷

۱- آیات متعدد قرآن در معرفی یهود، خصلت ها و اهداف ایشان و نیز اذیت و آزارهای آنان گواه دیگر این مطلب است به گونه ای که بیش از ۱۱۰ آیه از قرآن به صورت مستقیم به معرفی یهود و بنی اسرائیل پرداخته است.

مسلمانان و جلوگیری از تحقق حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم از دیگر برنامه های یهود در آن برهه از زمان بود که بدنبال انجام آن بودند. لذا با تجربه های فراوان خود بویژه در مورد آیین مسیحیت، سعی داشتند تا با شناسایی افراد مستعد و توانمند در این زمینه که از شخصیت و جایگاه مناسب اجتماعی در بین مردم آن دیار برخوردار می باشند، بتوانند با کمک ایشان (نفوذیها)، با متوقف نمودن پیشرفت های احتمالی نظام نوپای اسلامی در دستیابی به اهداف خود بتوانند زمینه های حاکمیت جهانی خویش را فراهم آورند. که در فصل بعد و در جای خود به اختصار به این مهم نیز اشاره خواهیم نمود.

بدنبال ریشه یابی عداوت و کینه توزی سازمان یهود با نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فصل گذشته، لازم است در این فصل جهت تبیین اقدامات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مقابله با دشمنی و توطئه های ایشان در جلوگیری از تحقق اهداف نژادپرستانه آنان و تلاش برای تحقق حاکمیت جهانی اسلام حوادث این دوران (رسالت) را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

به گواه تاریخ حوادث دوران ۲۳ ساله رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شهر های مکه و مدینه به دو دوران “بعثت” و “هجرت” تقسیم می گردد و آن حضرت در این دو مقطع تمام تلاش خود را در معرفی و حفظ اسلام و مقابله باتمامی توطئه های احتمالی دشمنان اسلام، بویژه کینه توزیهای یهود بکار بردند، ما نیز در این فصل جداگانه به بررسی آنها در این دو مقطع خواهیم پرداخت.

با ابلاغ رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ۲۷ رجب سال ۶۱۰ میلادی (سال ۴۰ عام الفیل) در غار حرا، آن حضرت مأموریت خویش را در تحقق آن آغاز نمودند. ایشان در ابتدا نیازمند تربیت نیروهای بودند تا بتوانند در مسیر رسالت الهی خود از کمک ایشان بهره مند گردند، زیرا وجود نیروهای متعهد و فداکار از ابتدایی ترین نیاز هـ ر حـ رکت و جنبش انقلابی در هر جامعه ای بـ ویژه در حرکت انبیاء الهی علیه السلام به شـ مـ ا ر می رود کـ مـ ا اینکـ هـ قـ ر آن بـ هـ ایـ نـ ا مـ ر ا شـ ا ر هـ نـ مـ و د هـ و می فرماید:

“وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِهِ؛ مَا هِيَ رَسُولِي رَا نَفَرَسْتَادِيمُ مَكْرَ أَنْكَهَ فَرْمَانِ اُو رَا اَطَاعَتِ كُنْتُمْ.” (۱)

تا بتوانند با تربیت انسانهای فداکاری چون علی ابن ابیطالب علیه السلام ، حمزه سیدالشهداء، عمار و یاسر، بلال و... زمینه های لازم جهت تحقق حاکمیت اسلام، و بدنبال آن هموار نمودن راههای کمال بشری و سیر الی الله که هدف نهایی حرکت و رسالت تمامی انبیاء الهی می باشد، را فراهم نمایند (۲).

ص: ۸۱

۱- سوره نساء: ۶۴ .

۲- رعد: ۱۱: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ “در حقیقت خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان حال خود را تغییر دهند.”

لذا نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با عنایت به این نیاز اساسی اقدام به "تبلیغ و ارشاد اسلام به منظور تربیت نیروی انسانی" نمودند. اما با توجه به خطرات احتمالی در ابتدای راه، آن حضرت در قدم اول این اقدام را در مدت سه سال به صورت مخفیانه (دعوت سری) دنبال نمودند و سپس به فرمان الهی با علنی نمودن رسالت خویش با کلمه مبارکه: قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا در سال سوم بعثت، گامهای بعدی خود را آرام آرام در جهت تعلیم و تربیت مسلمانان و ترویج اسلام برداشتند، تا آنکه سرانجام در سالهای آخر بعثت با انعقاد قراردادهای دفاعی با قبایل مختلف و مستقر در مدینه و اطراف آن و فراهم شدن زمینه های حکومت در آن شهر بویژه پس از هجرت عده ای از مسلمانان به حبشه و سایر شهر های همجوار، سرانجام پس از ۱۳ سال تلاش و کوشش پایان ناپذیر و بی وقفه در آن دوران مخاطره آمیز، بویژه حوادث دشواری چون محاصره اقتصادی مسلمانان در شعب ابیطالب و واقعه غم انگیز از دست دادن ابوطالب آن حامی بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیها السلام همسر گرامی آن حضرت و اذیت و آزار سایر مسلمانان، سرانجام با هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه، دفتر نوینی از تاریخ اسلام ورق خورد و زمینه های ایجاد حکومت اسلامی و توسعه اسلام در این شهر فراهم شد.

ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال سیزدهم بعثت به مدینه (آغاز تاریخ هجری قمری) و پس از سه روز توقف در قبا با ملحق شدن امیرالمومنین علی علیه السلام به ایشان در روز دوازدهم از هجرت صورت گرفت.

آن حضرت بلافاصله پس از استقرار در مدینه اقدام به احداث اولین مسجد به عنوان پایگاه عبادی، سیاسی، اجتماعی، قضائی و... نموده و از آن مکان هدایت جامعه اسلامی را بدست گرفتند.

در این هنگام بلافاصله سازمان یهود علیه آن حضرت عملیاتی شده و تحرکات خود را آغاز نموده و بدین ترتیب سعی کردند تا از همان ابتدا با انعقاد قرارداد صلح با آن حضرت و ایجاد فرصت بدست آمده، با تحریک مشرکین و زمینه سازی جنگهای متعدد نظامی، توطئه های خود را یکی پس از دیگری دنبال و عملی نمایند، تا شاید بتوانند مانع دستیابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به قدس شریف و در نتیجه فرو ریختن کانون توطئه یهود شوند.

این اقدامات یهود تا پایان رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زمینه ساز حوادث بیشماری بودند که به اختصار به مهمترین حوادث این دوران اشاره خواهیم کرد. (۱)

ص: ۸۳

۱- ذکر حوادث دوران هجرت برگرفته از کتب تاریخی از جمله تبار انحراف، درسنامه دشمن شناسی در تاریخ اسلام از انتشارات مؤسسه لوح و قلم، تاریخ تخصصی اسلام نوشته حجه الاسلام رسول جعفریان و فروغ ابدیت نوشته آیه الله جعفر سبحانی و جنگهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چاپ مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و... می باشد.

سال اول (تشکیل حکومت)

در این سال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با استقرار در مدینه، درصدد بودند تا پایه های حکومت اسلامی که تازه آن را بنا نهاده بودند را مستحکم نمایند و بتوانند قبل از آن که دشمن موفق به اجرای توطئه های خود شود، به سازماندهی و آموزش نیروهای خویش پردازند تا بدین ترتیب بنای نوپای جامعه اسلامی را بر مبنای عدالت و بر اساس مصالح عمومی، مستحکم نمایند.

ازاین رو ایشان هم از فرصت بدست آمده، آنرا غنیمت شمرده و با موافقت درخواست صلح آنان و انعقاد پیمان دفاعی با یهود، ضمن تربیت و آموزش مسلمانان، ساختار حکومت نو پای اسلامی را در مدینه به نحو مطلوبی ایجاد نموده و به این امر مهم پرداختند.

سال دوم (جنگ بدر)

اشاره

با ورود به سال دوم هجرت، یهود با تحریک مشرکین و همراه با آنان، خاکریزهای اولیه خود را علیه اسلام عملیاتی نمود و با ایجاد جنگهای متعدد سعی در فرصت سوزی و متوقف نمودن و در صورت امکان نابودی اسلام در ابتدای راه را داشتند و بدین وسیله مقدمات اولین جنگ علیه

مسلمانان توسط عوامل نفوذی خود با تحریک مشرکین را فراهم نمودند و در نتیجه با اعلام جنگ مشرکین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال دوم هجرت “جنگ بدر” را علیه مسلمانان به راه انداختند.

در این جنگ نابرابر که مشرکین با بیش از ۱۰۰۰ نفر جنگجوی مسلح در مقابل ۳۱۳ نفر از سپاه اسلام به مقابله پرداختند، علیرغم انتظار یهود در پیروزی مشرکین و نابودی جامعه نو پای اسلامی، مشرکین با دادن ۷۰ کشته و زخمی و تعدادی اسیر، متحمل شکست سختی شده و مجبور به فرار به مکه گردیدند.

بدر بنی قینقاع

پس از بازگشت پیروزمندانه مسلمین به مدینه سازمان یهود که در جنگ بدر به هدف خود نرسیده بود، اولین خاکریز خود را عملیاتی نموده و با تدارک جنگی دیگر علیه پیامبر توسط یهودیان بنی قینقاع، مستقیم با آن حضرت وارد جنگ شدند تا شاید از این طریق با غلبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، شکست مشرکین را جبران و به اهداف خود برسند. ولیکن در این جنگ با پیروزی سپاه اسلام، یهود نه تنها متحمل شکست سختی شده بلکه اولین خاکریز خود را نیز از دست دادند.

سال سوم (جنگ احد و پیمان شکنی یهود بنی نضیر)

در این سال مشرکین مکه با انگیزه انتقام از شکست سنگین بدر با تحریک

ابوسفیان توسط یهود زمینه ساز جنگ احد شدند و به وی قول دادند که در صورت عملیات دوباره هماهنگ با آنان وارد جنگ می شوند و مسلمانان هم بدلیل عدم پذیرش نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر ماندن در مدینه و دفاع شهری و در صحنه نبرد هم بدلیل عدم اطاعت از فرامین فرماندهی و مخالفت با دستور صریح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر عدم رها سازی تنگه "جبل الرمات" به عنوان نقطه آسیب پذیر جبهه نبرد و در نهایت استفاده فرمانده تیزهوش سپاه کفار "خالد بن ولید" از این فرصت بدست آمده و حمله به مسلمانان که به گمان پیروزی مشغول جمع آوری غنائم شده و از دشمن خود غافل مانده بودند، متحمل شکست سختی شده و با پخش شایعه کشته شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کفار قریش سرمست از پیروزی خود به مکه باز گشتند و عرصه را به یهود بنی نضیر سپردند، تا آنان بر اساس معاهده خود با مشرکین و با اعلام جنگ علیه مسلمانان سعی کنند به خیال خود ریشه اسلام را در همان سال بخشکانند، ولیکن تدبیر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سازماندهی مجدد مسلمانان و رشادت و فداکاری برخی مسلمانان بویژه علی بن ابی طالب علیه السلام این توطئه خنثی گردید و با شکست سختی که یهودیان بنی نضیر متحمل شدند دومین خاکریز عملیاتی ایشان نیز منهدم شده و به اقتدار اسلام افزوده شد.

یهود در سال چهارم هجرت با پیمان شکنی خود آتش جنگ احزاب (خندق) را شعله ور نمود و با رایزنی های فراوان خود تمام قبایل اطراف مدینه، همراه با یهودیان بنی قریظه و مشرکین مکه را علیه مسلمانان بسیج نمودند، تا این بار با یک تهاجم گسترده و با نیروی سپاه احزاب که اینک با هم علیه اسلام و مسلمانان هم داستان شده و پیمان نظامی مشترک امضاء کرده بودند، بتوانند حلقه محاصره خود را در اطراف مدینه کامل کنند، تا با نابودی کامل اسلام به اهداف خود که همانا حذف خطر اسلام در مسیر تحقق حاکمیت جهانی یهود به شمار می رفت نائل آیند. اما این بار نیز تدابیر و فرماندهی هوشمندانه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در انتخاب منطقه عملیاتی، همراه با پذیرش پیشنهاد مدبرانه "سلمان فارسی" در حفر خندق در آن منطقه و بدنبال آن امداد الهی در برپایی طوفانی سهمگین که باعث ایجاد رعب و وحشت در سپاه احزاب شد این توطئه خطرناک را خنثی نمود،^(۱) و تنها نقطه امیدی هم که در اردوگاه دشمن با عبور عمرو بن عبدود از خندق پدید آمده بود با رشادت امیرالمومنین علیه السلام و کشته شدن

ص: ۸۷

۱- آیات سوره احزاب در مورد جنگ خندق گویای دشواری و سختی طاقت فرسای این جنگ می باشد که به بررسی علل پیروزی دشمنان اسلام نیز پرداخته است.

عمرو با شمشیر آن حضرت(۱) به یاس مبدل شد و بدین وسیله سپاه احزاب با قبول شکست مجبور به ترک مدینه شدند.

بدین ترتیب در سال پنجم هجرت با این پیروزی نه تنها راه رشد اسلام هموار گردید بلکه آوازه این پیروزی در سایر مناطق نیز منتشر شد، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موفق شدند تا بدلیل پیمان شکنی یهودیان بنی قریظه با حمله به آخرین خاکریزهای استحکامی یهود در اطراف مدینه و نابودی ایشان، این شهر را از شر توطئه های یهود نجات دهند و آن را از لوٹ وجود نیروهای باقیمانده از یهود در اطراف مدینه پاکسازی نمایند، گرچه هم پیمانان یهود در مدینه (منافقین)(۲) کماکان به تلاش خود برای مقابله با اسلام ادامه می دادند.

سال ششم و هفتم هجرت

اشاره

۵ سال از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه می گذشت و آن حضرت که برای انتشار اسلام و تحقق رسالت جهانی خویش در اندیشه رسیدن به قدس شریف و بهره گیری از موقعیت استثنائی آن دیار در نشر اسلام به اقصی نقاط جهان و نابودی

ص: ۸۸

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمودند: “ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده ثقلین”؛ ضربه شمشیر علی ابن ابیطالب علیه السلام در روز خندق بر عبادت ثقلین فضیلت و برتری دارد (زیرا باعث نجات اسلام و مسلمانان گردید)

۲- از جمله منافقین می توان از عبدالله بن ابی، زید بن ثابت، عبدالرحمن بن عوف و... نام برد.

کامل یهود به عنوان کانون فتنه در عالم بودند، هنوز در مدینه هستند، و تا رسیدن به قدس شریف بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله وجود دارد، ضمن آنکه استحکامات باقیمانده از یهود مانند خیبر، تبوک و موته نیز در طول این مسیر کماکان پا بر جا بودند و مانع جدی بر سر راه آن حضرت در تحقق اهداف ایشان محسوب می شدند.

از این رو آن حضرت از ابتدای سال ششم هجرت به فرمان خداوند تبارک و تعالی با تغییر موضع دفاعی اسلام به، “عملیات جهادی”، سپاهیان خود را برای در هم شکستن خاکریز های باقیمانده از یهود و مشرکین و توسعه اسلام و قلمرو حاکمیت آن، بسیج کردند و بدین ترتیب برگ های درخشان دیگری از تاریخ اسلام در سالهای منتهی به پایان رسالت آن حضرت ورق خوردند.

جنگ خیبر

با شروع عملیات جهادی رزمندگان اسلام، آن حضرت بدلیل تحرکات ایدائی و نظامی یهودیان خیبر، با تدارک سپاه و اعزام ایشان به طرف استحکامات خیبر در ابتدای سال هفتم هجرت (ابتدای محرم الحرام سال هفتم هجری) با رشادت علی ابن ابیطالب علیه السلام موفق به فتح این خاکریز مستحکم یهود شدند تا ضمن ایجاد امنیت در محدوده ۲۰۰ کیلومتری مدینه با به غنیمت گرفتن ثروت زیادی که توسط یهودیان در خیبر انباشته شده

بود مسلمانان به وضعیت مطلوب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی نیز دست یافته و بسیاری از مشکلات مهاجر و انصار در این سال مرتفع شود و بدین ترتیب یکی دیگر از استحکامات سازمان یهود در این منطقه و در این سال متلاشی و منهدم گردیده و آوازه این پیروزی با ارزش در سراسر جزیره العرب و سایر کشور های اطراف به سرعت منتشر، و بر ابهت و اقتدار نظام اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز افزوده گردید.

گرچه در همین سال پس از شکست سختی که یهود در جنگ خیبر متحمل شده بود، بلا فاصله توطئه دیگری را طراحی تا با یک عملیات مشترک و با ایجاد یک مثلث شوم با مشرکین و منافقین به گونه ای عمل نمایند تا پیامبر را در جبهه شمال در منطقه تبوک با یهودیان آن منطقه در گیر نموده و با خروج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و س_پاه اس_لام از مدینه، منافقین با به هم ریختن وضعیت داخلی آن شهر زمینه را برای حمله مشرکین و تصرف پایتخت حکومت اسلامی فراهم آورند. ولی این بار نیز تدبیر حکیمانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اتصال ایشان به منبع وحی، این نقشه شوم را خنثی نمود.

نبرد تبوک و نابودی مثلث شوم توطئه

در این سال نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با تدبیر زیبای خودشان ابتدا به قصد انجام عمره عازم مکه شدند و سپس نیروی ها نفوذی اسلام در آن شهر با

انتشار این شایعه که حضرت قصد حمله و تصرف مکه را دارند به گونه ای عمل کردند که سران مشرکین که از توان نظامی مسلمانان بویژه بعد از فتح خیبر بیمناک بودند، در منطقه عمومی حدیبیه سد راه مسلمانان شده و از پیامبر در خواست کنند تا در این سال از آمدن به مکه منصرف شوند و به مدینه باز گردند، اما با مقاومت و اصرار پیامبر مبنی بر انجام عمره در همان سال مواجه می شوند و با ادامه این مذاکرات سرانجام مشرکین با قبول تعهداتی مبنی بر عدم تعرض به مسلمانان و... به مدت ده سال مجبور به انعقاد یک پیمان دفاعی موسوم به "صلح حدیبیه" با مسلمانان می شوند و بدین ترتیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موفق می گردند تا یکی از سه ضلع شوم توطئه را از این مجموعه خارج سازند.

آن گاه آن حضرت پس از بازگشت به مدینه، برای خارج کردن ضلع دیگر این مثلث شوم و کنترل اوضاع مدینه و جلوگیری از هرگونه تحرک منافقین، علی ابن ابیطالب علیه السلام را به عنوان جانشین خود در مدینه منصوب تا ایشان اوضاع را در این شهر با تدبیر خود کنترل و اداره نمایند و سپس خودشان با سپاهی به طرف تبوک حرکت نمودند تا شخصا ضلع سوم این مثلث شوم و کانون فتنه را در آن منطقه منهدم و سرکوب نماید.

در این نبرد یهودیان تبوک که عرصه را بر خود تنگ و تاب مقاومت علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نداشتند، فرار نموده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون درگیری منطقه تبوک را به تصرف خود درآورد و به مدینه بازگشتند و بدین وسیله یکی دیگر از استحکامات یهود در مقابله با اسلام و مسلمین را نابود نمودند.

سال هشتم (نبرد موته-فتح مکه)

اشاره

در این سال مسلمانان آماده شدند تا با هدایت حکیمانه و هوشمندانه و مقتدرانه پیامبر عظیم الشان اسلام، آخرین خاکریز یهود در موته را درهم شکسته و با گشودن دروازه های قدس، یعنی استحکامات موته، مسیر تحقق رسالت جهانی اسلام و انتشار آن به سراسر جهان هستی را هموار نمایند.

اما پس از آماده شدن مسلمانان جهت اعزام به موته، یهود و منافقین وابسته به ایشان با تحریک خود مشرکین را وادار به نقض پیمان "صلح حدیبیه" با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اعلام جنگ با مسلمانان نمودند، تا بتوانند با ایجاد درگیری دوباره مسلمانان با مشرکین و بدست آوردن فرصت لازم مجدداً به بازسازی استحکامات از دست رفته خود پردازند و از دست یابی آن حضرت به قدس شریف جلوگیری نمایند.

از طرف دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز که با محدودیت زمان مواجه بودند و فرصت زیادی تا پایان رسالت خود نداشتند به

ناچار مجبور شدند تا در هر دو جبهه با یهود و مشرکین درگیر شوند تا بتوانند با پیروزی در این نبردها ضمن مقابله و خنثی کردن توطئه دشمنان اسلام و نابودی خاکریزهای باقیمانده ایشان به اهداف مورد نظر خودشان نائل آیند.

جبهه مکه

از این رو آن حضرت خود شخصاً با تعدادی از سپاهیان خویش عازم مکه شدند تا با نابودی مشرکین تمامی سنگرها و خاکریزهای مشرکین در جزیره العرب بویژه مکه برای همیشه نابود و از لوٹ وجود آنان پاک شود و این مهم سرانجام در سال هشتم هجرت بدست مبارک رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به وقوع پیوست و با فتح این شهر، مکه به عنوان ام القری اسلام برای همیشه در دست مسلمانان باقی ماند تا همه ساله با برگزاری مراسم با شکوه حج ابراهیمی در این شهر، ندای اسلام و شکوه حضور میلیون ها مسلمان در این ایام به گوش تمامی جهانیان برسد.

جبهه موته

اما سپاهیان اعزامی به جبهه موته با فرماندهی سه نفر از سرداران رشید اسلام به نامهای “جعفر ابن ابیطالب”، “زید بن حارثه” و “عبدالله ابن رواحه”، بدلیل اعزام ۳۰,۰۰۰ نیروی کمکی از طرف دولت روم برای همراهی با یهودیان مستقر در موته، متحمل شکست سختی شده

و با به شهادت رسیدن هر سه فرمانده خود مجبور به فرار و بازگشت به مدینه شدند و بدینوسیله آخرین استحکامات یهود در نبرد موته دست نخورده باقی ماند تا کماکان قدس به عنوان کانون فتنه یهود در اختیار ایشان بماند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این سال نتوانند این سنگر مهم را فتح نمایند و ناچار به برنامه ریزی مجددی برای اعزام نیرو به موته و فتح این منطقه مهم و استراتژیک در سال نهم هجرت روی آوردند.

سال نهم (حجه الوداع - غدیر خم)

با آغاز سال نهم هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مجدداً به قصد حرکت به موته و درهم شکستن آخرین سنگر یهود، سپاهی را تدارک دیده بودند اما هنگامیکه آماده عزیمت به طرف موته شدند وحی بر ایشان نازل شده و از طرف خداوند تبارک و تعالی مأموریت یافتند تا با تغییر مسیر به طرف مکه ضمن برگزاری حجه الوداع و یاد دادن اعمال حج به مسلمانان در بازگشت از حج آن سال مأموریت خطیر دیگری را به انجام برسانند و با اعلام جانشینی و خلافت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام در غدیر خم، ادامه مسیر و تحقق حاکمیت جهانی اسلام را به دست با کفایت آن حضرت بسپارند تا بدین وسیله دین

سال دهم (بیماری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و توطئه سقیفه)

پس از بازگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان از حجه الوداع، پیامبر گرامی اسلام که کماکان نگران توطئه های یهود و ایجاد استحکامات مجدد در موته و سالم ماندن کانون فتنه (قدس) بودند، مسلمانان را با تشویق به تدارک سپاه دیگری جهت اعزام به موته و دستیابی به قدس شریف آماده نمودند ولی خود به ناگاه دچار بیماری شدند (۲) و با شدت

ص: ۹۵

۱- ماجرای غدیر خم و انتصاب امیر المومنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از بازگشت از حجه الوداع و در برابر دیدگان بیش از ۱۲۰ هزار مسلمان علاوه بر گواه آیات سوره مائده که خطاب به پیامبر می فرماید: "بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ" و پس از معرفی حضرت امیر که می فرماید: "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا". از چنان تواتری برخوردار است که جای هیچ گونه تردیدی برای مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی باقی نگذاشته است به گونه ای که تنها علامه امینی در کتاب گرانقدر خود به نام الغدیر با بیان روایات منقول از اهل سنت (بدون ذکر حتی یک روایت از شیعه) پرداخته که مشتمل به ۱۱ جلد کتاب به زبان عربی می باشد.

۲- در مورد بیماری پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و علت آن مطالب متعددی نقل شده است از جمله مسموم شدن آن حضرت به دست پیره زنی یهودی در جنگ خیبر در سال ۷ هجری. اما واقعیت باید امر دیگری باشد زیرا فاصله زمانی فتح خیبر تا وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سال ۱۱ هجرت از یک طرف و نیز با توجه به تیزهوشی و درایت و فرماندهی هوشمندانه آن حضرت از طرف دیگر، بی توجهی در خوردن غذای مسموم، آن هم توسط زنی یهودی قابل توجه نمی باشد. در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بحبوحه تدارک سپاه اسامه جهت نابودی آخرین پایگاه یهود، توسط منافقین مدینه و برای حفظ حیات خویش و یهود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با جام زهر مسموم و به شهادت رساندند. (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲؛ تبار انحراف، ص ۲۳۰).

گرفتن بیماری عملاً کار تدارک سپاه با دشواری مواجه شد. اما آن حضرت با تلاش فراوان موفق شدند تا با تشکیل سپاهی به فرماندهی "اسامه بن زید" (۱) وی را جهت اعزام به موته مهیا نمایند، ولی در این زمان و در بحبوحه تدارک سپاه، بلافاصله تلاش گسترده منافقین در زمینه فروپاشی سپاه اسلام و بازگرداندن آن به مدینه آغاز گشت و با تردد منافقین در شهر زمینه برپایی "فتنه سقیفه" فراهم گردید و آنها نه تنها موفق به جلوگیری از به قدرت رسیدن علی ابن ابیطالب علیه السلام بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه شدند، بلکه سازمان نفاق موفق شد تا با عملیاتی کردن یک کودتای از پیش طراحی شده، (بر خلاف تصریح مکرر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بویژه در غدیر خم مبنی بر خلافت بلافصل علی علیه السلام)، به اهداف شوم خود دست یافته و با غصب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام کار نیمه تمام یهود را به اتمام رساندند و همچنین موفق شوند تا اقدام نهایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دست یابی به قدس شریف و

ص: ۹۶

۱- اسامه بن زید فرزند زید بن حارثه و از فرماندهان نظامی حضرت در نبرد موته در سال هشتم هجرت بودند که در آن نبرد به شهادت رسیده بود.

فراهم شدن زمینه های لازم در راستای تحقق رسالت جهانی اسلام را متوقف کنند.

سال یازدهم (رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آغاز دوران امامت)

سرانجام با شدت یافتن بیماری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر اثر مسمومیت ایشان در اواخر سال دهم هجرت و بدنبال آن شهادت آن حضرت در روز ۲۸ صفر سال ۱۱ هجرت، مجدداً این فرصت برای یهود فراهم شد تا دوباره به باز سازی استحکامات خود پرداخته و در صورت دستیابی امیرالمومنین علیه السلام به قدرت، توانسته باشند سد محکمی را در مقابله با آن حضرت در سرکوبی فتنه، و تحقق رسالت جهانی اسلام توسط ایشان ایجاد کرده باشند.

نکته مهم: بررسی حوادث این دوران بسیار مهم و قابل توجه است ولیکن از حوصله این بحث خارج است و لازم است هر مسلمانی به بررسی و دقت در مسائل اتفاق افتاده بپردازد تا روشن شود که چگونه زحمات ۲۳ ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی اسلام با آن همه عظمت خود به کل جهان، توسعه قلمرو اسلام در کل جزیره العرب و اطراف آن، اقتدار پیامبر در دعوت سران امپراتوری های بزرگ آن زمان (روم و ایران) به اسلام و نیز عظمت و شأن والای پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در میان مسلمانان به عنوان اول شخصیت جهان اسلام و... به یکباره در یک مدت کوتاه این گونه به

انحراف کشیده می شود؟ و علی رغم روایات بسیار زیاد و متواتر پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی علی ابن ابیطالب علیه السلام در خلافت بلافصل ایشان بویژه در غدیر خم، بلافاصله با مرگ آن حضرت، دیگری به خلافت می رسد؟ و حضرت علی علیه السلام به دلیل حفظ وحدت مسلمین و حفظ اسلام مجبور به سکوت شده و ۲۵ سال از خلافت به دور مانده؟ و اینکه چرا توطئه سقیفه اصولاً پیش آمد؟ و چگونه توطئه ی نفوذ یهود در بین مسلمانان به ثمر می نشیند؟! و مسیر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم علیرغم تمام تلاش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام این گونه بر خلاف خواسته های ایشان سمت و سوی دیگری بر خود می گیرد و به انحراف کشیده می شود چگونه ای که در مدت کوتاهی بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بنی امیه و بعد از ایشان بنی عباس به خلافت می رسند و اهل بیت علیه السلام یکی پس از دیگری تحت مراقبت شدید، زندانی و در نهایت به شهادت می رسیدند؟! و اصولاً چرا و چگونه و توسط چه کسانی فتنه سقیفه برپا گردید؟! و....

فصل چهارم: تلاش برای حاکمیت دوباره اسلام (رخداد‌های دوران امامت تا انقلاب اسلامی)

اشاره

ص: ۹۹

دشمن (سازمان یهود) که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موفق شده بود تا توسط عوامل نفوذی خود از دستیابی امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت جلوگیری و با غصب خلافت علی علیه السلام، جهت حرکت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را به سمت حاکمیت خلفای ثلاث تغییر مسیر دهد، به این نکته هم توجه داشت که با نصب امیر المؤمنین علیه السلام توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم به جانشینی خود و معرفی جانشینان آن حضرت در ادامه ی رسالت (۱)، تا زمان تحقق حاکمیت جهانی اسلام به دست با کفایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲)،

ص: ۱۰۰

۱- در روایات متعددی (بیش از ۱۲ روایت از قول اهل سنت نقل شده است) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقدام به معرفی جانشینان خود به نام نموده اند، بدین ترتیب که اولین ایشان علی علیه السلام است و بعد از ایشان حسن، حسین، علی ابن حسین (امام سجاد علیه السلام)، باقر، صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی، حسن (عسکری) و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود.

۲- روایات پیرامون حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از لسان نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و سایر ائمه معصومین علیه السلام بالغ بر شش هزار روایت می باشد که به جزئی ترین مسائل مربوط به ظهور آن حضرت، از جمله شرایط، چگونگی و علائم ظهور اشاره شده است.

علی علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام در طول مدت دوران امامت خود، ایشان همواره سعی در تحقق این حاکمیت را خواهند داشت، (گرچه به دلیل حوادثی که در این دوران واقع شد هیچ گاه این زمینه برای حضرات معصومین علیهم السلام فراهم نگردید و سرانجام نیز با واقع شدن امر غیبت برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، زمان تحقق این حاکمیت در هاله ای از ابهام قرار گرفت) . از این رو تمام تلاش خود را جهت عدم دستیابی ائمه علیهم السلام به حاکمیت و یا فراهم شدن زمینه های آن بکار برده تا با تنگ تر نمودن حلقه محاصره توسط عوامل نفوذی خود بتوانند، اسباب شهادت آن بزرگواران را فراهم آورند، و خود جهت رفع مشکلات احتمالی و موجود بر سر راه حاکمیت جهانی نژاد یهود اقدام نمایند.^(۱) بنابراین بررسی این دوران و بیان تلاش و زحمات ائمه علیهم السلام در تربیت شیعه و زمینه سازی تحقق این حاکمیت، ما را در تبیین بحث دشمن شناسی کمک خواهد کرد.

ص: ۱۰۱

۱- سیر حرکت سازمان یهود در زمینه سازی تحقق حاکمیت جهانی نژاد یهود و تلاش های گسترده ایشان بدنبال ایجاد انحراف در مسیر حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم قابل تأمل و از مسائل بسیار مهمی است که انشاءالله در فصل پنجم به آن خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که دشمن (یهود) با بهره گیری از عوامل نفوذی خود و جریان نفاق داخلی از فرصت به دست آمده و در مدت خلافت خلفاء ثلاث مجدداً به بازسازی و ایجاد استحکامات دیگری در اطراف قدس به نام شام (لبنان، سوریه، اردن، مصر) پرداخته و آن را در اختیار معاویه قرار داد تا بتواند ضمن مقابله با علی علیه السلام با استمرار حاکمیت خود و سایر عوامل دست نشانده یهود (بنی امیه و بنی عباس) استراتژی مقابله با جریان امامت را با شناسایی و حذف (ترور) جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دنبال کنند.

بدین ترتیب سازمان یهود با بهره گیری از جریان نفاق داخلی اقدامات خود را در راستای:

۱. حذف اهل بیت علیهم السلام و ترور اصحاب و یاران ایشان (سازمان شیعه)؛

۲. تحریف قرآن؛

۳. مقابله با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛

۴. تغییر فرهنگ عمومی مسلمانان؛

آغاز نمودند تا از این راه مسیر حرکت خود را به سمت تحقق حاکمیت جهانی نژاد یهود هموار نماید. (۱)

لذا ترور امیرالمؤمنین علیه السلام به منظور حذف فیزیکی و شخصیتی آن حضرت اولین اقدامی بود که عوامل نفوذی یهود به

ص: ۱۰۲

دنبال آن بودند، از این رو در این مقطع حسّاس از تاریخ اسلام تلاش های فاطمه زهرا علیها السلام برای دفاع از امام علی علیه السلام و حفظ جان مبارک ایشان و سپس حضور گسترده ی آن حضرت در جامعه و پرهیز از خانه نشینی، باعث گردید تا سازمان نفاق از دست یابی به این امر ناکام بماند(۱).

و در زمینه جلوگیری از توطئه دشمن در تحریف قرآن آن حضرت به لحاظ آنکه خود از کاتبان وحی به شمار می رفتند، مدتی را از خانه خارج نشدند و با تنظیم و گردآوری قرآن شریف موفق شدند تا از رسیدن آنان به این هدف شوم جلوگیری نمایند. (۲)

ولی در خصوص مقابله با سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تغییر فرهنگ عمومی مسلمانان متأسفانه دشمن موفق شد تا در مدت کوتاهی چنان تغییری در جامعه ی اسلامی ایجاد نماید که فداکاری، ایثار، خداجوئی، بندگی و... جای خود را به زر اندوزی و تجمل پرستی، خود خواهی، دنیا طلبی و... بدهد، لذا سیره ی خلفاء

ص: ۱۰۳

-
- ۱- اما در شام، معاویه موفق شد شخصیت آن حضرت را چنان ترور نماید که در کمتر از نیم قرن از آغاز اسلام و بعد از واقعه ی عاشورا، هنگامی که امام سجّاد علیه السلام در خطبه ی معروف خودشان می فرمایند: علی علیه السلام را در محراب عبادت به شهادت رساندند، مردم شام با تعجب از خود سؤال میکنند مگر علی علیه السلام هم نماز می خواند؟
 - ۲- قرآن فعلی به گواه تاریخ و تایید حضرات معصومین علیه السلام همان مصحفی است که آن حضرت آنرا گردآوری نموده اند.

بنی امیه و پس از آن بنی عباس و جامعه ی اسلامی منتسب به آنان نمونه ی آشکاری از این تغییرات و دست یابی دشمن بر اهداف خود می باشد. و با استمرار حاکمیت ایشان نیز جامعه اسلامی همواره طی سالیان متمادی شاهد اتفاقات ناگواری بوده است که در نهایت منجر به شهادت ائمه معصومین علیهم السلام می گردید، که در این فصل ضمن اشاره به تلاش های حضرات معصومین علیهم السلام به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

ائمه علیهم السلام و تلاش برای تحقق حاکمیت دوباره اسلام

دوران امام علی علیه السلام

اشاره

با آغاز امامت امام علی علیه السلام (۱)، آن حضرت که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یارانی را برای مقابله با جریان نفاق در اختیار نداشتند (۲)، برای فراهم آوردن شرایط و زمینه های لازم، در تحقق اهداف رسالت و حفظ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و جلوگیری از انحراف آن، برنامه های زیر را در دستور کار خود قرار دادند:

۱. جلوگیری از تحریف قرآن: اقدامی که یهود به شدت به دنبال آن بود تا بتواند با تحریف قرآن، این کتاب

ص: ۱۰۴

۱- شأن امامت ائمه علیهم السلام در نزد شیعه مسلم و به آن معتقد می باشد ولیکن این شأن از طرف اهل سنت پذیرفته نشده و همواره از این بابت (شأن امامت) ائمه در تقیه به سر می بردند.

۲- ارتد الناس بعد النبی الا ثلاث او اربع.

آسمانی را نیز بمانند تورات و انجیل (۱) تغییر داده و در نتیجه اسلام را نیز به سرنوشت سایر ادیان الهی (یهود و مسیحیت) دچار کند. (۲)

۲. تربیت نیروی انسانی (شیعه) مورد نیاز جهت تحقق دوباره ی حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و تشکیل سازمان قدرتمند شیعه در طول مدت ۲۵ سال.

۳. تلاش به منظور جلوگیری از تغییر فرهنگ عمومی مسلمانان و تغییر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم .

بنابراین تلاش های بی وقفه ی امیر المؤمنین علیه السلام در این مدت در تربیت و تقویت شیعیان و قدرت گرفتن سازمان شیعه، باعث شد تا جامعه ی اسلامی به یکباره به علی علیه السلام رو آورده و بعد از مرگ عثمان، آن حضرت را مجبور به پذیرش خلافت نمودند و بدین ترتیب در مدینه باز بوی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به مشام رسیده و امیدها دوباره زنده گردید.

آن حضرت بلافاصله پس از رسیدن به خلافت با عزل معاویه از حکومت شام، هدف خود را به روشنی بیان نموده و حرکت خویش را به سمت قدس شریف آغاز و در قدم اول برای خاموش کردن فتنه جمل

ص: ۱۰۵

۱- قرآن شریف در سوره مائده ، آیه ۱۳ پیرامون این خصلت یهود می فرماید : “يَحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ.”

۲- زید بن ثابت از شاگردان کعب الاحبار یهودی از طرف خلیفه اول مأمور تشکیل ”شورای جمع آوری قرآن“ گردید. (صحیح نجاری ، ج ۵، ص ۲۱۰) ابی ابن کعب درباره زید بن ثابت می گوید: من قرآن قرائت می کردم در حالیکه زید نوجوانی بود که در مدرسه یهودی مشغول بازی با کودکان بود.

از مدینه به بصره آمده و سپس عازم کوفه شده و آن جا را مرکز دولت اسلامی خود قرار دادند و سپس به سمت شام و به قصد دستیابی به قدس شریف حرکت نمودند(۱)، ولی دشمن (یهود) نیز بلافاصله عامل دست نشانده ی خود (معاویه) را به سرعت علیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام عملیاتی کرد تا با کارشکنی خود همانند دوران رسالت درمقابله با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بتوانند با تحمیل جنگ های متعدد، حرکت و تـلاش آن حضرت را متـوقـف نمـاینـد و با شهـادت خـواص اصـحاب علی علیه السلام و از بین بردن توان دفاعی آن حضرت به اهداف خود برسند.

لذا ما در این ایام (دوران خلافت آن حضرت) شاهد حوادث زیر می باشیم که با رعایت اختصار به بیان آنها خواهیم پرداخت.

جنگ جمل (ناکثین)

دشمن در گام اول با استفاده از نیروهای خط مقدم خود (چهره ی نفاق در مدینه) اولین جنگ را علیه آن حضرت تدارک دیدند و با راه انداختن اصحاب جمل و تحریک آنان با سردمداری عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و طلحه و زبیر در سال

ص: ۱۰۶

۱- قدس (نبرد صفین = شام = موته)

قراردادن مرکز خلافت جنگ جمل آغاز خلافت

اول خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام “جنگ جمل” را علیه آن حضرت به راه انداختند.

از این رو حضرت امیر علیه السلام نیز مجبور شدند تا برای خاموش کردن این فتنه در مقابل ایشان ایستاده و با آنان درگیر شوند. در جنگ جمل گرچه آن حضرت موفق به شکست اصحاب جمل و نابودی این فتنه در همان سال گردیدند، ولی متأسفانه در این جنگ با به شهادت رسیدن قریب به ۱۰۰۰ نفر از اصحاب خاص آن حضرت، ضربه ی مهلکی به پیکره ی سازمان شیعه وارد شد و در نتیجه دست علی علیه السلام از داشتن یاران باوفا و شجاع خویش که حاصل زحمات ۲۵ ساله ی ایشان بود، خالی گردید و همین امر نیز زمینه های شکست آن حضرت در جنگ صفین را فراهم کرد.

جنگ صفین (قاسطین)

بعد از جنگ جمل و پس از استقرار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سال دوم حکومت آن حضرت در کوفه و تثبیت حاکمیت شیعه به فرماندهی ایشان، بلافاصله دشمن (یهود)، معاویه را (به عنوان استحکامات تعبیه شده ی خود در جداره ی قدس) علیه حکومت نوپای امام علی علیه السلام بسیج نمود و با اعلام جنگ علیه امیرالمؤمنین علیه السلام، آن حضرت نیز بلافاصله مجبور شدند تا با تدارک نیرو، سپاه اسلام را به جداره ی قدس برسانند تا بار دیگر در صفین (موتۀ [۱](#))، کانون فساد و فتنه ی یهود با

ص: ۱۰۷

۱- محل وقوع جنگ صفین، همان مکان جنگ موتۀ در سال نهم و دهم هجرت و در جداره قدس (منطقه شام قدیم) می باشد.

خطر سقوط مواجه گردد، تا جائی که سپاه مالک اشتر نخعی، سردار شجاع سپاه علی علیه السلام و از اصحاب خاص آن حضرت تا یک قدمی خیمه گاه معاویه نیز پیش برود و سپاه شام را در آستانه ی شکست و معاویه را در معرض سقوط قرار دهد و... اما با کمال تأسف بار دیگر دست توطئه از آستین یکی دیگر از چهره های نفاق به نام “عمرو عاص” بیرون آمد تا با حيله ای جدید با بر سر نیزه بردن قرآن ها و فریب دادن مسلمانان ساده لوح و فعال شدن دوباره ی سازمان نفاق در سپاه علی علیه السلام ، امیر المؤمنین را به مقابله با قرآن متهم نمایند و بدین وسیله شمشیرهای خود را علیه آن حضرت به کار برده و با تهدید به قتل، ایشان را مجبور کردند تا با بازگرداندن مالک اشتر از خط مقدم، دوباره این کانون فساد را از خطر حتمی نجات داده و سپس با عَلم کردن جریان حکمیت و با بهره گیری از نفوذی دیگر خود “ابوموسی اشعری” (۱) (و عضوی از سازمان نفاق) و بهره گیری از زیرکی و حيله ی “عمرو عاص” در عزل علی علیه السلام از خلافت و نصب معاویه به جای ایشان به یکباره تمام امیدهایی که پس از ۲۵ سال انتظار با شروع حاکمیت حضرت علی علیه السلام

ص: ۱۰۸

۱- ابوموسی اشعری از شاگردان کعب الاحبار یهودی و از منافقین زمان امیر المؤمنین علیه السلام می باشد.

برای احیای حاکمیت الله و تحقق اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در دل ها دوباره زنده شده بود، به یأس مبدل گردید و حضرت علی علیه السلام نیز پس از ناکامی در رسیدن به این امر مجبور شدند تا دوباره به کوفه باز گردند و حوادث تلخ بعدی رخ بنماید.

جنگ نهروان (مارقین یاخوارج)

پس از بازگشت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کوفه، مسلمانان ساده لوحی که در رویارویی با حيله عمروعاص فریب خورده و تن به حکمیت داده و مجبور به پذیرش حاکمیت معاویه شده بودند، به جای ملامت خویش، انگشت اتهام را به سوی حضرت علی علیه السلام نشانه رفته و آن حضرت را متهم به پذیرش این مسئله نموده و به جای هم دردی و یاری دوباره آن حضرت، در مقابل ایشان صف آرایی نمودند و زمینه ساز “جنگ نهروان” شدند. علی علیه السلام نیز مجبور شدند تا برای خاموش کردن این فتنه در مقابل ایشان بایستند و در این جنگ تمامی قریب به ۴۰۰۰ نفر از مارقین و خوارج نهروان را از دم تیغ بگذرانند.

اما در این جنگ تنها سه نفر جان سالم به در بردند که با یکدیگر هم پیمان شدند تا علی علیه السلام و معاویه و عمروعاص را به قتل برسانند که در این میان تنها ابن ملجم مرادی بود که موفق به شهادت علی علیه السلام در محراب عبادت و در سحرگاه ۲۱ رمضان سال ۴۱ هجری قمری در مسجد کوفه گردید و بدین سان با شهادت

آن حضرت تمامی چشم ها و امید شیعه به امام حسن مجتبی علیه السلام دوخته شد و بدین ترتیب با شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام مجدداً سپاه اسلام (تشیع) در مویه متوقف ماند تا حوادث تلخ بعدی با آغاز سلطه ی بنی امیه توسط معاویه برای ائمه علیهم السلام و شیعیان و امت اسلام رخ بنماید، که در ادامه به اختصار به آن خواهیم پرداخت.

دوران امام حسن مجتبی علیه السلام

پس از شهادت امام علی علیه السلام در کوفه گرچه در ظاهر خلافت به امام حسن مجتبی علیه السلام منتقل شده بود و آن حضرت به حکومت رسیده اند، ولیکن به دلیل شهادت اصحاب خاص علی علیه السلام در جنگ جمل و صفین، آن حضرت نیز مانند پدر بزرگوارشان، همانند روزهای ابتدائی پس از شهادت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیروئی برای مقابله با توطئه های معاویه را در اختیار نداشتند و از آن طرف نیز مسلمانان سست ایمان همگی به گرد معاویه جمع شده بودند و عملاً مرکزیت خلافت در بین مسلمانان به شام منتقل شده بود.

مهمتر از آن اینکه معاویه که رمز موفقیت علی علیه السلام در تحقق حاکمیت آن حضرت را در تربیت اصحاب خاص ایشان (سازمان شیعه) و همراه شدن آنان با امام خود می دید، بلافاصله بعد از جنگ صفین اقدام به ترور یاران علی ابن ابیطالب علیه السلام و به شهادت رساندن آنان

نمود، و با صدور دستورالعملی به عمال، خود به سراغ یاران آن حضرت از جمله “محمد بن ابی بکر، مالک اشتر، کمیل بن زیاد، میثم تمار و...” رفته و ایشان یکی پس از دیگری به دستور وی به شهادت می رسیدند، این خطر بزرگی بود که به شدت سازمان شیعه را تهدید می کرد و چنانچه این مسئله ادامه می یافت، به دلیل شناخته شده بودن یاران علی علیه السلام (به ویژه بعد از جنگ صفین) دیری نمی پائید که دست امام حسن علیه السلام و ائمه ی بعد از ایشان از وجود یاران و اصحابی فداکار و مؤمن تهی می شد و استمرار خط اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و راه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با خطر جدی مواجه می شد.

لذا آن حضرت با پذیرش پیشنهاد صلح با معاویه و تن دادن به آن، منتهی با قرار دادن شرایطی در مفاد “صلح نامه (۱)” و سپس “صدور دستور تقيه” برای شیعه با زیرکی این توطئه را خنثی نموده و جلو ترور شیعیان و اصحاب خاص آن حضرت را گرفتند تا مجدداً زمینه برای آغاز تربیت، تقویت و حفظ شیعه در تقيه فراهم گردد و آن حضرت تلاش خودشان را معطوف به سازمان دهی مجدد سازمان شیعه بنمایند.

ص: ۱۱۱

۱- در بند دوم مفاد صلح نامه امام مجتبی علیه السلام با معاویه این گونه آمده است که: “معاویه کاری به یاران علی علیه السلام که در جنگ صفین حضور داشتند، نداشته باشد.”

بنابراین اقدامات امام حسن علیه السلام در مبارزه با معاویه و مقابله با توطئه های یهود به دو جهت معطوف بوده است:

الف) اقدام به انعقاد و امضاء قرار داد صلح با معاویه به منظور حفظ بزرگترین دستاورد ۲۵ ساله علی بن ابی طالب علیه السلام (شیعه) و یاران شناخته شده ی آن حضرت. (۱)

ب) صدور دستور تقیه برای شیعه به منظور حفظ نسل آینده ی ایشان از خطر ترور و حذف فیزیکی (۲)

به دنبال تدابیر امام حسن مجتبی علیه السلام و با به تقیه رفتن شیعه، معاویه که دست خود را از شناسائی و دستیابی به سازمان شیعه کوتاه می دید ناگزیر به سراغ امام شیعه آمده و با به شهادت رساندن ایشان در ۲۸ صفر سال ۵۱ هـ. ق اهداف خود در تثبیت حاکمیت خویش و بنی امیه را دنبال کرد.

ص: ۱۱۲

۱- امام حسن علیه السلام در این باره می فرمایند "فَصَالَحَتْ بُقْيَا عَلِي شَيْعَتِنَا خَاصَّهُ مِنَ الْقَتْلِ (اخبار الطوال ، ص ۲۲۰). درخصوص تقیه نیز از آنجائیکه فعل حضرات معصومین علیهم السلام حجت و مطاع می باشد (امرکم متبع) عمل به تقیه در نامگذاری فرزند خودشان به نام ابوبکر (از شهدای کربلا) و سایر اقدامات ایشان و امام حسین علیه السلام در طول این مدت شاهد این مدعی است.

۲- ذکر این نکته لازم است که بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام ، معاویه با صدور دستورات متعدد به عمال خود دستور ترور و قتل عام شیعیان را صادر کرد که نامه های وی به حاکمان منتصب از جانب او گواه این مطلب است. لذا صدور دستور تقیه از جانب ایشان موجبات حفظ شیعیان را در مقابل با تهدیدات احتمالی فراهم آورد.

با شروع امامت سیدالشهداء علیه السلام، آن حضرت با بهره گیری از فرصت به دست آمده (فضای آرام ایجاد شده بر اثر قرارداد صلح امام مجتبی علیه السلام با معاویه) اقدام به تربیت و تقویت و بازسازی سازمان شیعه نمودند و به همین منظور تا زمان حیات معاویه آن حضرت نیز همانند برادر خود به قرارداد صلح مذکور با معاویه پایبند ماندند و در این خصوص هیچ گونه مخالفت و اقدامی بر خلاف آن انجام ندادند^(۱) تا اینکه با مرگ معاویه در سال ۶۰ هـ و اصرار یزید بر گرفتن بیعت از سیدالشهداء علیه السلام زمینه های واقعه ی کربلا فراهم گردید.

با رسیدن یزید به خلافت (برخلاف مفاد صلح نامه امام مجتبی علیه السلام با معاویه مبنی بر عدم تعیین جانشین توسط وی بعد از مرگش) و با گذشت کمتر از نیم قرن (۵۰ سال پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) به دلیل فراموش شدن سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و پایمال شدن زحمات و

ص: ۱۱۳

۱- در پابندی به صلح، اقدام هر دو امام (امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) یکسان بود لذا بعد از شهادت امام مجتبی علیه السلام (در سال ۵۱ هـ. ق) سیدالشهداء علیه السلام نیز با پای بندی به صلح همان مسیر را ادامه دادند و قضیه ی کربلا- هنگامی رخ داد که بعد از مرگ معاویه (در سال ۶۰ هـ. ق) با روی کار آمدن یزید و علیرغم دستور پدرش معاویه به وی در اینکه نسبت به گرفتن بیعت از سیدالشهداء علیه السلام اصراری نداشته باشد، وی با تهدید و اعمال زور اقدام به گرفتن بیعت از سیدالشهداء علیه السلام نمود که با مخالفت آن حضرت مواجه و در نهایت واقعه کربلا (در سال ۶۱ هـ. ق) و تنها ۹ ماه پس از مرگ معاویه واقع گردید.

تلاش امیرالمؤمنین علیه السلام، و فراهم شدن زمینه روی کار آمدن خلفای فاسد و جابر اموی، اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آرام آرام به فراموشی سپرده شده بود و با ادامه ی این روند به تحقیق با گذشت کمتر از چند دهه ی دیگر به طور قطع و یقین هیچ گونه آثاری از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم باقی نمی ماند(۱). لذا سیدالشهداء علیه السلام که اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با خطر جدی و محو کامل آن مواجه می دیدند پس از مخالفت با درخواست بیعت یزید توسط حاکم مدینه و با تصمیم به عدم بیعت با یزید و مقابله با وی، ضمن طراحی یک «عملیات استشهادی»(۲) موفق شدند تا با ریختن خون مبارک خویش به پای درخت اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، نه تنها آنرا دوباره آبیاری کنند(۳) بلکه با موجی که از حرکت سیدالشهداء علیه السلام و واقعه جانسوز

ص: ۱۱۴

- ۱- همان گونه که سیدالشهداء علیه السلام در پاسخ به درخواست بیعت با یزید فرمودند: اگر مثل منی با مثل یزید بیعت کند، وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَام... دیگر از اسلام چیزی باقی نخواهد ماند.
- ۲- به گواه روایات متعددی که از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است نتیجه ی قیام سیدالشهداء علیه السلام شهادت آن حضرت و اسارت خانواده ی ایشان بوده است، همچنان که هنگام خروج از مدینه در پاسخ به محمد بن حنفیه فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم که به من فرمودند: فرزندم، حسین از مدینه خارج شو، دوست دارم تو را کشته بینم، زن و بچه ها را هم با خود ببر زیرا دوست دارم آن ها را اسیر بینم» (نقل به مضمون)
- ۳- روایت معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» «حسین از من است و من هم از حسینم» ناظر به همین معنا است.

عاشورا در کربلا ایجاد گردید، توانستند طومار بنی امیه را در کمتر از سه دهه در هم پیچیده و به کلی نابود سازند.

البته ذکر این نکته لازم است که در طول مسیر حرکت امام علیه السلام از مدینه به مکه و سپس به کربلا، سازمان شیعه از تقيه خارج شده و با آن حضرت همراه شدند، لذا با ورود امام با حدود چند هزار نفر از شیعیان در کربلا مجدداً کانون خطر (شیعه+امام) علیه بنی امیه شکل می گیرد، لذا یزید به گمان خود از فرصت استفاده کرده و با دستور قتل عام ایشان (سازمان شیعه) تصمیم به نابودی و محو کامل اسلام و تحقق کامل خواسته های یهود را داشت ولیکن غافل از آن که سیدالشهداء علیه السلام از همان ابتدای شروع، حرکت خویش را بر محور عملیات استشهادی قرار داده و شهادت را برای خود و اصحاب باوفای خویش و اسارت را برای زن و فرزندان ایشان مطرح می نمودند. به همین جهت هم بود که حرکت و قیام آن حضرت در نهایت حفظ و ماندگاری ابدی را برای اسلام و استمرار جریان پربرکت امامت را برای بشریت تا تحقق حاکمیت جهانی اسلام با ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بدنبال داشت و موفق گردید تا درس شهادت و فداکاری را رمز بقای آزادی و آزادگی و حفظ اقتدار همه ی آزادگان جهان و هر نظام عدالت خواهی قرار دهند.

ص: ۱۱۵

اما در این مقطع حساس از تاریخ اسلام (شیعه) با شهادت سیدالشهداء علیه السلام و اصحاب آن حضرت در واقع سازمان شیعه همه ی یاران خود را از دست داده و استمرار حرکت برای امام سجّاد علیه السلام با دشواری جدّی مواجه گردید.

دوران امام سجّاد علیه السلام

با آغاز امامت امام سجّاد علیه السلام آن حضرت که به شکل معجزه آسایی از حادثه ی عاشورا با عنایت خداوند متعال و بیماری شدید ایشان در آن ایام در امان مانده بودند با توجه به آن که در آن حادثه دردناک و غم انگیز، سازمان شیعه تمام نیرو و توان خود را از دست داده بود، آن حضرت به ناچار تلاش دوباره ای را جهت بازسازی آن با اقدام به تربیت مجدد شیعه و تقویت و حفظ ایشان در شرایط خطیر تقيه، آغاز نمودند.

آن حضرت با توجه به شرایط موجود بعد از واقعه ی عاشورا و مراقبت شدید خلفاء بنی امیه از ایشان، به ناچار این مهم را در قالب دعا و مناجات و با رعایت نهایت اختفاء و استتار به انجام رساندند. به همین دلیل “صحیفه ی سجّادیه” امام سجّاد علیه السلام، در واقع زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب شیعه و تربیت نامه ی شیعه به شمار می رود و در تمام زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، اخلاقی، فرهنگی و... آینه ی تمام نمای شیعه و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

تلاش های امام سجاد علیه السلام در زمینه تربیت و سازماندهی مجدد سازمان شیعه علیرغم مراقبت های شدید خلفای بنی امیه در زمان یزید و بعد از وی در نهایت با شهادت آن حضرت در ۲۵ محرم الحرام سال ۹۵ هجری قمری و انتقال امامت به فرزند ایشان باقر العلوم علیه السلام استمرار یافت.

دوران امام باقر و امام صادق علیه السلام

حادثه ی عاشورا و تلاش امام سجاد علیه السلام چنان تحولی را در جامعه ی اسلامی ایجاد نمود که در اندک مدتی با سرنگونی یزید و خلفای بنی امیه، یکی پس از دیگری طومار خلافت بنی امیه در هم پیچیده شد و بنی عباس که از ایران قیام های گسترده ی خود را برای رسیدن به قدرت آغاز کرده بودند، سعی کردند تا تحت لوای خونخواهی از حادثه ی عاشورا و شهدای کربلا- همزمان با قیام مختار، به اهداف شوم خود دست یابند و به سرعت بتوانند حکومت بنی عباس را در اقصی نقاط دولت اسلامی توسعه دهند، به گونه ای که قلمرو حکومت هارون الرشید عباسی شامل کشورهای بزرگی چون ایران، شام، طبرستان، عراق، عربستان و بخش هایی از افغانستان و پاکستان نیز بود.

در تمام طول مدت انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس به دلیل درگیریهای گسترده در درون حکومت اسلامی، فضا را برای این دو امام

بزرگوار ایجاد نمود تا ایشان بتوانند با ترویج و انتشار اسلام در قالب یک نهضت گسترده علمی و با تربیت شاگردان زیادی(۱)، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را به سراسر جهان معرفی نمایند تا آیندگان بتوانند با بهره گیری از علوم اهل بیت علیهم السلام و شاگردان تربیت شده در مکتب امام باقر علیه السلام (۲) و امام صادق علیه السلام دریچه های علم و هنر و فرهنگ و ادب و سیاست را در تمام زمینه های آن برای بشریت آن روز و نسل آینده باز نمایند، و بشریت امروز پیشرفت خود را در توسعه همه جانبه علمی اعم از علوم تجربی، فلسفه والهیات، ادبیات، ریاضیات، هندسه، فیزیک، شیمی، نجوم، علم اعداد، طب، هنر و... مرهون این دو امام همام بدانند و بدین وسیله چهارمین گام از سیر تکاملی اسلام به سراسر جهان با این نهضت علمی گسترده برداشته شود(۳) و شیعه هم بتواند در سایه مکتب جعفری علیه السلام به تربیت و تقویت و حفظ خود پردازند

ص: ۱۱۸

-
- ۱- به نقل از تاریخ تعداد شاگردان امام صادق علیه السلام به حدود ۴۰۰۰ نفر می رسیدند که از جمله آنان "جابر بن حیان، ابو حمزه ثمالی، هشام، مفضل" و..... را می توان نام برد.
 - ۲- باقر به معنی شکافنده علوم می باشد.
 - ۳- سیر تکاملی اسلام را در پنج مرحله می توان ترسیم نمود: ۱. معرفی اسلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲. کامل شدن اسلام با معرفی علی علیه السلام در غدیر خم و آغاز امامت ۳. حفظ و استحکام و بیمه شدن اسلام با شهادت سیدالشهدا علیه السلام ۴. انتشار و ترویج اسلام در سراسر گیتی با نهضت علمی امام باقر و امام صادق علیه السلام ۵. استقرار جهانی اسلام با ظهور و حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انشاء الله.

و آن دو امام همام نیز در همین راه به دست خلفای جور بنی عباس یعنی هشام بن عبدالملک و منصور دوانقی در ۷ دیحجه و ۲۵ شوال سال ۱۱۴ و ۱۴۸ هجری قمری به شهادت رسیدند.

دوران امام کاظم علیه السلام

تلاش ائمه بزرگوار شیعه از امام سجاد علیه السلام تا امام کاظم علیه السلام در تربیت و تقویت شیعه کار را به جایی رساند که در زمان امامت امام کاظم علیه السلام علیرغم آشکار شدن دشمنی و کینه توزی بنی عباس نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان و با وجود اقتدار حکومت عباسیان بویژه هارون الرشید، با درایت آن حضرت اصحاب خاص ایشان (شیعه) توانستند تا درون دستگاه خلافت و در دربار هارون الرشید نیز نفوذ کنند و زمینه های توسعه سازمان شیعه را فراهم نمایند، به گونه ای که «علی ابن یقطین» (شیعه خاص آن حضرت) وزیر مورد اعتماد هارون گردیده و معلم امین و مامون فرزندان هارون الرشید نیز از شیعیان خاص امام کاظم علیه السلام بوده است، ولی بدلیل رعایت شدید تقیه توسط ایشان بگونه ای عمل می نمودند که وی نتواند از شیعه بودن آنان مطلع گردد. لذا همین امر نیز راه را برای تقویت شیعه و ایجاد پایگاه عظیم ایشان در ایران توسط علی ابن موسی الرضا علیه السلام فراهم نمود. (۱)

ص: ۱۱۹

۱- در تمام این مدت شیعه با هدایت ائمه بزرگوار علیهم السلام در تقیه به فعالیت خود برای توسعه سازمان شیعه و حفظ آن ادامه میدهد در حالیکه ائمه علیهم السلام بدلیل شناخته شده بودن ایشان یکی پس از دیگری به شهادت می رسند.

سرانجام بدنبال توسعه و تقویت شیعه و ناکام ماندن تلاش های هارون الرشید برای شناسایی سازمان شیعه، ناچار امام کاظم علیه السلام (امام شیعه) به دستور وی در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری قمری در زندان به شهادت رسیدند.

دوران امام رضا علیه السلام

با انتقال امامت به امام رضا علیه السلام پس از مرگ هارون و به سفارش وی خلافت به "مأمون" رسید و او با کشتن برادر خود امین، جانشین پدر شد تا با اقدامات خود نسبت به شناسایی و نابودی سازمان شیعه تلاش نماید.

اما در این زمان، حضور امام رضا علیه السلام در مدینه و ارتباط مستقیم وی با اصحاب خود، زمی_نه را برای تربیت و تقویت شیعه فراهم کرده بود و دور بودن مرکز خلافت بنی عباس (در طوس) نیز به این امر کمک زیادی می کرد.

لذا مأمون برای شناسایی و نابودی سازمان شیعه و امام آن، تصمیم گرفت تا با انتقال امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس و با ادعای واگذاری ظاهری خلافت به امام علیه السلام، بتواند اهداف زیر را دنبال کند. [\(۱\)](#)

ص: ۱۲۰

۱- بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) پیرامون شخصیت امام رضا علیه السلام .

۱. کنترل امام رضا علیه السلام و قطع ارتباط آن حضرت با شیعیان

۲. جلوگیری از توسعه و ترویج شیعه

۳. واگذاری ظاهری خلافت بمنظور شناسایی خواص شیعه (سازمان شیعه) در عزل و نصب ها

اما وی قادر به درک این مطلب نبود که طرف مقابل او شخصیتی چون امام رضا علیه السلام می باشد از این رو آن حضرت با تدبیر زیبای خودشان پس از پذیرش دعوت مامون و عزیمت به طوس برای خنثی کردن توطئه مامون، نه تنها موفق شدند وی را در رسیدن به اهداف خود ناکام نمایند، بلکه زمینه های توسعه شیعه را فراهم کرده و سرانجام ایران را به پایگاهی برای شیعه مبدل ساختند.

آن حضرت بعد از استقرار در طوس علیرغم تهدید مامون ابتدا از پذیرش خلافت خودداری و با اجبار در قبول ولایتعهدی، آنرا مشروط به "عدم دخالت در عزل و نصب" نمودند تا زمینه شناسایی خواص اصحاب ایشان و سازمان شیعه فراهم نگردد و از طرف دیگر این در حالی بود که با پذیرش ولایتعهدی آن حضرت در واقع زمینه را برای مهاجرت گسترده شیعیان و فرزندان ائمه معصومین علیهم السلام از مکه، مدینه، کوفه، کربلا، نجف و... به سمت طوس و ایران را فراهم نمودند تا بدین وسیله با مهاجرت و حرکت این موج گسترده، شیعه به سرعت در اقصی نقاط ایران و سایر

ص: ۱۲۱

بلاد اسلامی آن روز پراکنده و به توسعه و ترویج خود پردازند، و بدلیل نسبت آنان با ولیعهد خلیفه عباسی، حکام و عمال مامون نیز جرئت برخورد با ایشان را نداشته باشند، تا جایی که با گذشت کمتر از دو سال با انتشار و تقویت سریع سازمان شیعه و علاقه مندان به آن حضرت، مامون که همه ی توطئه های خود را نقش بر آب می دید و خود را شاهد گسترش روز افزون شیعه و یاران امام در جای جای دولت عباسی بویژه ایران می دید، به ناچار تصمیم به حذف امام و شهادت ایشان توسط خود گرفته و آن حضرت را در ۲۹ ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری با انگور زهر آلود مسموم و به شهادت رساند. وی بلافاصله پس از شهادت آن حضرت بدلیل وحشتی که از قیام های احتمالی علیه حکومت خود در ایران داشت اقدام به انتقال پایتخت خود از طوس به بغداد نمود(۱).

بدین ترتیب اقدامات امام رضا علیه السلام و تدبیر زیبای ایشان نتایج زیر را برای شیعه بدنبال داشت:

۱. توسعه و ترویج شیعه در اقصی نقاط حکومت عباسی بویژه ایران(۲)

ص: ۱۲۲

- ۱- ذکر این نکته لازم است که این انتقال نیز با تدبیر امام علیه السلام در دوران ولایتعهدی و پس از مشورت مأمون با آن حضرت بدلیل حضور گسترده شیعیان و احتمال شورش آنها علیه حکومت عباسی ها در ایران صورت گرفت.
- ۲- بعد از شهادت امام رضا علیه السلام مامون که به شدت از توسعه سازمان شیعه بیمناک بود. دستور قتل عام برادران و فرزندان ائمه و یاران ایشان علیه السلام را صادر کرد ولی این دستور موجب گردید تا ایشان مجبور به فرار به مناطق مختلف وامن از جمله اقصی نقاط صعب العبور و شهر های مختلف ایران، طبرستان، افغانستان، پاکستان، مصر، سوریه، عراق و... شوند و ضمن حفظ جان خود به توسعه و ترویج فرهنگ شیعه پردازند. از جمله ایشان برادران آن حضرت در شیراز احمد بن موسی علیه السلام ، سید میر محمد علیه السلام ، سید علاءالدین حسین علیه السلام را می توان نام برد.

۲. ناامیدی دشمن (خلفای عباسی) از دستیابی به سازمان شیعه و شناسائی خواص اصحاب ائمه علیه السلام (بدلیل گستردگی زیاد ایشان)

۳. تغییر رویکرد خلفاء در شناسائی و نابودی سازمان شیعه (اصحاب و خواص یاران ائمه علیهم السلام به سمت کنترل مستقیم ائمه علیهم السلام)

۴. تبدیل ایران به پایگاهی برای شیعه^(۱)

دوران امام جواد علیه السلام

پس از شهادت امام رضا علیه السلام و آغاز امامت جواد الائمه علیه السلام دشمن که تا کنون موفق به ترور و حذف هشت نفر از جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (از دوازده جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) شده است، با ناامیدی از دستیابی به سازمان شیعه، درصدد کنترل و شناسایی و در نتیجه

ص: ۱۲۳

۱- انتقال پایتخت دولت عباسی از طوس به بغداد با تدبیر آن حضرت و وجود قبر شریف امام رضا علیه السلام در ایران نقش موثری در این مسئله داشته است.

ترور مابقی ائمه علیهم السلام برآمدند، لذا مأمون بلافاصله بعد از استقرار حکومت خود در بغداد بمنظور کنترل امام جواد علیه السلام و جلوگیری از نهضت های احتمالی شیعیان، اقدام به انتقال ایشان به بغداد نمود و پس مدتی نیز دختر خود "فضل" را به عقد ازدواج آن حضرت در آورد تا بتواند در زمان لازم توسط وی، اقدام به ترور آن حضرت بنماید.

اما امام جواد علیه السلام نیز علیرغم کمی سن^(۱) در هجرت خود از مدینه به بغداد و قبولی ازدواج با دختر مأمون اهداف زیر را دنبال می نمودند که موفق هم شدند.

۱. کنترل احساسات شیعه و ممانعت از به راه افتادن نهضت های شیعی که نتیجه ای جز شناسایی و تضعیف سازمان شیعه و شهادت خواص اهل حق و اصحاب ائمه علیه السلام را در بر نداشت، چنانچه این امر در زمان امام سجاد علیه السلام و بعد از واقعه عاشورا و دنبال قیام مختار در خونخواهی از خون سید الشهداء علیه السلام اتفاق افتاد. ^(۲)

ص: ۱۲۴

-
- ۱- امام جواد علیه السلام هنگام رسیدن به امامت ۷ سال و به روایتی ۹ سال بیشتر نداشتند.
 - ۲- قیام مختار علیه بنی امیه به بهانه انتقام خون شهدای کربلا و سید الشهداء علیه السلام باعث گردید تا عده ای از شیعیان فریب خورده و با لو رفتن سازمان شیعه و شناسایی عده ای از اصحاب خاص امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بلافاصله بعد از استقرار حکومت عباسی و نابودی بنی امیه، ایشان نیز دستگیر، زندانی و به شهادت برسند. امام سجاد علیه السلام در این خصوص می فرماید: *أَمَرْنَا مَكْتُومَ حَتَّى ظَهَرَ الْمُخْتَارُ فَجَعَلَهُ فِي يَدِ صَبِيَّانَ*. "امرما، مخفی بود تا زمانی که مختار قیام کرد و آنرا در دست کودکان قرار داد". (آنها افشاء و باعث شهادت ایشان گردید).

۲. نفوذ در دستگاه خلافت و استفاده از این فرصت جهت تقویت و ترویج و حفظ شیعه و توسعه فرهنگ تشیع و امامت بویژه در مناظرات علمی.

لذا استمرار این وضع سرانجام به دنبال شناسایی امام هادی علیه السلام (امام بعد شیعه)، جواد ائمه در سن ۲۵ سالگی در آخر ذیقعده سال ۲۲۰ هجری قمری به دستور معتصم عباسی به شهادت رسیدند.

دوران امام هادی و امام عسکری علیه السلام

با آغاز امامت امام هادی علیه السلام و بدنبال ایشان امام عسکری علیه السلام این دو امام همام در محاصره (۱) و تحت مراقبت شدید قرار گرفتند تا در نهایت با شناسایی آخرین امام شیعه (آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده آمدن او را از قبل و در موارد بیشماری از جمله در خطبه غدیر عنوان فرموده است) نسبت به ترور آن بزرگواران اقدام و دشمن (سازمان یهود) بتواند برای همیشه تاریخ خیال خود را از بزرگترین مانع، بر سر راه حکومت جهانی خویش آسوده نماید. اما با گذشت چند سال و با مراقبت های شدید

ص: ۱۲۵

۱- به همین دلیل این دو امام بزرگوار به عسکرین "یعنی در محاصره سپاه و لشکر قرار گرفته" معروف می باشند. لذا امام عسکری علیه السلام تنها امامی هستند که به حج مشرف نشده اند و به هیچ وجه به ایشان اجازه خروج از منزل خود را نمی دادند.

و با وجود کنترل شدید آن حضرت بویژه توسط جعفر کذاب (۱) و در خانه امام حسن عسکری علیه السلام پس از کسب اطمینان از اینکه آن امام دیگر فرزندی نخواهند داشت و امام بعد هرگز متولد نخواهد شد اقدام به شهادت ایشان نمودند (۲). غافل از اینکه با عنایات الهی و رعایت شدید استتار از طرف آن حضرت در زمان شهادت ایشان، آخرین ذخیره الهی و وجود شریف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد و اکنون ۵ ساله می باشند.

دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (از تولد تا غیبت)

اشاره

بدنبال شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و انتقال امامت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که با غیبت ایشان، بدلیل مراقبت شدید دشمن و احتمال زیاد ترور و شهادت آن حضرت بویژه با توجه به عدم آمادگی شیعیان در حفظ و مراقبت از آخرین حجت الهی توأم بود، امر ظهور آن حضرت در هاله ای از ابهام فرو رفت و چاره ای جز غیبت و پنهان ماندن از دیده ها برای حفظ وجود شریف ایشان باقی نماند، تا بتوانند در عین غائب بودن با هدایت و رهبری خویش و حضور در بین مردم و در جامعه، با استمرار زحمات اجداد پاک و مطهر

ص: ۱۲۶

۱- وی برادر امام ولی از عمال حکومت بنی عباس بود.

۲- امام هادی علیه السلام در ۲۷ جمادی الآخر سال ۲۵۴ هـ. ق به دست معتز خلیفه ی عباسی و امام عسکری علیه السلام در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری و بدستور معتمد عباسی با زهر مسموم و به شهادت رسیدند.

خودشان در زمینه سازی شرایط ظهور و تحقق حاکمیت جهانی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم ، نسبت به تربیت، تقویت و حفظ شیعیان و یاوران شجاع و توانمندی که بتوانند در هنگامه ظهور، انتظارات آن حضرت را برآورده و ایشان را یاری کنند، تلاش نمایند.

بنابراین بررسی دوران تولد ایشان و چگونگی آن به روشنی می تواند پرده از راز غیبت آن حضرت بر دارد و به سؤالات متعددی که در این زمینه وجود دارد پاسخ دهد که:

آیا براستی غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از چه زمانی آغاز گردید؟، آیا واقعا از پنج سالگی و با شروع امامت ایشان در سال ۲۶۰ هـ. ق آغاز شده است؟ اگر پاسخ مثبت باشد پس راز تولد ایشان آنهم با آن شدت اختفاء و رعایت شدید استتار توسط پدر بزرگوارشان، چگونه ای که حکیمه خاتون که محرم اسرار و نزدیک ترین فرد به امام عسکری علیه السلام و حتی به گواه تاریخ رابط آن حضرت با شیعیان می باشند، چرا از امر تولد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بی اطلاع بوده اند؟ آشکار نشدن وضعیت بارداری در نرجس خاتون مادر حضرت چگونه توجیه پذیر می باشد؟ و....

بنابراین در واقع باید گفت: "امر غیبت برای وجود شریف و نازنین مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف و آخرین ذخیره الهی حجت ابن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از قبل از تولد ایشان مقدر گردیده است"، چگونه ای که بعد از تولد نیز غایب از نظر ها بودند و امام حسن عسکری علیه السلام نیز

به همین دلیل تنها در چند مورد بسیار محدود با معرفی آن حضرت به شیعیان و اصحاب خاص خودشان این مسئله را به ایشان متذکر و یادآور می شوند که آخرین ذخیره الهی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام بعد از ایشان متولد شده است، تا مبادا شبهه عدم تولد در مورد آن حضرت پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام پیش بیاید و ایشان را تکذیب کنند.

حال چرا؟

طبیعی است که حضور آن حضرت در جامعه بدلیل مراقبت شدید دشمنان اهل بیت علیهم السلام و بیداری و آمادگی آنان (تلاش یهود در طول مدت دو قرن گذشته در شناسایی و ترور ائمه علیهم السلام و مقابله با جریان امامت جهت جلوگیری از تحقق حاکمیت اسلام) حاصلی جز شهادت برای ایشان را بدنبال نداشت و در آن ایام شیعیان آن حضرت نیز از انسجام و آمادگی لازم برای دفاع از آنان برخوردار نبودند و شرایط برای پذیرش امامت آن حضرت و تمکین دستورات ایشان در جامعه نیز وجود نداشت با این احوال آیا چاره ای جز غیبت و پنهان ماندن از دیده ها برای آخرین ذخیره الهی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی مانده بود؟^(۱)

لذا تا زمانی که امر تربیت و تقویت شیعه و مهدی یاوران به سرانجام و

ص: ۱۲۸

۱- روایات در این باب و ذکر این نکته که از جمله علل غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ جان ایشان بوده است، متعدد می باشد که در ابتدای این بحث به روایت منقول از امام صادق اشاره نمودیم.

مطلوب خود و مورد نظر آن حضرت نرسد و آنان پس از کسب آمادگی لازم، نتوانند زمینه های حفظ و یاری و فراهم نمودن شرایط لازم جهت تحقق زمینه های پذیرش حاکمیت جهانی و در نتیجه ظهور آن حضرت را با سلب آمادگی از دشمن (یهود) و ایجاد فضای امن ظهور را فراهم نمایند. چاره ای جز تحمل هجران و دوری آن عزیز پنهان از نظر ها را نخواهیم داشت بنا بر این از سال ۲۶۵ هجری قمری با آغاز امامت ایشان دوران غیبت آن حضرت نیز آغاز گردید. که در ادامه به بررسی آن ایام خواهیم پرداخت.

دوران غیبت (غیبت صغری)

با آغاز اولین لحظات شروع غیبت آن حضرت، همراه با آن امید برای ظهور نیز متجلی شده و تلاش برای تحقق آن آغاز گردید.

ولیکن چنانچه بیان شد برای تحقق امر ظهور و وقوع آن دو مسئله ضروری می باشد:

۱. آمادگی شیعه و تلاش برای آماده سازی جهان بشریت و فراهم نمودن زمینه ها و شرایط لازم ظهور

۲. سلب آمادگی از دشمن و ایجاد فضای امن ظهور

آری گام اول در این مهم “آمادگی شیعه” است که ائمه علیه السلام همگی در این راه و در تمامی دوران امامت خویش فداکاری نموده و سرانجام نیز با شهادت جان خود را در این مسیر فدا نمودند.

به همین جهت با آغاز غیبت صغری این امر با نظارت و عنایت مستقیم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و با یک واسطه توسط نواب اربعه (۱) مجدداً آغاز گردیده و استمرار یافت و در واقع ارتباط حضرت با شیعیان خود و امر هدایت ایشان کماکان همانند دوران ظهور منتهی با یک واسطه (نواب اربعه) بمدت ۶۹ سال ادامه یافت، اما این امر بدلیل مخاطرات فراوانی که برای نایبان آن حضرت و نیز احتمال شناسائی و خطرات ناشی از آن برای وجود شریف امام علیه السلام وجود داشت، استمرار نیافت و بناچار دوران غیبت کبری آغاز شد، تا زمانی که یاور آن حضرت تربیت شد و با آمادگی خود بتوانند با آغاز حرکتی نو، مقدمات ظهور حضرتش را فراهم نمایند. انشاءالله (به امید آن روز)

غیبت کبری تا انقلاب اسلامی

با آغاز غیبت کبری و انتصاب (۲) "ولی فقیه" به امامت مسلمین از طرف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، فقهای عظیم الشأن اسلام از مرحوم "شیخ کلینی" و پس از ایشان "سید مرتضی، شیخ طوسی، ابن ادریس حلی، علامه حلی، شمس الدین محمد عاملی (شهید اول)، شهید ثانی، محقق کرکی،

ص: ۱۳۰

-
- ۱- نواب اربعه آن حضرت به ترتیب عبارت بودند از: ۱) محمد بن عثمان ۲) عثمان بن سعید ۳) حسین بن نوح نوبختی ۴. علی بن محمد سمري.
 - ۲- انتصاب ولی فقیه در دوران غیبت کبری توسط آن حضرت و با عنایت ایشان صورت می گیرد نه آنکه انتخابی از طرف ولی فقیه قبلی و یا فقهای دیگر صورت گرفته باشد. لذا می توان از آن به عنوان "انتصاب بالعنايه" نام برد.

شیخ حر عاملی، مقدس اردبیلی، علامه ملاهادی مجلسی (مجلسی اول)، میر داماد، علامه باقر مجلسی (مجلسی ثانی)، ملاهادی نراقی، شیخ مرتضی انصاری، سید محمد مجاهد طباطبایی، ملاعلی کنی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، آیت الله وحید بهبهانی، میرزای شیرازی (محمد تقی شیرازی)، آخوند خراسانی (صاحب الکفایه)، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی، در کنار صدها و هزاران عالم بزرگوار و مجتهدین عظیم الشأن دیگر، یکی پس از دیگری با تلاش و زحمت فراوان خود برای تربیت و تقویت سازمان شیعه اقدام و در رشد و بلوغ و آمادگی آنان کوشیدند تا بتوانند ضمن تربیت و تقویت شیعه، ایشان را به اوج آمادگی خود برسانند، تا آنکه سرانجام سکانتداری هدایت شیعه به دست توانای "حضرت امام خمینی قدس سره الشریف" رسیده و ایشان با توجه به رشد و بلوغ مطلوب و آمادگی نسبی شیعه و فراهم شدن زمینه های حرکت دوباره ایشان، بلافاصله برای عملیاتی کردن سازمان شیعه، پس از شروع مرجعیت خویش، در سه راستا تلاش گسترده ای را برای سازماندهی و انسجام و دست یابی به حاکمیت دوباره اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در ایران آغاز نمودند.

اقدامات حضرت امام در سال ۱۳۴۲

اشاره

۱. صدور دستور خروج شیعه از تقیه با فتوای تاریخی "الیوم تقیه حرام ولو بلغ ما بلغ"؛ توسط حضرت امام قدس سره

ص: ۱۳۱

۲. حمله به اسرائیل (یهود) به عنوان کانون فتنه و فساد و تعیین نقطه هدف؛

۳. سازماندهی شیعه و تلاش بمنظور تشکیل حکومت اسلامی در ایران؛

که به اختصار به توضیح پیرامون هر کدام می پردازیم:

۱. صدور دستور خروج شیعه از تقيه

با صدور دستورخروج شیعه از تقيه توسط حضرت امام قدس سره الشریف با فتوای تاریخی خودشان در سال ۱۳۴۲ مبنی بر اینکه “الْيَوْمَ تَقِيَّةٌ حَرَامٌ وَ لَوْ بَلَغَ مَا بَلَغَ”، شیعه دیگر عذری برای تقيه نداشت و باید حرکت خود به سوی تحقق حاکمیت اسلام و زمینه سازی شرایط و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را شتاب بخشد و هیچ حادثه و اتفاقی هم نباید و نمی تواند مانع این حرکت باشد.^(۱) حتی اگر این حادثه دستگیری و تبعید خود حضرت امام قدس سره الشریف به ترکیه و عراق و کنترل شدید ایشان توسط (عمال و دست نشاندگان یهود) دولت عراق را هم در بر داشته باشد.

ص: ۱۳۲

۱- کشتار شیعیان و مردم ورامین، به خاک و خون کشیده شدن روحانیون و طلاب علوم دینی و تجاوز به حریم کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام با حمله عمال شاه به مدرسه فیضیه و واقع شدن حادثه تلخ ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دستگیری های گسترده و شکنجه های دردناک ساواک و... هزاران حادثه تلخ دیگر این دوران گواه این مطلب است.

۲. حمله به اسرائیل (یهود) به عنوان کانون فتنه و فساد و تعیین نقطه هدف

۲. حمله به اسرائیل (یهود) به عنوان کانون فتنه و فساد و تعیین نقطه هدف (۱)

در این خصوص حضرت امام قدس سره الشریف با تأسی از پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم “که بلافاصله پس از استقرار در مدینه و تشکیل حکومت اسلامی به سراغ یهود رفته و در تمام طول دوران هجرت با جدیت و تلاش فراوان سعی در حذف این جرثومه فساد در جزیره العرب و تا موته را داشتند”، و همچنین با پیروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام “که به محض تشکیل حکومت در مدینه با عزل معاویه، کانون فتنه را نشانه گرفته و در کمتر از یک سال و نیم خود را به صفین می رسانند تا کانون فساد و جداره ی مستحکم یهود را نابود کنند”، بلافاصله ایشان نیز به سراغ یهود رفته و با تعیین نقطه ی هدف و جهت حرکت خویش، محور استراتژی خود را بر این اساس بنا نهادند.

زیرا همان گونه که در ابتدای بحث نیز به آن اشاره کرده بودیم، همچنان که آمادگی شیعه از شرایط ظهور محسوب می گردد، سلب آمادگی از دشمن نیز محور دوم تحقق این مهم به شمار می رود.

لذا تمام موضع گیری امام بیانگر همین امر است که:

تا دشمن و کانون فتنه ی آن (یهود و در حال حاضر دولت غاصب

ص: ۱۳۳

۱- بیانات فراوان حضرت امام قدس سره الشریف در مخالفت با اسرائیل در طی سالهای قبل از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ و بعد از آن تا زمان رحلت آن حضرت بویژه فتاوی ایشان در رساله عملیه خود مبنی بر حرمت هرگونه روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... گواه روشنی بر این مطلب است.

اسرائیل) پا بر جا می باشد و به حیات خود ادامه می دهد، به طور قطع و یقین گرچه شرط لازم ظهور (آمادگی شیعه) با تشکیل حکومت اسلامی در ایران تا حدودی به وقوع پیوسته باشد، ولی شرط کافی (سلب آمادگی و نابودی کانون فتنه) تا محقق نگردد، امر ظهور و پایان غروب انتظار نیز فرا نخواهد رسید.

از این رو حضرت امام قدس سره الشریف از همان ابتدای شروع نهضت اسلامی ایران به رهبری ایشان در سال ۱۳۴۲ و قبل از آن همواره مخالفت صریح خود را با اسرائیل و تا نابودی کامل رژیم اشغالگر قدس را، به صورت کاملاً شفاف و علنی ابراز داشته و حتی با صدور فتوای فقهی در رساله عملیه خودشان مبنی بر حرمت هرگونه روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... با این رژیم گرفته، تا بیانات شدید اللحن ایشان در سخنرانی ها و اعلامیه ها، چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن در زمان حیات پربرکت خویش، همواره آن را به صورت یک فرهنگ و استراتژی روشن و هدفمند در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به ملت شریف ایران و جهان بشریت ارائه نموده اند،^(۱) تا هرگز

ص: ۱۳۴

۱- ابتکار امام قدس سره الشریف در اعلام جمعه ی آخر ماه رمضان به عنوان روز قدس در جهان اسلام گویای این هدف بلند ایشان است. و در بیان دیگری می فرمایند: “تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم.”

در فراز و نشیب های انقلاب این هدف گم نگردد و تمامی مسلمانان جهان به ویژه شیعیان با شناخت صحیح و کامل از فتنه های خطرناکترین دشمن اسلام و بشریت (اَشَدُّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا) غفلت ننمایند و بدانند تا این جرثومه فساد و تباهی و کانون فتنه از بیخ و بن برکنده نشود، مسلمین هرگز روی خوش نخواهند دید و.....

بهمین جهت است که تا این مرحله از انقلاب، سازمان شیعه توانسته است با تنگ کردن حلقه های محاصره ی خود (توسط حزب الله در خط مقدم و در ایران اسلامی به عنوان عقبه ی قدرتمند آن) و تلاش برای نابودی کانون فتنه، فضای امن ظهور را برای تجلی خورشید درخشان ولایت و امامت و ظهور منجی عالم بشریت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف راتاحدود زیادی فراهم نمایند (ان شاء الله)

۳. سازمان دهی شیعه و تلاش به منظور تشکیل حکومت اسلامی در ایران

گام سوم حضرت امام قدس سره الشریف بعد از لغو دستور تقیه برای شیعه و تعیین نقطه هدف، سازمان دهی و انسجام ایشان می باشد، تا با شکل گیری مجدد سازمان قدرتمندی از شیعیان و اصحاب خاص خویش، بتوانند مسیر رسیدن به قدرت و سپس کنترل و هدایت آن را به خوبی دنبال نمایند، از این رو ایشان در ابتدا از فرصت به دست آمده در دوران تبعید در عراق استفاده کرده و با

بهره گیری از فضای ملکوتی بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام و حوزه ی علمیه ی نجف اشرف، اقدام به تدریس “مبحث ولایت فقیه” و تبیین نظری مبانی حکومت اسلامی نمودند و با تربیت شاگردان گرانقدری چون: “مقام معظم رهبری، آیت الله جوادی آملی، علامه مطهری و شهید آیت الله بهشتی، آیت الله هاشمی رفسنجانی، شهدای محراب و...” پشوانه ی مستحکمی را برای انقلاب اسلامی ایجاد نمودند و سپس با عملیاتی کردن ایشان در داخل و خارج از ایران به تربیت و هدایت مردم پرداختند.

و سرانجام نیز حاصل این تلاش ها و زحمات فراوان، پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸ و حاکمیت مجدد شیعه پس از گذشت قریب به چهارده قرن از حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود، تا دو باره چشمها به انقلاب اسلامی دوخته شود و انفجار این نور(۱)، پرده از سیاهی ظلمت استکبار و فتنه ی یهود بردارد و امید به بازگشت دوباره ی حاکمیت عدل و عدالت و آزادی و کمال خواهی و خداجوئی در پرتو ظهور منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف در دل ها روشن گردد، چنان که امام عظیم الشأن انقلاب اسلامی در همان ابتدای انقلاب و در سال ۱۳۶۱ فرمودند:

ص: ۱۳۶

۱- امام خمینی قدس سره الشریف : انقلاب ما انفجار نور بود.

پیروزی ما رقم خورده و ما پرچم را به دست صاحب اصلی آن (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهیم رساند (۱).
انشاء الله

اقدامات یهود

اما این پیروزی تنها آغاز راه بود، زیرا بلافاصله یهود نیز نیروها و استحکامات خود را (اسرائیل و صهیونیسم بین الملل) علیه انقلاب اسلامی عملیاتی نمود و اقدامات سه گانه ی خویش را علیه امام و سازمان شیعه آغاز کرد.

از این رو در قدم اول با شروع انقلاب ما شاهد ترورهای گسترده یهود و عوامل دست نشانده آنان (منافقان) می باشیم، آنها ابتدا به سراغ اصحاب خاص امام قدس سره الشریف (ارکان نظام و سازمان شیعه) همچون شهیدان "مدنی، دستغیب، اشرفی اصفهانی، صدوقی، بهشتی، رجائی، باهنر و..." آمد، ولی بعد از آن که با فریاد رسای امام که می فرمودند: "بکشید ملت ما را، ملت ما بیدارتر می شود" مواجه شدند، با ناامیدی از این اقدام، قدم دوم را با عملیاتی کردن یکی دیگر از استحکامات وابسته به خویش یعنی رژیم

ص: ۱۳۷

۱- حضرت امام قدس سره الشریف در این باره عبارات متعددی را بیان فرموده اند از جمله اینکه فرمودند: انقلاب ما سه مرحله دارد، مرحله اول آنکه کشور خودمان ایران را اسلامی بسازیم. مرحله دوم اسلام را به کشورهای عربی معرفی نماییم و مرحله سوم جهان را با اسلام آشنا سازیم. آنگاه که این سه مرحله را به انجام رساندیم میتوانیم خطاب کنیم به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که آقا زمینه ها فراهم شده است اکنون وقت آن است که تشریف بیاورید. (نقل به مضمون از آقای عسکر اولادی)

بعث عراق، جنگی ۸ ساله را علیه انقلاب اسلامی تدارک دیدند(۱) تا شاید با به شهادت رساندن نیروهای جوان امام و سرداران رشید سپاه اسلام، رشد فزاینده ی انقلاب اسلامی را متوقف سازند و با استفاده از فرصت به دست آمده، گام های خود را در راستای توسعه ی سلطه ی خویش بر نیل تا فرات و سپس کل عالم و تحقق حاکمیت جهانی یهود، برداشته باشند.

اما از آن جایی که دوران کفر رو به افول، و طلعه های ظهور نور حق در حال تجلی است، و از این باب که هرگاه اراده خداوندی بر نابودی کفر تعلق بگیرد،

“يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْبَصَارِ(۲)؛

خداوند خانه های آنان را بدست خودشان و سپس بدست مومنین خراب خواهد کرد. عبرت گیرید ای صاحبان بصیرت”.

هرگونه اقدامی علیه انقلاب اسلامی، با نصرت الهی و عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نتیجه ی عکس می دهد و روز به روز بر قدرت و اقتدار اسلام و جمهوری اسلامی افزوده می شود و در مقابل، حلقه محاصره ی یهود (اسرائیل و صهیونیسم بین الملل) و به تعبیر مقام معظم رهبری اجماع جهانی علیه امریکا و

ص: ۱۳۸

۱- کما این که در صدر اسلام نیز زمانی که یهود از اقدام به ترور نتیجه نمی گرفت فوراً با راه اندازی جنگ، سعی در رسیدن به اهداف شوم خود داشت.

۲- حشر: ۲.

متحدین ایشان (صهیونیسم) در حال شکل گیری است و شمارش معکوس در سلب آمادگی و نابودی دشمن و در واقع ایجاد فضای امن ظهور منجی عالم بشریت عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز گشته است و تنها شکر نعمت در حفظ انقلاب و استمرار آمادگی امت بزرگوار ایران اسلامی است که می تواند ما را به ظهور قریب الوقوع آن حضرت و زیارت جمال مبارک حضرتش هر لحظه امیدوارتر نماید و تا با قدوم مبارکش، جهان بشریت را به سعادت ابدی خود رهنمون سازد... انشاء الله

نتیجه گیری

بحث در این زمینه و تبیین شرایط حساس فعلی و آشکار شدن نشانه های حتمی ظهور، فراوان است. اما از آنجائی که پرداختن به این مهم مستلزم شناخت صحیح دشمن و عمق خواسته ی آنان (صهیونیسم مسیحی با محوریت اسرائیل) می باشد و ما تاکنون تنها به تشریح مسیر حرکت شیعه و تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام و تلاش ایشان و سپس فقهای عظیم الشأن اسلام در تربیت شیعه و زمینه سازی مقدمات حاکمیت جهانی اسلام و چگونگی به ثمر رسیدن این زحمات با پیروزی انقلاب اسلامی و اثرات مبارک آن، پرداخته ایم و در تمام مباحث به گونه ای به طرح مسائل پرداخته ایم که نقش یهود و فتنه های آن را مرتب گوشزد کرده باشیم. ولی تاکنون توضیحی نسبت به تلاش های یهود و مسیر حرکت ایشان و چگونگی شکل گیری

صهیونیسم جهانی و دنباله های آن یعنی “صهیونیسم مسیحی” را ارائه نداده ایم، به گونه ای که گویا از جانب یهود به دلیل پراکندگی و کمی جمعیت ایشان و قدرتمند بودن دولت های مسیحی و مهم تر از آن توان بالای دولت های اسلامی با بیش از ۵/۱ میلیارد جمعیت به ویژه وجود ایران اسلامی به عنوان کانون امید و مظهر مبارزه با استکبار و مظاهر کفر و ظلم و فساد در عالم خطری از جانب یهود متوجه اسلام و مسلمین و جهانیان نمی باشد و شاید تکیه بر این معنی حتی تداعی کننده ی این معنا باشد که به این وسیله ما با دست خودمان، قدرت کاذبی را برای یهود درست می نمائیم و به بزرگ نمائی آنان می پردازیم و این امر اشتباهی است!! و...

به همین جهت لازم است برای ارائه پاسخی روشن به این سوال و شبهه، مجدداً به عقب برگشته و به تبیین مسیر حرکت یهود، “پس از فتح قدس توسط مسلمانان و متلاشی شدن اقتدار یهود و پراکنده شدن آنان در سراسر جهان” پردازیم تا بتوانیم جایگاه و نتیجه ی تلاش و حرکت آنان را در قرن حاضر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به روشنی درک کنیم و با درک صحیح از عمق خواسته ی سازمان یهود (صهیونیسم) و اهداف و برنامه های ایشان، صحیح بیندیشیم و همگام با واقعیت ها گام برداریم، صحیح موضع گیری نمائیم و در تعیین مسیر حرکت

خود و تبیین اهداف، اولویت ها، مواضع آفندی و پدافندی صحیح و... دقت نمائیم و به اشتباه و بی راهه نرویم و از همه مهم تر موضع گیریهای حضرت امام قدس سره الشریف و رهبر معظم انقلاب در قبال فلسطین و اهمیت حمایت از ملت مظلوم فلسطین و لبنان بویژه حزب الله را به خوبی درک نمائیم و سپس با قامتی استوار و توام با بینش و آگاهی گامهای خود را در مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی (صهیونیسم یهودی و مسیحی) بیش از پیش استوارتر سازیم و خود را در آستانه ظهور احساس نمائیم تا وظایف خطیر خود را فراموش ننمائیم و... (إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً. (۱))

و ما در فصل بعد به این مهم خواهیم پرداخت. ان شاء الله

ص: ۱۴۱

۱- فراز آخر دعای عهد.

فصل پنجم: یهود از فروپاشی در قدس (۶۳۸ میلادی) تا تشکیل دولت اسرائیل (۱۹۴۸ میلادی)

اشاره

ص: ۱۴۳

همان گونه که در حوادث دوران رسالت، به ویژه سال های پایانی هجرت به آن اشاره کردیم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که تا سال پایانی عمر مبارک خویش، خود را تا موته که در آن زمان از جمله آخرین استحكامات یهود محسوب می شد رسانده بودند، به دلیل آغاز بیماری و شهادت آن حضرت موفق به فتح قدس نگردیدند.

ولیکن در زمان خلافت خلیفه ی اول، عمروعاص با سپاهی به موته اعزام تا آنرا به تصرفات اسلام ملحق نماید ولیکن توفیقی در این زمینه بدست نیاورد تا آنکه با اعزام مجدد او در زمان خلیفه ی دوم، وی با پیروزی بر دولت روم، موفق به فتح قدس و ملحق کردن آن به دولت اسلامی شد.

با فتح قدس توسط مسلمانان، یهود به ناچار از آن منطقه کوچ کرده و در اقصی نقاط دنیا منتشر شدند و به عبارت دیگر به حالت “تقیّه” درآمدند.

پس از آن سازمان یهود با هدایت علماء خویش (سیستم تنهاها^(۱)) با اصرار بر ادعاها و خواسته های نژادی خود، علی رغم این پراکندگی، با حفظ ارتباط با یکدیگر^(۲) به سمت برنامه ریزی جهت بازسازی دوباره خود رو آورده و تلاش جدیدی را آغاز کردند تا خواسته ی جهانی شدن قوم یهود را با ترسیم استراتژی های جدید خویش دنبال نمایند.

اما به هر حال سازمان یهود مجبور به پذیرش این واقعیت شده بود که:

اسلام از یک طرف توانسته است تلاش ۲۰۰۰ ساله ی یهود را در رسیدن به خواسته های خویش (حاکمیت جهانی نژاد یهود) متوقف و متلاشی نماید، و از طرف دیگر با علم به الهی بودن نبوت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حقانیت آیات قرآن کریم در وجود وعده های صریح خداوند مبنی بر تحقق حاکمیت جهانی اسلام در آیات متعددی از قرآن از جمله آیات:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ...»^(۳)

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^(۴)

ص: ۱۴۵

-
- ۱- سیستم تنهاها قوه ی عاقله و تصمیم ساز یهود (سیستم علماءی) و از سازمان های فوق سری ایشان به شمار می رود.
 - ۲- در حال حاضر آژانس جهانی یهود وظیفه ی حفظ این ارتباط و انسجام آن را به عهده دارد.
 - ۳- سوره نور: ۵۵: ترجمه: خداوند وعده داده است به کسانی که ایمان آورده اند حتماً جانشین می کند شما را در زمین...
 - ۴- قصص: ۵؛ «و اراده کردیم که منت نهیم بر کسانی که به استضعاف کشیده شدند در زمین و قرار دهیم آنها را پیشوایان و قرار دهیم آن ها را وارثان زمین».

و هزاران حدیث و روایت در این زمینه را در تضاد و تقابل با اهداف نژادی خود می دید. و در نهایت نیز شاهد بود که به دنبال جاری شدن جریان امامت در پیکره ی جامعه ی اسلامی به ویژه تشیع و امید به ظهور منجی عالم بشریت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای تحقق حاکمیت جهانی اسلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به کرات بویژه در خطبه غدیر خم وعده ظهور ایشان را در آخرالزمان بیان فرموده بودند، روحی دوباره را در کالبد جامعه ی اسلامی و تشیع، دمیده است... و در صورت تحقق ظهور آن موعود، یهود هرگز نمی توانست به اهداف شوم خود دست یابد.

از این رو تنها راه رسیدن به اهداف و امیال و آرزوهای نژادپرستانه ی خویش را در حذف و ترور اهل بیت علیه السلام به عنوان پرچمداران این حرکت در تحقق عملی وعده های الهی (إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ^(۱)) به دست آخرین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف)، می دید.

بنابراین همان گونه که اشاره کردیم در این دوران، سازمان یهود گام اول خود را در “شناسائی و ترور” و به عبارت دیگر حذف فیزیکی حضرات معصومین علیه السلام و

ص: ۱۴۶

۱- ال عمران: ۹؛ “بدانید که خداتخلف نمی کند وعده خود را”.

پیروان صادق ایشان (شیعه) تعیین و تمام تلاش خود را جهت عملیاتی نمودن آن به کار بردند. و در این میان عمال دست نشانده ایشان (خلفای بنی امیه و بنی عباس) بهترین گزینه محسوب می شدند که با هدایت دست های پنهان یهود (عوامل نفوذی) سیر تحقق این استراتژی را دنبال می نمودند.

و چنانچه بیان شد این استراتژی تا سال ۲۰۵هـ. ق (۸۷۶ میلادی) و تا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام استمرار داشت و سازمان یهود تا این زمان موفق شده است به این هدف مهم خود که ترور و شهادت ائمه علیهم السلام بود دست یابد، ولیکن پس از شهادت امام عسکری علیه السلام از شناسایی و دستیابی به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ناکام ماندند، و با آغاز امامت و حضور آن حضرت در تدفین و نماز بر پدر بزرگوارشان، دشمنان که متوجه تولد و وجود آن امام بزرگوار شده بودند، در این مقطع نیز به دلیل آغاز غیبت صغری موفق به شناسائی و ترور آن حضرت نگردیده و علی رغم کنترل شدید نواب اربعه و مراقبت از آنان در طول این ایام، سرانجام تمام تلاش آنان در دستیابی و حذف فیزیکی (ترور) حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با آغاز غیبت کبری در سال ۳۲۴هـ. ق (۹۴۵ میلادی) یعنی ۶۹ سال پس از آغاز امامت آن حضرت به یأس و ناامیدی مبدل گردید و عملاً این استراتژی سازمان یهود با شکست مواجه و در نهایت در آن مقطع به نقطه ی بطلان خود رسید.

از این رو ضرورت ترسیم و تبیین استراتژی های جدیدی در دستور کار "سازمان یهود" قرار گرفت تا بتواند آن را در چند مرحله و در محورهای زیر ترسیم و عملیاتی نماید:

۱. تأمین نیروی انسانی مورد نیاز جهت ایجاد پتانسیل لازم برای مقابله با پدیده ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در (۱) هنگامه ظهور آن حضرت. (به عنوان بزرگترین مانع و چالش پیش روی خواسته های نژادی یهود)

۲. ایجاد پایگاهی امن و تلاش جهت تحقق استراتژی سه گانه ی (۲) خویش در راستای حاکمیت جهانی نژاد یهود.

تأمین نیروی انسانی جهت ایجاد پتانسیل لازم

در بیان توضیح این مطلب باید یادآور شد که نبردهای مقتدرانه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در صدر اسلام و متلاشی شدن استحکامات یهود در دوران ده ساله ی هجرت، منجر به کشته شدن عده ی زیادی از ایشان گردیده و چنان ضربه ی مهلکی را به پیکره ی آنان وارد آورده بود که

ص: ۱۴۸

۱- همانگونه که با وجود داشتن اطلاعات و ایجاد استحکامات لازم در صدر اسلام و دوران رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم موفق شده بودند تا از دستیابی ایشان به قدس شریف و تحقق زمینه های حاکمیت جهانی اسلام توسط آن حضرت و استمرار آن بوسیله حضرات معصومین علیه السلام ممانعت به عمل آورند.

۲- عبارتند از: ۱) فتح قدس ۲) نیل تا فرات (ایجاد خاورمیانه بزرگ) ۳. حاکمیت جهانی نژاد یهود (کل عالم) که قبلاً به توضیح آن پرداخته ایم.

جبران آن (تأمین نیروی انسانی) سالیان متمادی از وقت سازمان یهود را به خود مشغول می کرد.

لذا یهود که با فروپاشی کانون قدرت و فتنه ی خود (قدس) به دست مسلمانان و پراکنده شدن جمعیت یهودیان باقی مانده در سراسر دنیای آن روز از سال ۶۳۸ میلادی (۱۷ هـ. ق) و در دهه ی سوم قرن هفتم میلادی، از عدم انسجام و کمبود شدید نیروی های خودی رنج می برد، اولین نیاز خود را در رفع این کمبود و ایجاد انسجام درونی احساس می کردند. ولیکن اعتقادات و تفکرات نژادپرستانه ای که بر آنان حاکم بوده و همواره هم گریبان گیر این قوم می باشد، به گونه ای است که آنها از یک طرف خود را "قوم برگزیده و ملت برتر" می دانند و به دیگر انسانها (به ویژه مسیحیان و مسلمانان) به مثابه ی حیوانات ناطقه ای می نگرند که خداوند برای خدمت به ایشان آنها را آفریده است.^(۱) و تا جایی که ازدواج با غیر یهودی را نیز حرام می شمارند.

و از طرف دیگر نیز دشمنی ایشان با مسیحیان و همچنین اعتقاد مسیحیان

ص: ۱۴۹

۱- در کتاب تلمود یهود آمده است که: ما ملت برگزیده خدا هستیم، بر همین اساس خداوند برای ما حیوانات انسانی خلق کرده است زیرا خداوند می دانست که ما به دو نوع حیوان نیاز داریم، یک حیوانات غیر ناطقه و بی شعور مانند بهائم و چهار پایان و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند: مسلمانان، مسیحیان و بودائیان !!! (نقل از کتاب شناخت یهود برای جوانان)

مبنی بر این که “یهودیان قاتلان حضرت مسیح علیه السلام” می باشند، همگی به عوامل و انگیزه هایی تبدیل شدند تا در طول قرون متمادی منجر به درگیری های مداوم ایشان با یهودیان و کشته شدن بسیاری از آنان به دست مسیحیان گردد.

از این رو این حوادث همگی مانعی جدی بر سر راه ازدیاد جمعیت آنان در بین یهودیان به شمار می رفت و این را خود به خوبی درک می کردند. از این رو برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در ایجاد آن پتانسیل لازم در تحقق حاکمیت جهانی خویش، چاره ای جز تأمین آن از غیر خود را نداشتند و طبیعی است که در این میان باید به سراغ مسیحیان رفته و با به سلطه کشیدن ایشان، آنان را به خدمت اهداف شوم خود در آوردند، کما این که قبل از آن نیز موفق شده بودند تا با نفوذ در مسیحیت و به خدمت گرفتن ایشان، به گمان خود موجبات به صلیب کشیدن حضرت مسیح علیه السلام را فراهم نموده و سپس ایشان را در مقابله با اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کنار خود داشته باشند. و این در حالی است که به خوبی می دانستند که این اقدام در خصوص مسلمانان با وجود حضور ائمه علیهم السلام و بیداری و بینش بالای شیعیان، عملاً امکان پذیر نخواهد بود.

بنابراین برای تکرار تجربه ی موفق خود دوباره به فکر تربیت نیروهای نفوذی در بین مسیحیان افتاده، تا

بتواند از آن‌ها در ایجاد سلطه‌ی یهود در ابعاد سه‌گانه‌ی اقتصادی، سیاسی و اعتقادی بر مسیحیت بهره‌گرفته و در نهایت با ایجاد یک پتانسیل توانمند و استفاده از توان بیش از چند میلیارد مسیحی، آن‌ها را برای مقابله با پدیده ظهور و توان بالای مسلمانان و در نهایت تشکیل حکومت جهانی نژاد خویش به خدمت بگیرند، تا چنانچه مطابق پیشگوئی‌های تورات، انجیل و وعده‌های حتمی قرآن شریف (همراه با بیش از ۶۰۰۰ روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیه السلام)، هنگامه ظهور منجی عالم بشریت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا برسد، بتوانند با آن پتانسیل در مقابل آن حضرت بایستند تا شاید به خیال خام خود با متوقف نمودن حرکت و قیام آن حضرت، (چنانچه در صدر اسلام اتفاق افتاد) به اهداف نژادپرستانه‌ی خود یعنی حاکمیت “قوم یهود” برسند.

بنا بر این برنامه ریزی‌های ایشان، منشأ تلاش گسترده‌ی سازمان یهود در این زمینه و ترسیم استراتژیهای جدیدی گردید که در ادامه به سیر این حرکت و اقدامات صورت گرفته از طرف آنان در این راستا خواهیم پرداخت. (۱)

ص: ۱۵۱

۱- در خلال ارائه مباحث به اسناد و مستندات مربوطه نیز تا حدودی اشاره خواهیم نمود.

به منظور توضیح و تبیین مراحل و چگونگی این دوران از نفوذ و ترسیم استراتژی جدید یهود در فراهم کردن زمینه های سلطه خود بر دنیای مسیحیت در ابعاد اقتصادی، اعتقادی و سیاسی از ابتدای قرن دهم میلادی تا کنون، لازم است تا با بررسی وضعیت اروپای مسیحی و تحولات پدید آمده در آن برهه از تاریخ اروپا، به ریشه یابی آن و نقش سازمان یهود در این حوادث و تحولات پردازیم.

بنابراین لازم است در ادامه ی بحث، سیر حرکت و تلاش یهود را در سه دوران مورد بررسی قرار دهیم:

۱. دوران قرون وسطی: تلاش برای ایجاد پایگاهی امن برای تثبیت اقتدار و حاکمیت خویش.

۲. دوران رنسانس: ایجاد سلطه ی سه گانه ی اقتصادی، اعتقادی و سیاسی یهود (تحقق مثلث سلطه)^(۱)

۳. قرن حاضر (از آغاز قرن بیستم تا کنون): سیر تکاملی و سریع سازمان یهود برای تشکیل حکومت جهانی صهیونیسم. (صهیونیسم یهودی و صهیونیسم مسیحی)

ص: ۱۵۲

۱- پدیده شوم "سلطه" را به مثابه مثلی می توان ترسیم نمود که دارای سه ضلع، اقتصادی، اعتقادی و سیاسی می باشد.

پرداختن به بررسی این دوران که در غرب به سالیان طولانی بین قرن های ۴ تا ۱۵ میلادی اطلاق می گردد، از موضوع بحث این فصل خارج است^(۱) و قبلاً در خلال مباحث گذشته در زمینه نقش یهود، از آغاز شریعت عیسوی تا صدر اسلام و قبل از آن (تا قرن هفتم میلادی) و پس از آن به نقش ایشان در خلال سال های بین قرن هفتم تا دهم میلادی در دوران ائمه علیهم السلام پرداخته و به روشنی به تبیین استراتژی و اقدامات سازمان یهود در مقابله با اسلام در دو دوران رسالت و امامت اشاره کردیم. لذا در این فصل ابتدا به بررسی وضعیت و نقش یهود در خلال سال های دهم تا پانزدهم میلادی (پایان قرون وسطی) و اقدامات ایشان خواهیم پرداخت.

با توجه به بررسی وضعیت یهود در طی این پنج قرن، اگر بخواهیم “استراتژی عملی یهود” در راستای رسیدن به حاکمیت جهانی مورد ادعای آنان را در یک جمله بیان نمائیم باید به:

“تلاش ایشان برای ایجاد پایگاهی امن جهت تثبیت حاکمیت خویش در دست یابی به خواسته های نژادی قوم یهود (حاکمیت جهانی)” اشاره نمود.

ص: ۱۵۳

۱- برای آشنائی بیشتر با وضعیت کامل دوران قرون وسطی می توانید به کتاب غرب شناسی ، سید احمد رهنمائی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، فصل دوم، ص ۶۸ مراجعه نمائید.

به همین جهت از نیمه ی دوم قرن دهم میلادی (۹۶۲ میلادی) سازمان یهود، تلاش های گسترده ای را در این راستا آغاز و از وضعیت حاکم بر اروپا و دنیای مسیحیت و نابسامانی این دوران، در ایجاد یک پایگاه مستحکم برای برنامه ریزی و عملیاتی کردن اهداف خود، بهره جست.

در خلال دوران قرون وسطی ذکر این نکته لازم است که به دلیل ویژگی های خاص حاکم بر اروپا به جهت حاکمیت ارباب کلیساها و نفوذ ایشان بر سیاست مداران و نظام سیاسی کشورهای اروپایی، به ویژه تسلط و نفوذ کلیسای کاتولیک بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و مقدرات عمومی مردم، موجب گردیده بود تا با ایجاد تعارض میان دین و علم به لحاظ خرافات حاکم بر کلیساها، شاهد پدیده ی شوم تفتیش عقاید و سانسور شدید در اروپا، و نیز اعمال فشار گسترده ای بر دانشمندان و علاقه مندان به فراگیری علم و دانش، همراه با اعمال شکنجه های فراوان و اعدام های متعدد آنان باشیم، که به دنبال ارائه نظرات و دیدگاه های علمی خویش و به صرف تعارض آن با خرافات و اعتقادات کلیساها، با مجازات های شدیدی از جمله اعدام با گیوتین، سوزاندن در آتش، بریدن و قطع اعضای بدن و... مواجه بودند، و این از رفتارهای معمول و بسیار ننگین ایشان (ارباب کلیساها) در این دوران محسوب می شد، لذا وضعیت

ناهنجاری را در سراسر اروپا بوجود آورده بود، به گونه ای که بر اساس برخی آمارهای منتشر شده از سوی سازمانهای رسمی و بین المللی (۱) قریب به ۳۲۰۰۰ دانشمند و عالم، گرفتار خرافات حاکم بر کلیساها شده و به جرم های واهی توسط ایشان به جوخه های اعدام "به شکل های مختلف از جمله سوزانده شدن در آتش، اعدام با گیوتین و...." سپرده شدند.

از طرف دیگر در همین دوران و در اواخر قرن پانزدهم میلادی با آغاز جنگ های صلیبی علیه مسلمانان (۲) (از سال ۱۰۹۵ میلادی) و طولانی شدن این نبردها از یک طرف و جنگ های داخلی دولت های مسیحی علیه یکدیگر به منظور کشورگشائی های متعدد در توسعه ی حاکمیت خود از طرف دیگر، شرایط سخت و دشوار دیگری را بر سراسر اروپا تحمیل کرده و آنها را دچار جنگ های داخلی گسترده ای کرده بود، به گونه ای که کمتر کشوری در اروپا از ثبات نسبی برخوردار بود. و این همه شرایط بسیار دشواری را برای سازمان یهود در دستیابی به اهداف خود را در اروپا ایجاد کرده بود. (۳)

ص: ۱۵۵

۱- آمار رسمی یونسکو مربوط به دوران قرون وسطی، که از طرف سازمان ملل متحد اعلام گردیده است.

۲- اولین جنگ های صلیبی علیه مسلمانان در خلال سال های ۱۰۹۵ الی ۱۰۹۹ میلادی روی دادند.

۳- غرب شناسی ، سید احمد رهنمائی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، فصل دوم.

به همین دلیل تنها وجود “یک مکان امن و با ثبات و ایجاد یک پایگاه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی قدرتمند”، می توانست سازمان یهود را در ایجاد سلطه بر مسیحیت و جلوگیری از توسعه ی فزاینده ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به ویژه پس از تأسیس مراکز متعدد و گوناگون علمی در کشورهای اسلامی (ناشی از نهضت علمی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و شاگردان تربیت شده ی دانشگاه بزرگ مکتب امام صادق علیه السلام (۱)) و در نهایت ایجاد پتانسیل لازم در مقابله با پدیده ی ظهور، یاری نماید.

در این راستا ایشان با توسل به یافته های “ستاره شناسی زاکوتو” (۲) تلاش خود را به منظور یافتن مکانی امن جهت ایجاد پایگاهی مناسب برای استقرار یهودیان و ایجاد یک حوزه ی سیاسی _ امنیتی و نظامی قدرتمند در زمینه سازی شرایط و مقدمات حکومت جهانی قوم یهود به عنوان “ملت برگزیده ی خداوند” آغاز کردند.

به همین منظور پس از شناسائی این “سرزمین جدید” با بهره گیری از یافته های ستاره شناسی زاکوتو، کریستف کلمب که نام واقعی او “جان کولن” و از یهودیان

ص: ۱۵۶

-
- ۱- تاریخ شاگردان این دانشگاه و نهضت علمی امام صادق علیه السلام را قریب بر ۴۰۰۰ نفر ذکر می کنند.
 - ۲- ساموئول زاکوتو از یهودیانی بود که در علم نجوم سرآمد زمان خود به حساب می آمد و کتاب کابالائی درباره ی علم ستاره شناسی را به رشته ی تحریر درآورده است و کریستف کلمب با اتکاء به یافته های نجومی وی در دریا موفق به یافتن راه خود شد. Sefeo ha-kabbalahi.

اسپانیایی بود،^(۱) با حمایت و پشتیبانی “همبستگی قومی یهودیان” اقدام به این مسافرت و کشف آمریکا به عنوان سرزمینی مناسب و قانونی راهبردی به عنوان “دنیائی جدید برای یهودیان” نمود.

در خصوص حامیان وی، ذکر این نکته لازم است که سفر کریستف کلمب به طور قطع و یقین نمی توانست ناشی از یک تصمیم یک روزه ی سریع و ناگهانی او و مشوقانش باشد، چرا که در آن محدوده ی زمانی، سفر در اقیانوس ها و حرکت به سمت و سوی مغرب زمین، کاری بس خطیر و بزرگ به شمار می آمد و صدور مجوز چنین اقدامی از سوی ملکه ی ایزابلا و پذیرفتن تأمین هزینه ی مالی قابل توجه آن، به طور قطع و یقین نتیجه ی تلاش های بی وقفه ی لابی یهودی بود که توانست شاه و ملکه را نسبت به این امر قانع سازد و رضایت آن ها را برای حمایت از کریستف کلمب جلب کنند به گونه ای که “سانتاگنل” بازرس کل خزانه داری شاه با کسب نظر مساعد وی، مبلغ هنگفتی را در اختیار وی قرار داد و سپس بانکداران و تجار و ثروتمندان یهودی هلند مابقی هزینه های مورد نیاز وی را تأمین، و در اختیار او گذاشته شد.

اهداف کریستف کلمب در کشف سرزمین جدید (آمریکا)، بیانگر دو هدف عمده ی وی یعنی:

ص: ۱۵۷

۱- خانواده ی وی از یهودیان کاتالان در بارسلونا بودند.

۱. یافتن سرزمینی خوب و مناسب برای یهودیان.

۲. به دست آوردن منابع ثروت های جدید و دست یازی به قدرت لازم جهت تجدید بنای معبد سلیمان به عنوان نشانه ی آمدن مسیح بر روی زمین می باشد.

وی خود در این خصوص می گوید:

کشف آمریکا توسط وی در ادامه ی حملات صلیبی به جهت تصرف و قدرتمند ساختن مملکت خداوند و کلیسایش صورت می گرفت.

وی اعتقاد داشت:

ماجراجوئی اش در چهارچوب برنامه ی خداوند جهت بازگشت دوباره ی مسیح و شروع هزاره ی خوشبختی است که در پایان منجر به آزادسازی اورشلیم از دست مسلمانان کافر و ساخت دوباره ی معبد می گیرد.

وی به ملکه ی ایزابلا می گوید:

طلائی را که در دنیای جدید به دست می آورد، جهت ساخت دوباره ی معبد به کار می گیرد تا اورشلیم مرکز جهان شود.

کریستف کلمب بعد از کشف آمریکا و ورود به آنجا در ۱۲ اکتبر سال ۱۴۹۲ میلادی (۲۱ تشرین ۵۲۵۳ تقویم یهودی) بلافاصله اقدام به پاکسازی قومی در آن سرزمین نمود. وی معتقد بود "یک بومی خوب یک بومی مرده است" از این رو او و همراهانش و نسل های بعد از این گروه، در آمریکا چنان جنایت و قتل عام هایی را مرتکب شدند که تاریخ از ذکر آن شرم دارد. به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

ص: ۱۵۸

- از ۳۰ میلیون سرخ پوست بومی آمریکا امروزه تنها ۲ میلیون باقی مانده است.

- در بدو ورود آنها جمعیت سرخ پوستان مکزیک بالغ بر ۲۵ میلیون نفر بودند که هم اکنون جمعیت آن ها به ۱۰۰۶۰۵ نفر رسیده است.

- در مدت نیم قرن ۷۵ میلیون سرخ پوست را نابود و ۲۴۰ هزار اسپانیایی را جایگزین آن ها کردند.

- از جمعیت بومی آمریکا در طول مدت چند دهه ۸۰٪ آن ها قلع و قمع و در کمتر از یک قرن ۹۵ میلیون بومی آمریکائی قتل عام شدند و در طول مدت ۴ سده، ۱۳ میلیون برده از آفریقا به آمریکا منتقل و به خدمت گرفته شدند.

و به این ترتیب با ورود یهودیان به آمریکا و استقـرار ایشان در آن سرزمین، سازمان یهود آن را به پایگاهی امن برای نفوذ و سلطه خود بر مسیحیت و رسیدن به اهداف شوم نژادپرستانه قوم یهود در راستای حاکمیت جهانی خود قرار دادند و...

گرچه در این خصوص ناگفته ها زیاد می باشد و طرح این مسئله با شنیده های تاریخی ما تا حدود زیادی متفاوت می باشد و ممکن است تعجب ما را دنبال داشته باشد، ولی از واقعیت های تلخ تاریخ دنیای امروز ماست که باید در جای خود به تفصیل به آن پرداخت تا ماهیت اسلاف مسیحیان صهیونیستی که امروزه، ادعای دروغین آزادی و

آزادی خواهی، مبارزه با تروریسم، دموکراسی و هزاران ادعای دیگر آنان گوش فلک را کر کرده است روشن گردد و....

ولیکن از حوصله ی بحث ما خارج است و ما به همین مختصر اکتفا کرده و علاقه مندان را به مطالعه ی کتاب تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا^(۱) از انتشارات مؤسسه ی موعود تهران دعوت می نمائیم.

ص: ۱۶۰

۱- تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا ، نوشته عدنان اکتار، ترجمه نصیر صاحب خلق، نشر هلال.

رنسانس که در فارسی از آن به “دوران تجدید حیات” یا “عصر نوزائی” تعبیر می گردد، دورانی است که مغرب زمین آرام آرام با آغاز نهضت های فکری- عقلانی و علمی- تجربی طومار فلسفه و اندیشه ی قرون وسطائی و حاکمیت اربابان کلیسا را در هم پیچیده و با دگرگونی های فکری، دوران جدیدی از حیات خود را تجربه می کند که به “دوران رنسانس” معروف گشت. (۱)

در این دوران به دلیل اثرات نامطلوبی که خرافات دینی کلیساها و مخالفت اربابان آن با هر نوع پیشرفت و توسعه ی علمی و به بهانه ی تعارض آن با احکام و تفکرات حاکم بر کلیسا بر رشد و توسعه و رفاه عمومی مردم ایجاد کرده بود، مردم اروپا که دین (کلیساها) را مسبب تمامی مشکلات و مصائب دوران طولانی قرون وسطی می دیدند، آرام آرام از آن فاصله گرفته (۲) و با گرایش به علوم طبیعی، تجربی و حسی آرام آرام به سمت دنیا گرایی و رفاه طلبی سوق داده می شوند و....

ص: ۱۶۱

-
- ۱- غرب شناسی ، سید احمد رهنمائی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، فصل سوم، ص ۸۹.
 - ۲- اندیشه ی جدائی دین از سیاست در اروپا از همین زمان و به همین دلیل مطرح و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

و این فرصت بسیار مناسبی بود تا سازمان یهود در این دوران، با سوار شدن بر این موج (گرایش به علوم تجربی و طبیعت گرایی غرب) و با بهره گیری از نیروهای نفوذی خویش، بتوانند با ایجاد انحرافات دیگری در مسیحیت، گام های بعدی خود را در راستای ایجاد سلطه ی اعتقادی، اقتصادی و سیاسی به منظور زمینه سازی تحقق حاکمیت نژادی خویش بردارند.

به همین منظور جهت روشن شدن این معنی در ادامه بحث به اختصار در خصوص جهات مذکور توضیحاتی را ارائه خواهیم نمود:

مسیحیت و پذیرش سلطه ی اعتقادی یهود

با آغاز موج تجددخواهی در غرب و توسعه ی رو به رشد علوم تجربی و طبیعت گرایی مردم اروپا، به ناگاه مکتب جدیدی به نام "پروتستانیزم" در مسیحیت به عنوان "نهضت اصلاح دینی" قرن ۱۶ اروپا با هدایت مردانی چون "مارتین لوتر" و "کالوین" ایجاد و به یکباره موجب ویرانی نظام فرهنگی اروپا و اقتدار کلیسای کاتولیک (در قرون وسطی) گردید و تا جایی پیش رفت که با استمرار اصلاحات دینی جدید و با مقدس شمرده شدن نظام فکری سکولار، آرام آرام حیات دنیوی به اساسی ترین هدف انسان اروپائی مبدل گردید (دنیا گرایی بر محور توسعه ی علوم تجربی و طبیعت گرایی و در نتیجه انکار

ص: ۱۶۲

ماوراءالطبیعه و خدا...) و بدین ترتیب دین تابعی از نظام سکولار و دنیاگرا قرار گرفت (جدائی دین از سیاست به عنوان یک شعارمحوری مطرح و مورد قبول مردم واقع شد) و رویکرد این روند که با روشنگری ادامه یافت، رویکردی از بهشت اخروی به سوی بهشت دنیوی و از مسیحیت کاتولیک به یهودیت دنیاگرا تغییر مسیر داده و سرانجام بدنبال تأثیرپذیری پروتستانیزم از معتقدات و لاهوت عهد قدیم بنی اسرائیل و بسط آموزه های توراتی در بین مسیحیان پروتستان موجبات وابستگی ایشان به یهود^(۱) را فراهم آورده و در تغییر هویت تمدن غرب مسیحی به سمت پذیرش فرهنگ لاهوتی و برتری قومی یهود و خاستگاه های توراتی ایشان، به مرور موجبات "یهودیزه شدن" مسیحیان اروپائی و سپس آمریکائی را فراهم کرده است.

پروتستانیزم در جهان بینی خود نگاهی کاملاً عهد عتیقی (توراتی) و رویکردی کاملاً دنیائی داشته و از منابع یهودی به شدت تأثیر پذیرفته است و مقام و مرتبه یهود در این مکتب به مقام و مرتبت "قوم برگزیده" ارتقاء یافته است. بنابراین تأثیرپذیری لوترو همفکران او از عهد عتیق به طور طبیعی موجب بروز تغییرات زیادی در فهم دینی کلیسای کاتولیک گردید. و بدین وسیله

ص: ۱۶۳

۱- در واقع ایشان همان عوامل نفوذی یهود محسوب می شوند که نقش لابی را ایفا می کنند.

یهود به عنوان "قوم برگزیده" با ویران ساختن شالوده های مسیحی تمدن اروپا و غرب، تمدنی را بنیاد نهاد که پایه و اساس مادی آن بر قتل عام اقوام دیگر و سایر نژادها، استعمار، استثمار، تعدی، تجاوز، توسعه طلبی و امپریالیزم بود، که همگی ناشی از پذیرش سلطه ی جهان بینی یهودی و تلمودی بر اندیشه و روان تمدن غرب (اروپا و آمریکا) می باشد که به سرعت به سمت تحقق خواسته های شوم نژادی قوم یهود پیش می روند و.... (۱)

هم اکنون نیز شما همین تفکرات متأثر از عهد عتیق به انضمام آموزه های اخبار آخرالزمانی، در قالب اندیشه های "صهیونیسم مسیحی" در قرن حاضر به وضوح مشاهده می نمائید.

بدین ترتیب با شروع "پروتستانیزم" آرام آرام زمینه های سلطه ی اعتقادی یهود بر مسیحیت شروع و دنیای اروپا با پذیرش سلطه ی تلمودی یهود (۲) به عنوان "قوم برگزیده" و برتری قومی ایشان، سلطه آنان را پذیرفتند، تا جایی که در تفکرات امروز صهیونیسم مسیحی در اروپا و آمریکا دفاع از اسرائیل به عنوان "عملی مذهبی و جزئی از

ص: ۱۶۴

-
- ۱- پروتستانیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، نوشته نصیر صاحب خلق، نشر هلال، بخش دوم، ص ۲۵.
 - ۲- دیدگاه ها و حمایت های بی دریغ ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا از اسرائیل در قرن حاضر به وضوح بیانگر پذیرش این سلطه می باشد.

اصول عقاید "تلقی می گردد و رویکردی کاملاً اعتقادی به خود گرفته است. زیرا بنا بر تعالیم تلمود و عهد عتیق، "یهودیان قوم برگزیده ی خداوند بوده، از دیگر ادیان و ملت ها برترند و سرزمین های مقدس از سوی خداوند به آن ها هدیه شده است و متعلق به آن هاست" و...

نکته: در پاسخ به این سؤال که آیا "مارتین لوتر" به عنوان یک کشیش مسیحی پروتستان چگونه نقش یک نفر نفوذی یهود را ایفا می کند؟ و چگونه موجبات این انحراف را پدید می آورد؟ و...

می توان با مراجعه به اعترافات خود او به این سوال پاسخ داد.

وی در کتاب خود به نام عیسی مسیح یک یهودی زاده شده [\(۱\)](#) می گوید:

یهودیان خویشاوندان خداوند ما (عیسی مسیح) هستند، برادران و پسرعموهای اویند؛ روی سخنم با کاتولیک هاست، اگر از این که مرا کافر بنامید، خسته شده اید، پس بهتر است مرا یهودی بخوانید.

وی همچنین می گوید:

یهودیان حامل برترین خون ها در رگهای خود هستند، روح القدس به واسطه ی آن ها کتاب مقدس را به اقصی نقاط دنیا برده، آن ها فرزندان خداوند. ما در مقایسه با آن ها بیگانه ایم ... همچون سگانی هستیم که از خرده نان های بر زمین ریخته ی اربابان خود (یهودیان) ارتزاق می کنیم.

ص: ۱۶۵

۱- وی این کتاب را در سال ۱۵۲۳ میلادی به رشته ی تحریر درآورد.

در باب سلطه ی اقتصادی یهود بر اروپا و آمریکا نیز مارتین لوتر با مکتب پروتستانیزم خویش نقش مهمی را ایفا کرد. زیرا همان گونه که اشاره کردیم این مکتب حیات دنیوی را اساس ترین هدف انسان می داند و بهشت دنیائی را موعود خویش به شمار می آورد. لذا توسعه ی این فرهنگ از یک طرف و تمدنی که مسیحیت پروتستانیزم با پایه و اساس تفکرات مادی خود، بر استعمار و استثمار و توسعه طلبی بنا نهاده است از طرف دیگر، منجر به آغاز انقلاب های متعدد اقتصادی گردید که با تعدی و تجاوز به کشورهای ثروتمند دنیا در آفریقا و آسیا به ویژه خاورمیانه و همچنین تجزیه ی دولت های بزرگی چون روم، ایران، دولت عثمانی و به استثمار کشیدن آن ها، به دنبال دستیابی به منابع مهم ثروت دنیا و توسعه ی اقتصادی و تأمین رفاه مادی خود (بهشت دنیوی موعود در و مکتب پروتستانیزم یهودی)، بوده و می باشد.

از این رو مسیحیت سکولار (پروتستانیزم) که در این دوران برای تأمین رفاه مادی خویش، و برای به دست آوردن و تأمین “منابع اقتصادی مورد نیاز خود جهت دسترسی به این رفاه” تلاش گسترده ای را آغاز نموده است، به ناگاه منابع ثروت در کشور های اروپائی و آمریکایی را در اختیار یهود می بیند و به ناچار در دام آنها گرفتار شده و بدین ترتیب علاوه بر پذیرش سلطه

اعتقادی مجبور به پذیرش سلطه ی اقتصادی آنان نیز گردیدند. (۱)

پروتستانیزم یهودی و ورود به سرزمین جدید

سرانجام تفکر مسیحیت یهودی (پروتستانیزم) با رشد و توسعه ی روز افزون آن در طول قرن های ۱۶ تا ۱۸ میلادی در قالب “انقلاب پیوریتان ها” در اولین سال های کشف قاره ی آمریکا، از انگلستان به آن سرزمین مهاجرت کرده و تبدیل به ادب و فرهنگ مهاجرانی شد که انگلستان را در هوای “سرزمین موعود” و دست یازی به ثروت و قدرت و ایجاد یک پایگاه قدرتمند بمنظور نیل به “حاکمیت جهانی” قوم برگزیده ی خداوند و تحقق آمال و آرزوی دور و دراز این قوم نژاد پرست ترک کرده بودند.

بدنبال آغاز این مهاجرت گسترده سرانجام با استقرار ایشان در آمریکا به دلیل تأثیرپذیری بنیان گـزاران این مکتب (پروتستانیزم) از معتقدات و لاهوت عهد قدیم بنی اسرائیل و بسط آن آموزه ها در “پیوریتانیسم مسیحی”، در خود و با خود نطفه جریانی را به همراه داشت که با آمیزه های فرهنگ

ص: ۱۶۷

۱- همان گونه که در فصل اول به آن اشاره کردیم، امروزه ۶۰٪ ثروت در گردش دنیا در اختیار یهود است. بگونه ای برخی از آمار ها حاکی از آن است ۸۰٪ سهام برج های دوقلو به عنوان مرکز تجارت جهانی قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲ میلادی متعلق و در اختیار یهود بوده است. (برگرفته از کتاب زر سالاران ، نوشته دکتر شهبازی)

آخرازمانی عهد جدید و عهد عتیق(۱) و پیشگوئیهای حوادث مقارن ظهور حضرت مسیح و آغاز هزاره خوشبختی (همان بهشت دنیائی موعود در تفکر یهود و مسیحیت پروتستانیزم)، طی چهارصد سال گذشته آرام آرام، همگام با توسعه ی سیاسی- اجتماعی آمریکا همراه با تفکرات لاهوتی عهد عتیق یهودیان و همفکران ایشان، ترویج و پرورش یافت تا بتواند در قرن بیستم در هیأت جریان سیاسی-مذهبی و با عنوان “نوانجیلی ها” یا “مسیحیت صهیونیستی” نمودار گشته و با تکیه بر اخبار و اطلاعات آخرازمانی عهدین، و به بهانه زمینه سازی ظهور دوم حضرت مسیح علیه السلام (۲)، حمایت از صهیونیسم یهودی را وظیفه ی خویش دانسته و بتواند با بهره گیری از همه ی توانائی ها و قدرت نظامی و اقتصادی آمریکای قرن ۲۱ جهت تحقق استراتژی سه گانه ی یهود با تشکیل دولت اسرائیل و حمایت از آن و به عبارت دیگر آن “فتح قدس” بتواند با توسعه ی حاکمیت یهود بر “نیل تا فرات” (خاورمیانه ی جدید) و در نهایت تحقق “حاکمیت جهانی قوم برگزیده ی خداوند”

ص: ۱۶۸

۱- از مجموعه ی کتب موجود از عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) مانند: تلمود، انجیل یوحنا، رؤیاهای حزقیال نبی و... بیش از نیمی به پیشگوئی های آخرازمانی اختصاص دارد.

۲- در ادامه ی مباحث در بررسی حوادث جهانی بعد از تشکیل انقلاب اسلامی در ایران به پدیده ی “صهیونیسم مسیحی” و وضعیت فعلی ایشان بیشتر خواهیم پرداخت.

(دهکده ی جهانی یهود) به گمان خود ب_ه پیشواز ظهور دوم حضرت مسیح علیه السلام و آغاز هزاره ی خوشبختی بروند. و در واقع خواسته نژادی قوم یهود را پس از سه هزار سال انتظار محقق سازند. (۱)

نقش آموزه های آخر زمانی در سلطه ی یهود

در میان تمامی ملل جهان، "قوم یهود" به دلیل قدمت تاریخی خود، بیشترین آثار با مضامین "پیشگوئی های آینده" را ارائه نموده است؛ و همواره علاقه اقوام یهود نسبت به کاهنان و مکاشفات قدیسان و رهبانان مسیحی از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است، و به همین جهت است که علی رغم تحریف کتاب مقدس تورات و انجیل، هنوز بخش های قابل توجهی از این دو کتاب اختصاص به "پیشگوئی های آخرالزمانی" و "ظهور دوباره ی موعود منجی" دارد.

و از آنجایی که این آموزه ها و اخبار غیبیه از طرف انبیاء بزرگ الهی بوده است تا کنون منشأ برتری اطلاعاتی سازمان یهود و منحرفین از یهود و نصاری گردیده است، تا بتوانند از قبل خود را برای مقابله با اسلام، به ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آماده نمایند و در صدر اسلام با ایجاد استحکامات برای مقابله

ص: ۱۶۹

۱- جهت آشنائی و تفصیلی با مبانی فکری مسیحیت پروتستانیزم و صهیونیسم مسیحی در این زمینه می توان به کتاب مسیح یهودی و فرجام جهان ، نوشته رضا هلال، ترجمه قیس زعفرانی، نشر هلال مراجعه نمائید.

با اسلام موفق عمل نمایند، و همین آموزه ها نیز باعث گردید تا در تمام دوران زندگی بشر و با توسعه فرهنگ اسلامی تمامی نظریه پردازان، سیاستمداران و عموم مردم جوامع غربی و حتی سایر ملل در تبیین سیاست ها، تدوین استراتژی ها، تولید آثار فرهنگی و تنظیم سیاست های منطقه ای و بین المللی خود با نگاه به این آموزه ها، جهت گیری های سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی خود را ترسیم و عملیاتی نمایند. به ویژه در قرن حاضر که تمسک به این گونه پیشگوئیها منشأ تمامی حوادث جهانی و منطقه ای می باشد.

در این میان “سازمان یهود” با آگاهی از تأثیر این آموزه ها، از آن برای ایجاد سلطه ی اعتقادی خود بر دنیای مسیحیت و تبدیل ایشان به پتانسیلی در خدمت اهداف شوم نژادی خود در “حاکمیت جهانی نژاد یهود” استفاده و بیشترین بهره برداری را نموده است.

به همین جهت عوامل نفوذی سازمان یهود بعد از شروع دوران رنسانس توسط افرادی چون “نوسترا آداموس”، با هشدار به فتح جهان توسط شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به غرب و تمدن غربی و نیز به دنیای مسیحیت و یهود اعلام می کند که روزی مسلمانان و شریعت اسلام به رهبری ایران و تمدن ایرانی و بدنبال ظهور منجی عالم بشریت (مهدی شیعیان عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر جهان مسلط خواهند شد.

در مرور شخصیت نوسترا آداموس باید گفت که وی در ۱۴ دسامبر ۱۵۰۳ میلادی در ناحیه ی “سن رمی” فرانسه متولد شد،

از خانواده ای یهودی و ایتالیائی الاصل بود که پدر بزرگ وی آموزه های اشرافی مکتب کابالیست ها را به وی آموخت و او مجموعه ی کاملی از شعرواره های خود را در ۱۰۰۰ قطعه (۱۰ سانتوری حاوی ۱۰۰ قطعه) پیرامون آینده و رویدادهای آن که مشتمل بر بیش از ۳۰۰ پیشگوئی می باشد، ارائه کرده است. وی فردی مؤمن و پای بند به مذهب کاتولیک بود.

در قرن حاضر پیشگوئی های آداموس درباره ی واقعه ی ۱۱ سپتامبر تأثیر شگرفی را بر نگرش و فرهنگ آمریکائی گذاشته است، به گونه ای که ساموئل هانتینگتون نیز تئوری برخورد تمدن های خویش را از وی به عاریت گرفته است.

وی در یکی از اشعار خود در این باره می گوید: [\(۱\)](#)

آسمان در ۴۵ درجه (مختصات جغرافیایی نیویورک!) خواهد سوخت، آتش به شهر جدید، نزدیک می شود.

جالب ترین موارد پیشگوئی های آداموس، پیرامون انقلاب اسلامی ایران و ظهور منجی آخرالزمان از مکه و در نهایت تسلط جهانی شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (اسلام) می باشد. وی در این خصوص می گوید:

ص: ۱۷۱

۱- مواردی از پیشگویی ها که نقل شده است به صورت گزینشی و با رعایت اختصار انتخاب و ذکر شده است، علاقه مندان جهت مطالعه بیشتر آنها می توانند به cd کتابخانه دیجیتالی صهیونیسم پژوهی که توسط موسسه لوح و قلم قم تهیه و منتشر شده مراجعه و کل اشعار و پیشگویی های وی را ملاحظه نمایند.

از کشور عربی خوشبخت، شخصی قدرتمند و مسلط بر شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم زاده خواهد شد، اسپانیا را به دردرس انداخته و بر گرانادا مستولی می شود. و... .

وی در جائی دیگر می گوید:

یک آرمانسرای کهنسال (امام خمینی قدس سره الشریف) نشانه های نیرا (ایران) را به اهالی ژنو (سازمان ملل متحد) نشان خواهد داد. رهبر پاریس، اسپانیای بزرگ را اشغال می کند، کشتی های جنگی در برابر مسلمانان (محمدی ها) که از پارتیا و مدیا (دو ناحیه در ایران) برخاسته اند می ایستند.

وی در ادامه این پیشگویی ها ادامه می دهد که:

امپراتوری مقدس به آلمان خواهد آمد، پیروان اسماعیل جایگاه بی مانع خواهند یافت.... تمامی حمایت کنندگان محمد صلی الله علیه و آله و سلم سراسر گیتی را خواهند پوشاند.

در واقع باید گفت وی با گوشزد کردن خطر اسلام و تسلط شریعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر جهان بعد از پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران، و هشدار به دنیای مسیحیت و سیاستمداران و قدرت های سلطه طلب تحت نفوذ یهود، آن ها را برای آمادگی مقابله با این موج فرا می خواند.

بعد از نوسترآداموس شخصیت های برجسته ی دیگری با تأسی از پیشگوئی های وی و هشدار به خطر سلطه ی اسلام و بزرگ جلوه دادن آن و با اشاره به آموزه های تورات و انجیل مبنی بر ظهور مجدد حضرت مسیح علیه السلام برای بهره برداری از این

آموزه‌ها در راستای اهداف شوم خویش به تدریج به آن‌ها پرداختند، به گونه‌ای که هرچه به قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی نزدیک‌تر می‌شویم تأثیر این پیشگویی‌ها بر تعیین سیاست‌ها و بیان استراتژی‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی و... از جانب سیاستمداران غربی و اروپائی آشکارتر می‌گردد.

در ادامه این روند، سرانجام همین پیشگویی‌ها تبدیل به یک سناریو جهت تدوین استراتژی و برنامه‌های عملیاتی سازمان یهود شده، و زمینه ساز جنبشی گردید که بنیانگذار آن کشیش معروف کلیسای انگلیسی به نام "جان نلسون داربی" در قرن ۱۹ میلادی بود که به "جنبش تدبیری داربی" معروف گردید.

وی نظریه‌ی "صهیونیسم مسیحی" را برای اولین بار به عنوان "عملی نمودن خواسته‌های مسیح" و تحقق پیشگویی‌های انجیل ترویج کرد، به دنبال وی "ویلیام بلاگستون" در دهه‌ی ۱۸۸۰ میلادی، نظریه صهیونیسم مسیحی را در آمریکا تبلیغ نمود و به "پدر صهیونیسم مسیحی در ایالات متحده‌ی آمریکا" معروف گردید.

لذا در ادامه جهت آشنایی هر چه بیشتر با جنبش تدبیری و خواستگاه‌های ایشان به بیان مبانی آن خواهیم پرداخت.

جنبش تدبیری داربی و یا به عبارتی جنبش صهیونیسم مسیحی معتقد است که:

۱. ظهور مسیح نزدیک است.

۲. مسیح با آغاز هزاره ی سوم و قبل از سال ۲۰۰۷ میلادی ظهور خواهد کرد و مسیحیان باید برای تعجیل در ظهور مسیح و تحقق علائم و نشانه های مطرح شده در پیشگوئی ها و آموزه های آخرالزمانی تورات و انجیل تمامی تلاش خود را به کار گیرند.

بر اساس آموزه های آخرالزمانی صهیونیسم مسیحی (جنبش تدبیری) نشانه های ظهور حضرت مسیح قبل از شروع هزاره خوشبختی عبارتند از:

۱. بازگشت یهودیان (به عنوان ملت برگزیده خداوند) به سرزمین موعود خویش (فتح قدس) و تشکیل دولت بزرگ یهود (نیل تا فرات).

۲. تخریب مسجدالاقصی و مسجد صخره در قدس.

۳. احداث مجدد معبد بزرگ سلیمان (هیکل) جهت عبادت مسیح و کسانی که به او ایمان می آورند.

۴. رعب و وحشت سراسر جهان بویژه آمریکا و اروپا را فرا خواهد گرفت.

۵. زمینه های جنگ مقدس آرمگدون فراهم خواهد شد و رهبری این جنگ را نیز آمریکا به کمک انگلیس به عهده خواهد داشت.

وی بدن‌بال بیان شرایط بازگشت دوباره حضرت مسیح علیه السلام در آستانه هزاره خوشبختی معتقد بود که بر اساس پیشگویی‌های آخر الزمانی بعد از وقوع نبرد آرمگدون و نابودی شر، مسیح مجدداً ظهور خواهد کرد و با آغاز هزاره خوشبختی حضرت مسیح علیه السلام پس از هزار سال حکومت، از دنیا خواهد رفت و بعد از آن قیامت کبری برپا می‌گردد و.... (۱)

همان گونه که ملاحظه می‌فرمائید با توجه به مبانی و خواستگاه‌های صهیونیسم مسیحی در زمینه ظهور حضرت مسیح و بیان وظایف مسیحیان معتقد به این جنبش که امروزه به “نوانجیلی‌ها” معروف می‌باشند در واقع می‌توان گفت که جنبش تدبیری یک سناریوی از پیش تنظیم شده از طرف صهیونیسم یهودی است که بیانگر اهداف و برنامه‌های ایشان در سده منتهی به قرن بیست و یکم و سالهای منتهی به ظهور مسیح در دیدگاه صهیونیسم مسیحی (بین سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ میلادی) جهت نیل به اهداف پلید آنهاست. که در ابتدای ورود به قرن بیستم در سال ۱۹۰۱ میلادی تبدیل به یک برنامه عملیاتی و راهبردی دانشوران صهیونیسم برای تشکیل حکومت جهانی یهود می‌گردد و به دنبال آن با قوت گرفتن جریان

ص: ۱۷۵

“صهیونیسم یهودی” در انگلیس و آمریکا، سازمان یهود با ترغیب و حمایت رهبران سیاسی و دینی مسیحی در سال ۱۸۹۷ میلادی، اولین “کنگره ی صهیونیست های یهودی” را تشکیل داده و اهداف خود را برای تحقق استراتژی سه گانه ی خویش در رسیدن به حکومت جهانی یهود همراه با برنامه ریزی عملیاتی جهت اجرای گام به گام آن را مطرح نموده و بلافاصله اقدامات عملی خود را آغاز نمودند که به “پروتکل های دانشوران صهیونیسم برای تشکیل حکومت جهانی یهود” معروف گشت، که در ادامه به اختصار به آن اشاره خواهیم نمود.

صهیونیسم و تلاش برای تشکیل حکومت جهانی یهود (قرن بیستم)

اشاره

سازمان یهود که هم اکنون پس از تلاش های مستمر خود، شرایط و اوضاع سیاسی-اجتماعی جهان را مطابق خواسته ها، و آمال و آرزوی دیرینه خویش می پندارد و خود را در آستانه فرمانروایی بر کل جهان می بیند (۱) مراحل زیر را برای رسیدن به اهداف خود ترسیم می نماید.

۱. تدوین استراتژی (برنامه های راهبردی و عملیاتی) در سال ۱۹۰۱ میلادی

بدنبال آماده شدن سناریوی مذکور (جنبش تدبیری داربی) بلافاصله دانشوران

ص: ۱۷۶

۱- بخشی از پروتکل شماره ۱۱ دانشوران صهیونیسم که قبلاً به آن اشاره نمودیم.

صهیونیسم آن را طی یک برنامه عملیاتی در قالب "پروتکل‌های دانشوران صهیونیسم برای تشکیل حکومت جهانی یهود" ترسیم و ارائه نمودند تا بدین وسیله با هموارتر کردن مسیر حرکت خویش به تحقق گام به گام استراتژی سه گانه خود بپردازند.

این "پروتکل‌ها" که در واقع دستورالعمل اجرایی تحقق خواسته های نژادی یهود به شمار می رود، توسط یکی از یهودیان افراطی به نام "آشر گیتز برگ" تهیه شده بود تا پس از طرح در اجلاس سالیانه صهیونیسم بین الملل و در نخستین کنفرانس صهیونیسم جهانی در سال ۱۸۹۷ میلادی به ریاست "تئودر هرتزل" در شهر بال سوئیس، جزء اسناد فوق سری سازمان یهود قرار گرفته و این سازمان به کمک کلیه عوامل خویش تمام سعی خود را برای عملیاتی کردن آن آغاز نماید.

گرچه این اجلاس به دلیل حمله تزار روس برگزار نگردید ولیکن پروتکل‌ها به عنوان یک دستورالعمل اجرایی با طبقه بندی "فوق سری" در دستور کار صهیونیسم جهانی قرار گرفت و ایشان در ادامه تلاشهای گذشته خود و با توجه به آن که تا آن مقطع توانسته بودند با ایجاد سلطه اعتقادی و اقتصادی خود بر آمریکا و مسیحیان پروتستان این کشور، مکان مناسب و امنی را برای تحقق خواسته های نژادی خویش و اجرای گام به گام اهداف و برنامه های ترسیم شده در

قالب پروتکل ها را در اختیار داشته باشند، در آن، سیر تشکیل حکومت جهانی خود را در چند مرحله ترسیم و طراحی عملیاتی آنرا در محور های زیر آغاز نمایند:

۱. با سلطه پذیری مسیحیان پروتستان در آمریکا از یهود و فرهنگ توراتی و تلمودی آن در قدم اول زمینه ایجاد سلطه سیاسی را با به روی کار آمدن دولت های وابسته به صهیونیسم یهودی و با استفاده از مهره های صهیونیسم مسیحی خویش فراهم آوردند. آنها در این زمینه موفق شدند تا از سال ۱۹۱۷ میلادی به این مهم نائل آیند و از این سال تا کنون هیچ دولت و رئیس جمهوری در آمریکا به قدرت نرسیده است مگر آنکه همگی با اعتقاد به تفکرات صهیونیسم مسیحی در صدد حمایت و توسعه فرهنگ تلمودی و عهد عتیق یهود (صهیونیسم یهودی) بر آمده و در تحقق اهداف و برنامه های سازمان یهود و جنبش صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا تمامی تلاش و فعالیت خود را بذل نمایند. که در ادامه به بخش هایی از اعترافات برخی از روسای جمهور و دولتمردان آمریکایی از سال ۱۹۱۷ تا کنون اشاره خواهیم نمود.

۲. با توجه به آنکه تا آن زمان هنوز دولت های بزرگ و مستقلی مانند روم و ایران و از همه مهم تر دولت عثمانی با آن همه سابقه درخشان علمی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خویش از ثبات و

استحکام خوبی بهره مند بودند و در بخش عظیمی از کشورهای منطقه و جهان به نام اسلام و با اقتدار فرمانروایی می کردند، سعی نمودند تا در گام اول خود با بهره برداری از شعار “تفرقه بینداز و حکومت کن” نسبت به تجزیه و وابسته کردن آنها به خود در چند مرحله و با تبدیل آنان به حکومت های مشروطه خواه و سپس جمهوری خواهی که نتیجه ای جز به قدرت رسیدن رؤسای جمهور وابسته به صهیونیسم را بدنبال نداشته باشد، بتوانند در نهایت با تشکیل دولت های لیبرال دموکرات مورد نظر خویش زمینه های لازم را برای توسعه سلطه جهانی خود فراهم آورند.

در زمینه این تلاش سازمان یهود، در بخشی از پروتکل های ۱۶۱ ایشان آمده است که:

.... مناسبترین نوع حکومت برای یک کشور حکومتی است که در آن قدرت به یک نفر تفویض شود. بدون وجود یک حکومت مطلقه مستبدتمدن نمی تواند به حیات خود ادامه دهد...

آنها با اعتراف به توانمندی حکومت های مطلقه، سیاست خود را برای فروپاشی آنان چنین ترسیم می کنند که:

.... از زمانی که سیاست آزادی طلبی به امر مملکت داری راه یافت سیستم حکومت مطلقه جای خود را به حکومت مشروطه داد و بدین سان مردم غیر یهود با دست خود حکومت های مطلقه را که از ثباتی نسبی برخوردار بودند متزلزل ساختند. زیرا حکومت مشروطه جز

بی نظمی، سوء تفاهم، کشمکش، عدم توافق و برخورد میان احزاب چیزی دیگر به بار نمی آورد. به عبارت دیگر مشروطه مکتبی است که جز نابودی دولت هدفی دیگر ندارد. باید افزود که تریون سخنرانان از جمله عواملی بوده است که در واژگون و متزلزل کردن حکومت های مشروطه نقش بسیار مهمی را بازی کرده است. پس از آنکه حکومت های مشروطه یکی پس از دیگری بر اثر حمله و انتقادهای شدید واژگون شدند مردم به فکر حکومت جمهوری افتادند آنگاه به وساطت قوم ما روسای جمهوری از میان توده مردم انتخاب شدند. یعنی مردم غیر یهودی بی آنکه خود بدانند، دست نشاندهگان ما را به رهبری خود پذیرفتند. همه تحولات بالا که در امر مملکت داری صورت گرفته است، به مثابه نقبی است که به دست ما زیر پای مردم غیر یهودی حفر شده است و بدین ترتیب به وساطت ماحکومتها از مطلقه به مشروطه و از مشروطه به جمهوری تحول پیدا می کنند و ما رئیس جمهور حکومت های غیر یهودی (تحت نفوذمان) را از میان موثق ترین عوامل و دست نشاندهگانمان نامزد می کنیم و سپس او را بر اساس رأی گیری انتخاب می نماییم. لذا رئیس جمهور عملاً فرد فاقد اختیاری است که هدف و مسئولیتش تنها حفظ قوانینی است که ما از پیش تدوین کرده ایم.”

و بدین ترتیب سازمان یهود (صهیونیسم جهانی) به سیاست فروپاشی از درون در نظام های قدرتمند و مطلقه ی موجود روی آورده و محورهای زیر را در پروتکل های خویش برای تجزیه و تفرقه افکنی و

تشدید اختلافات داخلی در راستای این هدف شوم ترسیم و طرح ریزی کرده اند:

۱. استفاده از واژه های تعریف نشده ای چون آزادی و تساوی حقوق زن و مرد و... جهت ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم و مردم و مسئولین خود.

در این مورد می گویند:

سیاست ما ایجاب می کند هنگامی که در باره مسایلی چون تفویض اختیار، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب، تساوی در برابر قانون، احترام به مالکیت فردی، آزادی انتخاب مسکن، عدالت و تعیین مالکیت ها صحبت می کنیم باید این مسائل را به طور خیلی صریح و بی پرده با مردم در میان نگذاریم و هر گاه ضرورت حاصل شد که مطرح بشوند به طور قاطع و صریح از آنها اسم نبریم. بالعکس به طور خیلی سربسته و بدون ذکر جزئیات درباره آنها صحبت کنیم. دلیل سکوت ما در این باره آن است که وقتی مقولات بالا اسم گذاری نشده باشد یعنی مردم تصور دقیقی از آنها نداشته باشند قطعاً دستان باز خواهد بود که چه چیز اضافه و چه چیز کم کنیم و در نتیجه مردم متوجه چنین تغییراتی نمی شوند.

۲. ترویج فساد در جوامع بشری به منظور ایجاد بحران هویت بویژه در بین جوانان و با بهره گیری از تکنولوژی روز و در نتیجه فاسد کردن نسل جوان جامعه به عنوان فعال ترین و موثرترین قشر همه نظام های مطلقه و مقتدر.

در این خصوص آمده است:

ص: ۱۸۱

نشر صور قبیحه و تبلیغ اعمال منافی عفت مطابق با اقتضای روز و سرگرم نمودن مردم به عیش و عشرت، فراهم کردن وسایل این کار، ایجاد مجالس و مجامع عریان ها، تبلیغ منکرات، درست کردن فیلم ها و عکس های سکسی و... .

۳. ایجاد نارضایتی در بین مردم و انعکاس آنها از طریق مطبوعات و روزنامه های زنجیره ای که خود قبلاً آنها را ایجاد و راه اندازی نموده اند.

در این زمینه آورده اند که:

می دانیم که ممالک جهان از مطبوعات به عنوان وسیله هایی برای هدایت فکر مردم در جهت دلخواهشان استفاده می کنند لذا برای اینکه بتوانیم از مطبوعات در جهت خواسته های خود استفاده کنیم باید در بین مردم نارضایتی ایجاد نماییم و سپس از طریق مطبوعات نارضایتی ها را منعکس سازیم.

سپس به طور مشروح نحوه عملکرد مطبوعات در قلمرو حکومت خود را نیز ترسیم می نمایند.

۴. ایجاد مشکلات اقتصادی و وادار کردن دولت ها به استقراض و اخذ وام های خارجی به منظور ایجاد وابستگی اقتصادی دولت ها به نظام سرمایه داری یهود (بانک اقتصاد جهانی)

در این خصوص آمده است:

هر گونه وامی برای دولت ها نوعی ضعف به بار می آورد و دولت ها بجای آنکه برای پرداخت قروض، مالیات های موقت از مردم بگیرند دست تکیه به سوی بانکداران ما دراز می کنند، وامهای خارجی چون زالو بر پیکر دولت می چسبند و

ص: ۱۸۲

شروع به مکیدن خون می کنند و سرانجام یا دولت را از پای در می آورد یا خود در اثر مکیدن خون فراوان از پیکر دولت کنده می شوند. دولت ها اینگونه زالو ها را از تن خویش جدا نمی کنند یعنی آنکه آنقدر به گرفتن وام ادامه می دهند که سر انجام در اثر از دست دادن خون فراوان آن هم بنا به خواست خود از پای در می آیند و....

سپس ادامه می دهند که:

تا زمانی که وام های داخلی رایج بودند غیر یهودیان فقط پول فقرا را به جیب ثروتمندان می ریختند اما از وقتی که ما وام ها ی خارجی را مرسوم ساختیم ثروت ملتها به سوی صندوق های پولمان سرازیر می شوند و غیر یهودیان شروع به پرداخت باج به ما می کنند

البته گفتنی ها در این زمینه فراوان است ولیکن برای جلوگیری از اطاله ی کلام از بیان آن پرهیز و شما را به مطالعه کامل پروتکل ها دعوت می نمایم. (۱)

۲. ایجاد سلطه کامل سیاسی بر ایالات متحده آمریکا (از سال ۱۹۱۷ میلادی)

اشاره

همان گونه که اشاره نمودیم دانشوران صهیونیسم (سازمان یهود) با تلاش و پیگیری مداوم خویش و با نفوذ در پیکره نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا و با همکاری "صهیونیسم مسیحی" از سال ۱۹۱۷ میلادی موفق گردیدند تا با تشکیل یک

ص: ۱۸۳

نظام سیاسی گسترده و مقتدر و متأثر از آموزه های عهد عتیق (توراتی) در سراسر این کشور پهناور بلافاصله زمینه های توسعه و پیشرفت جنبش صهیونیسم را در این کشور فراهم آوردند تا بتوانند شرایط و مقدمات "تأسیس وطنی قومی برای یهود" در فلسطین (تحقق گام اول از استراتژی سه گانه سازمان یهود یعنی فتح قدس) را با گشودن در های آن دیار بر روی مهاجرت بی قید و شرط یهودیان و اسکان آنها در فلسطین ایجاد، و بدنبال این زمینه های تشکیل دولت غاصب اسرائیل را فراهم آورند. از این رو شما مشاهده می نمائید که از سال ۱۹۱۷ میلادی تمام دولتهایی که در ایالات متحده آمریکا بر سر کار آمده و اعتقادات و اندیشه های رؤسای جمهوری که در آن دیار به این مقام رسیده اند همگی متأثر از تفکرات صهیونیسم یهودی و نوانجیلی ها یا راستگرایان مسیحی و به عبارت دقیق تر تحت لوای "صهیونیسم مسیحی" بوده و با جهت گیری تحقق اهداف سازمان یهود تشکیل گردیده اند و تمام سعی و تلاش خود را نیز جهت تسهیل تحقق آن هدف بذل نموده اند، در این میان شما می توانید از رؤسای جمهوری مانند ویلسون، روزولت، ترومن و در سده های اخیر جیمی کارتر، رونالد ریگان، کلینگتون و جرج بوش و سایر دولتمردان آنها نام ببرید.

و ما برای روشن تر شدن این واقعت در ادامه به بخشی از اعترافات ایشان

اشاره می کنیم و جهت کسب اطلاعات بیشتر شمارا به مطالعه کتاب هایی که در این زمینه به چاپ رسیده است، دعوت می نمائیم. (۱)

دیدگاه صهیونیسم مسیحی در آمریکا

رؤسای جمهور گذشته آمریکا

ویلسون (۱۳ سپتامبر ۱۹۱۷):

خشنودی خود را از نتیجه پیشرفت جنبش صهیونیسم در ایالات متحده و کشورهای دوست از زمان اعلام آقای بالفور به نام دولتش مبنی بر تاسیس وطنی قومی برای یهود در فلسطین و وعده او مبنی بر اینکه دولت بریتانیا تمام سعی و تلاش خود را جهت تسهیل تحقق آن هدف بذل می کند، ابراز می دارم... "، "من خود به عنوان فرزند یک کشیش پروتستان در مقابل سرزمینهای مقدس و بازگرداندن آن به صاحبان اصلی آنها احساس وظیفه می نمایم.

روزولت (در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۴۴):

از گشوده شدن درهای فلسطین بر روی مهاجرت بی قید و شرط یهود و اسکان آنها همچنین از هر سیاستی که منجر به تاسیس کامل دولت یهودی دموکراتیک و آزاد شود حمایت می کنم و

ترومن: (۱۲ آوریل ۱۹۴۵) بعد از ترور روزولت با انتشار بیانیه ای اعلام کرد:

ص: ۱۸۵

۱- کتاب هایی چون مسیح یهودی و فرجام جهان (رضا هلال)، ید الله (گریس هالسل)، مثلث مقدس (اسماعیل شفیعی سروستانی)، آرمگدون (محمود النجیری)، پیشگوئی ها و سیاست (گریس هالسل) و پیشگوئی های آخرالزمان، ج ۱ و ۲، جمعی از نویسندگان، نشر موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف .

دیدگاه رسمی آمریکا در قبال فلسطین، دادن اجازه ورود هر چه بیشتر یهودیان به آنجا است تا جایی که ممکن باشد، تا زمینه برپایی دولتی یهودی در آنجا فراهم شود.

وی در سال ۱۹۴۷ قطعنامه تقسیم را پذیرفت و پس از تشکیل دولت غاصب اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ اعلام کرد: دولت نوپا و تازه تاسیس یهود (اسرائیل) را به رسمیت می شناسد.

ترومن خود شخصاً تورات را فرا گرفت، او به عنوان یکی از دانش آموزان تورات به توجیه تاریخی تاسیس وطن یهودی ایمان داشت و معتقد بود وعده بالفور در سال ۱۹۱۷ آرزوهای دیرینه دولت یهود را محقق ساخت. وی در این باره می گوید:

من کوروش هستم، من کوروش هستم، چه کسی می تواند کوروش را فراموش کند، کوروش کسی است که یهود را از تبعیدگاهشان در بابل به قدس باز گرداند.

رؤسای جمهور معاصر انقلاب اسلامی

جیمی کارتر: وی پس از انتخاب خود به عنوان ریاست جمهوری در نطقی در کنیسه اسرائیلی می گوید:

رابطه ما با مردم اسرائیل فراتر از یک رابطه ویژه است، مسئله هم سر نوشتی و هم پیمانی و نفوذ فرهنگ یهودیت است و ما چیزی شبیه وحدت، اخلاق، احکام و فرهنگ با شما یهودیان داریم.

کلینگتون:

با توجه به رؤیای قدیمی سرزمین موعود، دیدگاه خود را امروز به

ریگان: گرچه ریگان را در ابتدا به عنوان یک هنر پیشه سینمای وسترن هالیوود می شناسیم، ولیکن او بدلیل آن که مادرش از اهالی کلیسا و خود او نیز بخشی از دوران کودکی و نوجوانی خویش را تحت تعالیم مادر در کلیسا گذرانده است، از جمله رؤسای جمهور پابند و معتقد به انجیل و از مسیحیان صهیونیسم به شمار می رود که در دوران ریاست جمهوری خود زمینه های رشد فزاینده ی جنبش صهیونیسم مسیحی را فراهم نمود. وی در سخنرانی های متعددی به اعتقادات خود در زمینه آموزه های آخرالزمانی در ارتباط با ظهور مسیح بویژه نبرد آرمگدون اشاره می کند که به برخی از آنها اشاره می نمایم:

درسفر حزقیال می خوانیم، خداوند فرزندان اسرائیل را از میان بت پرستان بر خواهد گزید. آنها همگی یکبار دیگر به سرزمین موعود باز می گردند، این گفته پس از دوهزار سال محقق شد و برای اولین بار به نظر می رسد همه چیز در جای خود است، در انتظار آرمگدون و ظهور دوم مسیح.

در جایی دیگر می گوید:

اسرائیل همان دموکراسی ثابت، استوار و بی همتایی است که می توان به عنوان مکان وقوع آرمگدون به آن تکیه کرد.

همچنین در سال آخر ریاست جمهوری خود اظهار می دارد که:

آرزو دارم تا زمانی که رییس جمهور هستم وعده جنگ آرمگدون محقق شود و من اولین کسی باشم که خدا به من توفیق دهد تا دکمه شلیک سلاحهای هسته ای را به سمت کفار فشار دهم تا من اعلام جنگ آرمگدون را بنمایم.

جرج بوش: اما در مورد جرج بوش پسر که هم اکنون دوران ریاست جمهوری خود را سپری می نماید و اقدامات او و دولت وی از سال ۲۰۰۲ میلادی منشاء تحولات بیشمار سیاسی و حوادث تلخ جهانی از جمله انهدام برج های دوقلو، حمله به افغانستان و عراق به بهانه مبارزه با تروریسم و... بوده است، و اصرار وی بر اهداف و برنامه های استعماری و جنگ طلبانه خویش در دفاع از رژیم غاصب و اشغالگر قدس و به عبارتی "صهیونیسم یهودی" و... همه و همه ناشی از وابستگی شدید وی به القائنات و تفکرات عهد عتیق و فرهنگ تلمودی صهیونیسم مسیحی و یهود می باشد. لذا خود را از زمینه سازان ظهور مسیح به شمار می آورد و در موارد متعددی به این اعتقادات خود اشاره می نماید که:

حفظ امنیت اسرائیل در اولویت کارماست.

ما از سوی خداوند مأموریت یافته ایم تا به نام مسیح و مسیحیت وارد جنگی صلیبی با مسلمانان شویم.

کما اینکه می گوید:

هر که با ماست با ماست و هر که با ما نیست علیه ماست (نبرد خیر و شر در پیشگویی های آخرالزمانی)

و صدها گفته و اقدام وی در حمایت از اسرائیل و مخالفت با جمهوری اسلامی ایران همگی گواه روشنی بر این واقعیت است. در خاتمه این بحث در بیان دیدگاه های دولتمردان و تئوریسینهای معروف آمریکایی و انگلیسی نیز به ذکر چند مورد بسنده می کنیم (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل)

گری باور (تئوریسین راست مسیحی صهیونیسم):

از ابتدا دست خداوند بر سر آمریکایی ها بوده و حد اقل بخشی از موفقیت های کشور توسط جرج بوش مرهون عنایت خداوند است.

وی معتقد است که:

جرج بوش از سوی خداوند اجازه ماموریت های خویش را برای رهبری آمریکا و جهان دریافت کرده است.

ریچارد نیکسون (کتاب پیروزی بدون جنگ):

اسرائیل کشوری است با جمعیتی حدود ۲ میلیون نفر که بیش از یک چهارم کل بودجه ما را دریافت می کند.

ما ظرف ۴۰ سال گذشته دستاوردهای بزرگی در این منطقه (خاورمیانه) داشتیم، حیات اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ تضمین کرده ایم، تعهد در مقابل اسرائیل تعهدی ریشه دار است ما متحدان رسمی نیستیم ما چیزی قویتر از یک ورق کاغذ با هم پیوند داریم یک تعهد اخلاقی است که هیچ رئیس جمهوری آن را در گذشته زیر پا نگذاشته و هر رئیس جمهوری در آینده از روی ایمان آن را محترم خواهد شمرد.

وی همچنین می گوید:

ص: ۱۸۹

آمریکا هرگز اجازه نخواهد داد دشمنان قسم خورده اسرائیل به هدفشان که نابود کردن این کشور است دست یابند، گذشته از دلایل اخلاقی دلایل قوی دیگری برای حمایت ایالات متحده از اسرائیل وجود دارد.

راجر جیسون (سناتور کنگره آمریکا):

آمریکا به این خاطر با برکت است که ما یهودیان پناهنده به کشورمان را پذیرفتیم و به آن احترام می گذاریم و از اسرائیل دفاع می کنیم زیرا ما به حق اسرائیل درسزمین فلسطین اعتراف کرده ایم.

خانم رایس:

امروز کلید امنیت جهانی اسرائیل است.

تونی بلر:

ما موظف و مکلف به حفظ امنیت اسرائیل هستیم.

البته در این خصوص مطالب فراوانی برای بیان آنها وجود دارد و می توان به اظهارنظرهای متعددی اشاره نمود، که ما از ذکر آن ها خودداری نموده ایم.

۳. فروپاشی دولت عثمانی و تجربه کشورهای مقتدر اسلامی و اروپائی

همان گونه که اشاره شد، یهود برای فتح قدس خویش در قلب دولت بزرگ عثمانی می بایست با ایجاد شکاف، راه نفوذ خود را هموار نماید؛ بنابراین تمام تلاش خود را برای فروپاشی این دولت بزرگ و نیز تجزیه ی کشورهای مقتدری مانند ایران و برخی دولت های اروپائی (با راه اندازی دو جنگ جهانی توسط هیتلر) به کار بست تا با

ص: ۱۹۰

برنامه های مدون خود در پروتکل ها دانشوران صهیونیسم به این مهم هم نائل آمده و موفق گردید تا سرانجام شرایط و زمینه های لازم را فراهم آورده و در سال ۱۹۲۵ میلادی شاهد فروپاشی و تجزیه ی دولت عثمانی باشد و به دنبال آن با نفوذ در دربار سلاطین ایران، بخش های زیادی از این کشور را نیز از آن جدا نماید و بدین ترتیب از شکاف عمیق به وجود آمده زمینه های تشکیل دولت غاصب اسرائیل را فراهم آورد.

۴. تحقق اولین گام استراتژی یهود (فتح قدس)

با تشکیل دولت اسرائیل در سرزمینهای اشغالی (۱۹۴۸ میلادی)

تلاش دولت مردان آمریکایی (صهیونیسم مسیحی) با هدایت و همراهی سازمان یهود (صهیونیسم یهودی) سرانجام موفق گردیدند تا با فراهم آوردن زمینه های مهاجرت گسترده و بی قید و شرط یهودیان از سراسر کشور های اروپایی و آسیایی و نیز از اتحاد جماهیر شوروی سابق به سرزمین های اشغالی تا سال ۱۹۴۸ میلادی و فراهم آوردن شرایط زندگی در آن دیار، با خریداری بخش وسیعی از زمین های اطراف و نیز با اعمال فشار، تهدید، ارباب و در بسیاری موارد با قتل عام و کشتار و اخراج وسیع ساکنین آن سرزمین و مردم مظلوم فلسطین، نسبت به اشغال و تشکیل دولت غاصب اسرائیل اقدام و بدین ترتیب با تحقق اولین گام استراتژی یهود (فتح قدس)، سازمان یهود ضمن علنی کردن خود، از تقیه

خارج شده و ضمن استحکام بخشیدن و استقرار کامل دولت نو پای اسرائیل، تلاش خود را نیز جهت تحقق گام دوم و توسعه آن در محدوده نیل تا فرات (تشکیل خاور میانه بزرگ با محوریت اسرائیل) آغاز کرد. که در ادامه به سیر این حرکت سازمان یهود (صهیونیسم) خواهیم پرداخت.

۵. ایجاد استحکامات بمنظور تحقق گام دوم استراتژی (نیل تا فرات)

از طریق تشکیل دولتهای وابسته توسط حاکمیت‌های پنهان (جمعیت‌های فراماسونری و کلوپ‌های روتاری)

با تشکیل دولت غاصب اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی، و آغاز اعتراضات گسترده مردمی در اغلب کشور های عربی، سازمان یهود برای کنترل این جریان و حوادث احتمالی، در خلال سالهای ۱۹۴۸ میلادی تا ۱۹۷۸ میلادی بمدت ۳۰ سال، تمام تلاش خود را صرف نمود تا بتواند ضمن مقابله با خواسته‌ی بحق مردم مظلوم فلسطین و اعتراضات گسترده مردمی در سایر کشور های اسلامی و همجوار، همگام با توسعه سرزمینی خود با ساخت شهرک‌های یهودی نشین و تغییر وضعیت بومی ساکنان آن دیار به نفع یهودیان مهاجر و... موفق گردید تا نسبت به تفسیر موضوع ایشان و تبدیل آنها به دولت‌های هموار و جداره‌های استحکاماتی خود در راستای اهداف نژادی صهیونیسم پردازد.

به همین جهت همزمان “سازمان یهود” با بهره‌گیری از عوامل نفوذی خود در قالب

“جمعیت های فراماسونری” و “کلوپهای روتاری”^(۱) تحت عنوان “حاکمیت های پنهان”^(۲) و با هدایت صهیونیسم یهودی آرام آرام با نفوذ در سیستم مدیریتی دولتهای عربی و ارتقاء به سطح کلان مدیریتی و دست اندازی به پست های حساسی مانند: نمایندگی مجلس، وزرا، مدیریت سیستم اقتصادی، تجاری و نظامی به سرعت زمینه های وابستگی دولتهای مطبوع خویش به استکبار جهانی و در واقع صهیونیسم بین المللی (مسیحی و یهودی) را فراهم آورده و به مرور این کشورها را به چرخ دنده های حرکتی سازمان یهود (اسرائیل) برای نیل به اهداف شوم و نژادی قوم یهود تبدیل نمودند، لذا با این تغییر رویکرد آشکار آنها با گذشته قریب ۳۰ سال به همپیمانان نظامی و اقتصادی رژیم اشغالگر قدس مبدل شدند و خود در زمره حامیان و استحکامات یهود برای نیل به تحقق گام دوم

ص: ۱۹۳

-
- ۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص جمعیت های فراماسونری و کلوپ های روتاری در ایران می توانید به مقالات منتشر شده از طرف موسسه کیهان، که در قالب کتاب نیز چاپ شده است مراجعه نمایید.
 - ۲- این گروه که متشکل از روشنفکران غرب زده و تحصیل کردگان دانشگاه های آمریکا و اروپا می باشند با نفوذ در سیستم مدیریتی نظام سیاسی-اجتماعی کشور های متبوع خود با ارتقاء به سطح بالای مدیریتی مانند وکلای مجلس، مدیران اقتصادی و تجاری، وزرا و... آرام آرام تعیین کننده سیاست های کلان کشور های خود و با عنوان لابی یهودی ایفای نقش می نمودند و تاثیر عمده ای را در وابستگی این نظام به اربابان آمریکایی و یهودی خود داشتند.

استراتژی آنان و تشکیل دولت بزرگ یهود در گستره نیل تا فرات، قرار گرفتند.

از این رو تا سال ۱۹۷۸ میلادی و قبل از آغاز انقلاب اسلامی در ایران، اسرائیل (یهود) که تا این زمان به تمامی اهداف از پیش تعیین شده خود با موفقیت دست یافته بود، رویای نیل تا فرات را در ذهن خود پرورش می داد و خویش را در آستانه "دولت بزرگ یهود" و یا به عبارت دیگر "خاور میانه بزرگ یهود" می دید. و در خیال باطل خود در پروتکلها اینگونه قلم فرسائی می کنند که "اکنون ما در آستانه فرمانروائی بر کل عالم قرار داریم".

"غافل از آنکه در درون یکی از همین حاکمیت های پنهان و قوی ترین حلقه فراماسونری سازمان یهود (رژیم شاه) جریان بیداری نیز در ایران و با ورود امام خمینی قدس سره الشریف به صحنه سیاست بین المللی و با هدایت فقهای بزرگوار شیعه همراه با جریان اصیل امامت و در سایه ولایت اهل بیت علیهم السلام به سرعت به نقطه اوج و کمال خود نزدیک می شود".

با این وضع شما می توانید شرایط سیاسی و اجتماعی دولت غاصب فلسطین (اسرائیل) در سال ۱۹۷۸ میلادی را به صورت زیر مشاهده نمایید.

تصویر شماره (۳)

ص: ۱۹۴

اما این وضعیت با ورود امام به صحنه سیاست بین المللی و بیداری تشیع، دوام نیاورده و با آغاز انقلاب اسلامی (حاکمیت تشیع در ایران) سازمان یهود تاکنون سیر معکوس حرکت خود را هر روز بیش از پیش نظاره کرده است و تلاش های ایشان نیز تاکنون برای نجات آنان نتیجه ای را به دنبال نداشته و نخواهد داشت. ان شاءالله که در ادامه و در فصل بعد به توضیح بیشتر آن خواهیم پرداخت.

فصل ششم: رویارویی دوباره اسلام با صهیونیسم (سازمان یهود)

اشاره

“وضعیت فعلی صهیونیسم مسیحی”

ص: ۱۹۷

با گذشت قریب به ۲۸ سال از آغاز انقلاب اسلامی و تغییر مسیر معادلات جهانی به نفع اسلام و زنده شدن امید به ظهور منجی عالم بشریت در نزد مردم جهان به ویژه مسلمانان، صهیونیسم مسیحی که برای رسیدن به اهداف شوم خود (حاکمیت نژاد یهود) سناریوی ظهور مسیح را پس از نبرد مقدس آرمگدون تدارک دیده بود، و به گمان باطل خویش جهت تحقق شرایط و زمینه های این ظهور تلاش می کرد، با آشکار شدن منویات پلید سازمان یهود (صهیونیسم جهانی)، جهت گیری افکار عمومی جهان به سرعت تغییر یافته و نه تنها در بین مسلمانان، بلکه در نزد مسیحیان و تمامی مردم جهان نیز وجهه ی خود را از دست داده است، لذا مذبوحانه تلاش می کند تا با بهره گیری از تمامی امکانات و ابزار ممکنه ای که در اختیار دارد، راه گریزی را برای فرار از این بحران و

تحقق هرچه سریع تر اهداف پلید خود پیدا کرده و قبل از آن که اجماع جهانی علیه ایشان، حلقه ی محاصره را کاملاً بر آن ها تنگ کند، بتوانند پتانسیل لازم را جهت جلوگیری از ظهور منجی موعود اسلام فراهم آورند و با راه اندازی جنگ آرمگدون (نبرد خیر و شر)^(۱)، خود را در آستانه ی هزاره ی خوشبختی و تحقق حاکمیت جهانی نژاد یهود، ببینند.

گرچه اقتدار انقلاب اسلامی و عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواب آشفته ی ایشان را به سرابی مبدل کرده است و تلاش آنان جز “يُخْرَبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ^(۲)” چیز دیگری را نصیب آن ها نخواهد کرد، اما بیداری هرچه بیشتر دنیای اسلام، لازمه ی استمرار این وضعیت تا تحقق کامل شرایط ظهور منجی عالم بشریت عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی آمادگی و پذیرش جهانی، می باشد.

لذا حفظ آمادگی روزافزون، مستلزم شناخت کامل وضعیّت کنونی ایشان و شناخت ابزار و امکانات و توان سیاسی، اجتماعی، نظامی و... و نیز تلاش های مستمر آنان در پیگیری اهداف خود می باشد که در حد اختصار به آن خواهیم پرداخت.

ص: ۱۹۹

۱- بوش: هر که با ماست، با ماست و هر که با ما نیست، علیه ماست.

۲- حشر: ۲؛ “خانه های خود را بدست خویش ویران می کردند”.

هدایت اهل بیت علیهم السلام که، ضمن حرکت اصیل خویش با “تربیت، تقویت و حفظ شیعه” طی سالیان متمادی، تلاش بی وقفه ای را آغاز کرده بود با آغاز غیبت کبری، این مسیر پرتلاطم را در ظل توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به دست با کفایت فقه‌های عظیم الشأن اسلام سپردند تا جریان امامت هم چنان به مسیر خود ادامه دهد و تشیع بتواند با رشد و تقویت خود مانند خونی پاک و مطهر در رگ‌های جامعه‌ی اسلامی ادامه یابد تا آماده‌ی پذیرش تمامی زحماتی باشند که در طلیعه‌ی ظهور به آن نیاز است. و آن گاه که این حرکت در مسیر پرتلاطم خود به رشد و بلوغ خویش رسید با رهبری حضرت امام قدس سره الشریف و با پیروزی انقلاب اسلامی، موجب گردید تا که ناگهان به یک باره در حلقه‌های استحکاماتی یهود شکاف عمیقی ایجاد گردیده و ایران اسلامی از این گردونه خارج شود. با خرد شدن و خارج شدن این چرخ دنده از دایره‌ی سایر چرخ دنده‌های این استحکامات، آن‌ها نیز دچار دگرگونی و تلاطم شدند. زیرا با شکسته شدن قوی‌ترین حلقه‌ی پنهان فراماسونری (۱) و

ص: ۲۰۰

-
- ۱- فراماسونری در واقع همان سازمان متفکری است که روتاری را تشکیل می‌دهد و روتاری حکم چرخ دنده را ایفا می‌کند.
۴. جهت اطلاع بیشتر از وضعیت و شخصیت‌های جمعیت فراماسونری و کلوپ‌های روتاری در ایران می‌توانند به کتب منتشره از طرف موسسه کیهان مراجعه نمایند.

روتاری (ایران)، سازمان یهود دیگر نتوانست آن را جمع نماید و با خرد شدن این حلقه، سایر چرخ دنده ها نیز از مدار خارج شده و به سرعت شروع به خرد شدن کردند و دیری نپائید که تمامی حلقه های استحکاماتی یهود با خارج شدن از مدار اصلی خود رویارویی دوباره ای را در سطح مردمی و بعضاً دولتمردان برخی از کشور ها مانند سوریه، لبنان و... را با خواسته های صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی آغاز نمودند.

بنابراین شوک انقلاب اسلامی چنان استکبار جهانی (صهیونیسم یهودی و مسیحی) را آشفته کرده است که تاکنون هیچ گاه نتوانسته است عاقلانه تصمیم بگیرد و اشتباهات مکرر ایشان، آنان را تا مرز نابودی و جنون پیش برده است و خواهد برد. إن شاء الله

آری، دشمن که سرمست از پیشرفت برنامه های از پیش تعیین شده خود در نیم قرن گذشته، خود را در اوج قدرت می دید با پیروزی انقلاب اسلامی، اولین اشتباه بزرگ خود را مرتکب شده و به جای مرمت و بازسازی بزرگترین و قدرتمند ترین حلقه فراماسونری خود (ایران) نه تنها به مقابله با آن پرداخته بلکه بر سرعت اقدامات خود

نیز افزودند تا شاید بتوانند با تحقق سریع حاکمیت بر "نیل تا فرات"، "دهکده ی جهانی" را در پیش روی خود ببینند، غافل از آن که این سرعت جز خرد شدن هرچه سریع تر و بیشتر سایر حلقه ها و دور شدن آنها از محور و مدار اصلی خود (اسرائیل)، ثمری را به دنبال نخواهد داشت، چنانچه تنها پس از گذشت چند سال، با متلاشی شدن پی در پی این حلقه ها، به ناگاه در ترکیه و الجزایر با پیروزی اسلام گراها در انتخابات داخلی، ترور انورسادات در مصر و مشکلات حاصله از آن طی ۲۵ سال گذشته در این کشور، نابودی رژیم آپارتاید و نژادپرست آفریقای جنوبی، به قدرت رسیدن ملک عبدالله و حافظ اسد در عربستان و سوریه و مهم تر از همه عملیاتی شدن پدیده حزب الله پس از اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ که چون انبار مهماتی نهفته در آن سرزمین (۱) به ناگاه منفجر شده و ترکش آن دولت غاصب اسرائیل را تا پشت مرزهای سال ۱۹۴۸ خود و در پشت دیوارهای (به اصطلاح امنیتی) حائل پنهان و محصور نموده و چنان حلقه ی محاصره را بر صهیونیسم تنگ کرده است، که با استمرار این وضعیت و ایستادگی هر چه

ص: ۲۰۲

۱- حزب الله لبنان در واقع همان شیعیان تربیت شده ی ابوذر غفاری در تبعید به ربذه یا جبل آمل امروز می باشند که در زمان تبعید وی به شام در زمان عثمان و حکومت معاویه، تربیت شده و به رشد و تقویت خود پرداخته بودند.

بیشتر حزب الله در آینده ای نه چندان دور، چاره ای جز پناه آوردن به آب های مدیترانه و یا تسلیم و نابودی کامل چاره دیگری، نخواهند داشت.

سازمان یهود پس از پیروزی انقلاب اسلامی با پیش بینی اوضاع تلخ و آینده تاریک خود، برای کنترل و نابودی آن، بلافاصله عملیاتی شده و تمام توان خود را با، ترورهای گسترده علیه نیروهای کارآمد و مسئولین نظام همچون “شهادی محراب”، “حزب جمهوری”، “شهیدان رجائی و باهنر” و... آغاز کردند. ولی پاسخ امام و امت بیدار ایران به همه ی این جنایت ها یک کلمه بیشتر نبود “بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می شود”. لذا پس از ناکامی در این مرحله (۱)، بلافاصله با عملیاتی کردن یکی دیگر از حلقه های فراماسونری و استحکامات خود یعنی “رژیم بعث عراق”، جنگ تحمیلی را علیه ایران اسلامی آغاز کردند تا شاید به گمان خود نیروهای مخلص انقلاب و پیکره ی سازمان قدرتمند شیعه را از بین ببرند، که در این اقدام نیز نه تنها توفیقی به دست نیاوردند، بلکه زمینه هائی را فراهم آورد که سازمان شیعه روز به روز کارآزموده تر و توانمند تر از گذشته به حرکت خود

ص: ۲۰۳

۱- به منظور کنترل انقلاب اسلامی و ایجاد سدّی محکم در مسیر تهاجمی ایران در مقابله با صهیونیسم جهانی

ادامه دهد. از این رو پس از مواجه شدن با ناکامی های مکرر خود در این امر با ارتکاب دومین اشتباه بزرگ خود در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲ میلادی) و بدنبال فتح خرمشهر توسط سپاه اسلام و توجه افکار عمومی جهان به سوی ایران اسلامی، با حمله به لبنان و اشغال آن سرزمین، به گمان خویش مرحله ی دوم عملیات جهانی سازی برای توسعه حاکمیت رژیم غاصب صهیونیسم یهودی (اسرائیل) در گستره ی نیل تا فرات را آغاز نمود.

ولی در لبنان نیز پدیده حزب الله و عملیاتی شدن آنان (مالک اشتر) علیه سازمان یهود و باقی ماندن نیروهای آموزشی سپاه اسلام در کنار ایشان در جنوب لبنان و آغاز عملیات نظامی و استشهادی حزب الله علیه صهیونیست و سازمان یهود در فلسطین اشغالی، (به دنبال تدبیر زیبای حضرت امام قدس سره الشریف که فرمودند: "راه قدس از کربلا می گذرد") به سرعت با انتفاضه ی مردم فلسطین در آن سرزمین همراه گردید تا جائیکه سازمان یهود و صهیونیسم بین الملل چاره ای جز فرار نداشتند و مجبور به عقب نشینی و استقرار در مرزهای قبلی خود (اراضی تقسیم شده در سال ۱۹۴۷ میلادی) و سپس ایجاد "دیوار حائل" (برای در امان بودن از حملات مداوم حزب الله و انتفاضه مردم فلسطین و...) گردیده است. بنابراین هم اکنون این گونه تداعی می گردد که مالک اشتر شیعه یک بار دیگر در تاریخ خود،

در جداری قدس (موتۀ) مستقر و حلقه ی محاصره را بر یهود به شدت تنگ کرده اند تا با فشارهای مکرر خود از یک طرف و حمایت های بی دریغ جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر، این رژیم اشغالگر و صهیونیسم بین الملل را در معرض نابودی کامل قرار دهند. (۱)

در جبهه ایران اسلامی نیز به لطف عنایت های حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیشرفت های مستمری که در سایه ی استقامت و پایداری و فداکاری و تحمل تمامی مشکلات و مشقات سیاسی، اجتماعی به ویژه تحریم های مستمر اقتصادی نصیب امت بزرگوار اسلامی ایران گردیده است، به سرعت می رود تا نوید بخش فرج و زمینه ساز ظهور آخرین منجی عالم بشریت مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و با زمین گیر نمودن دشمن تا دندان مسلح صهیونیسم جهانی و در محاصره قرار گرفتن آن به منظور فراهم شدن فضای امن ظهور و آمادگی روز افزون سازمان شیعه و جهان اسلام و حتی سایر جوامع بشری، زمینه را برای

ص: ۲۰۵

۱- در قدس فشارهای روز افزون حزب الله از شمال، جنبش حماس از جنوب و ایجاد اجماع جهانی علیه یهود با پشتیبانی همه جانبه ی ایران اسلامی از فلسطین عزیز با رهبری خردمندانه ی حضرت امام و رهبر معظم انقلاب، این رژیم و در واقع سازمان یهود را به سمت نابودی کامل و آزاد شدن دنیای اسلام و حتی جهان از فتنه انگیزی های این قوم نژادپرست سوق می دهد. ان شاء الله

پذیرش ظهور منجی موعود عالم بشریت مهیا نمایند. انشاءالله

از این رو پس از پیروزی انقلاب، اقدامات سه گانه ی یهود هیچ کدام کارساز نگردیده و در ترورها نیز با ناکامی مواجه شدند، جنگ تحمیلی جز استحکام و پیروزی و در نتیجه کارآزموده تر شدن سپاه اسلام در نبردهای سنگین نظامی، اثر دیگری را به دنبال نداشت، استحکامات تعبیه شده یهود نیز همگی یکی پس از دیگری نه تنها متلاشی شده، بلکه خود آرام آرام در حال تبدیل شدن به اجماعی علیه یهود گردیده اند، تحریم های اقتصادی هم ثمری جز شکوفائی استعداد ایرانی و موفقیت های پی در پی مبتکرین و دانشمندان جوان ایرانی در صحنه های علمی، فرهنگی، اجتماعی و بین المللی را به دنبال نداشته و سرانجام نیز عوامل نفوذی ایشان جز ناکامی چیزی را برای آنها به ارمغان نیاورده اند.

تا جایی که پس از درماندگی ارتش بعث عراق در مقابله با ایران اسلامی، استکبار جهانی (صهیونیسم) به خیال خام خویش، خود مستقیم وارد معرکه شد تا بتواند به گمان باطل خود با جبران ناکامی های رژیم تا دندان مسلح صدام، اقتدار خود را به رخ ایران اسلامی بکشد تا شاید سد محکمی را در این میان برای مقابله با انقلاب اسلامی ایجاد کند و در نتیجه فضائی امن را

ص: ۲۰۶

برای رژیم اشغال گر قدس (سازمان یهود)، فراهم نماید تا موفق گردد با بازسازی توان از دست رفته، به اهداف خود یعنی تشکیل خاورمیانه ی جدید با مرکزیت قوم به اصطلاح “برگزیده ی خداوند” و برداشتن آخرین گام برای تحقق ظهور دوم حضرت مسیح علیه السلام یعنی راه اندازی جنگ به اصطلاح مقدس آرمگدون (در دیدگاه ایشان) را، بردارد.

غافل از آن که اقتدار جمهوری اسلامی با پشتوانه ی ۷۰ میلیون ملت بزرگوار ایران اسلامی، چنان آنان را به خاک مذلت و خواری خواهد نشاند که حتی نتوانند سپاه اندک اما فداکار “حزب الله” را هم در سایه ی با آن همه قدرت پوشالی که به گمان خود “از مجهزترین و قدرتمندترین ارتش های جهان به شمار می رود”، از پای در آورند و هم چنان پرچم عظمت اسلام و تشیع در مویه برقرار و کماکان برافراشته بماند و مالک اکثر انقلاب اسلامی (حزب الله) با استقامت خویش گام به گام خود را به خیمه گاه معاویه (یهود) نزدیک تر نماید و نویدبخش نابودی قریب الوقوع آن ها باشند.

حضور استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و انگلیس در عراق نیز علاوه بر آنکه اقتدار رژیم بعث را لگدمان خود کرد، که خود به باتلاقی برای صهیونیسم بین الملل (یهودی و مسیحی) مبدل گردید تا هم چنان در آن دست و پا زده و هر روز در لجن زاری که خود پدید آورنده ی

آن بودند تا نابودی کامل ایشان پیش بروند و ...

اما باید به این نکته توجه داشت صهیونیسم جهانی که هم اکنون با گرفتار آمدن در باتلاق عراق و افغانستان، توان نظامی خویش را کاملاً تحلیل رفته می بیند با سعی در پنهان نمودن ضعف نظامی خویش، عملیات روانی گسترده ای را در مقابله با انقلاب اسلامی و بیداری جهانی بمنظور جلوگیری از پدید آمدن "اجماع جهانی" که به سرعت علیه آنان در حال شکل گرفتن است، آغاز نموده است تا شاید بتواند با قدرت رسانه ای و سلطه سیاسی-اقتصادی خود که در حال حاضر در اختیار کشیش های صهیونیسم مسیحی و سردمداران "سازمان ائتلاف راست مسیحی" می باشد با درهم شکستن این اجماع، از تمام ظرفیت و پتانسیل موجود خویش جهت مقابله با پدیده ظهور استفاده کند و در این مسیر سعی در تحریک عواطف و احساسات چند میلیارد مسیحی و حتی پیروان سایر ادیان به بهانه "ظهور حضرت مسیح علیه السلام و موعود جهانی بشر" را داشته تا با استفاده ابزاری از دین و آموزه های آخرالزمانی آن بتواند به هدف نهایی خویش که همانا "ایجاد پتانسیل و استحکامات لازم برای مقابله با پدیده قریب الوقوع ظهور منجی عالم بشریت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف" می باشد، نائل آمده و آمل و آرزو های سه هزار ساله نژاد پرستانه خود را در آستانه به

ص: ۲۰۸

اصطلاح “هزاره خوشبختی و بهشت دنیایی موعود یهود”، محقق نماید.

لذا در بخش پایانی این بحث سعی داریم تا با ترسیم وضعیت فعلی “صهیونیسم مسیحی” و شناخت هر چه بیشتر اهداف و برنامه های آنان بحث خود را در زمینه “دشمن شناسی” به پایان رسانده و با حفظ آمادگی کامل خود، گام پایانی را در زمینه سازی ظهور آن غائب از نظر ها با اتخاذ تدابیر خردمندانه و آگاهانه خویش را همراه همگام با مقام عظمای ولایت با موفقیت برداریم. ان شاء الله

وضعیت فعلی صهیونیسم مسیحی

وضعیت فعلی صهیونیسم مسیحی (۱)

صهیونیسم مسیحی که خود ساخته و پرداخته ی سازمان یهود و صهیونیسم جهانی می باشد، امروزه علاوه بر آن که بر شبکه های وسیعی از نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی آمریکا و

ص: ۲۰۹

۱- لازم به ذکر است که مطالبی که در این فصل به آن پرداخته شده است، برگرفته از دهها کتاب، مجلات مهدوی و ماهنامه های تخصصی، روزنامه ها، مقالات، نرم افزارهای مهدوی و صدها برنامه پخش شده در این زمینه از طریق رسانه های مختلف می باشد که به این موضوع پرداخته اند و ما در خلال بحث به مواردی از آنها اشاره خواهیم نمود و چنانچه خوانندگان محترم علاقه مند به کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می باشند می توانند به کتاب های مسیح یهودی و فرجام جهان ، تاریخ پیدا و پنهان آمریکا ، یدالله ، آرمگدون ، پیشگویی ها و سیاست ، پیشگوییها و آخرالزمان ، ماهنامه موعود ، ماهنامه تخصصی موعود شرق و... مراجعه نمایند.

اروپا (استکبار جهانی) احاطه دارد، با در اختیار داشتن امپراطوری عظیم رسانه ای از جمله ماهواره ها، اینترنت، رسانه های عمومی و تلویزیونی، روزنامه ها و هزاران وسیله ی ارتباط جمعی و با راه اندازی کلیساهای تلویزیونی، تبلیغات وسیعی را در معرفی اهداف و منویات پلید خود و با مقدس جلوه دادن آن شروع کرده و در صدد سوء استفاده از احساسات پاک میلیاردها مسیحی و پیروان ادیان الهی، حتی پیروان آئین یهود در سراسر جهان می باشند.

لذا ضمن معرفی ایشان به بخشی از این امپراطوری اشاره کرده و جهت شناخت بهتر جریان صهیونیسم مسیحی به دو تعریف از این جریان سیاسی _ اجتماعی در ادبیات سیاسی امروز اشاره می کنیم:

۱. نام و عنوان حمایت فعالی است که از سوی مسیحیان پروتستان از جنبش صهیونیسم (سازمان یهود) به عمل می آید که در آمریکا به "ائتلاف راست مسیحی" موسوم می باشند.

۲. به گروه های قدرتمند و مسلط بر شبکه های گسترده ای از کلیساهای آمریکائی، رسانه ها، سیاستمداران، سازمانهای نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بخش زیادی از مسیحیان این

کشور به خاطر حمایت از اسرائیل اطلاق می گردد.

سازمان ائتلاف راست مسیحی آمریکا که توسط کشیش های مسیحی پروتستان "موسوم به کشیش های تلویزیونی" اداره می گردد، ریاست آن به عهده ی کشیش "پت رابرتسون" می باشد که از همکاران وی می توان از: کشیش جری فالول، جولی آروین، جیمز بیکر، جیمی سوهارت (شوگرت)، اورال رابرتز، کوبلاند، ریچارد دی هان، لندی گراهام و دهها کشیش دیگر... نام برد.

با توجه به تفکر و اعتقادات حاکم بر این سازمان آنان معتقدند که:

اراده ی الهی در ایجاد اسرائیل نمودار گشته و خداوند هر کسی که اسرائیل را یاری کند، یاری می کند و با هر کس که نسبت به آن عداوت ورزد، دشمنی می کند.

ایجاد اسرائیل به طور حتم باعث وقوع شرط بازگشت دوباره ی مسیح می باشد و دفاع از اسرائیل عمل مذهبی و جزئی از اصول عقاید است و صرف اتخاذ یک موضع سیاسی بر حوادث متغیر تأثیر نمی گذارد.

اسرائیل تجلی خداوند و مجسمه ی نعمت های او برای نجات فرزندان بشریت است.

ایشان در حمایت از اسرائیل و برتری قوم یهود به عنوان ملت برگزیده خداوند تا جائی پیش رفته اند که در زمینه ی قوانین مصوب در سازمان ملل و یا سایر مجامع جهانی در ارتباط با مسائل بین المللی به ویژه پیرامون اسرائیل معتقدند که:

قوانین موضوعه ی بین المللی، اسرائیل را شامل نمی شود، زیرا اسرائیل با همه ی رژیمهای سیاسی دیگر عالم تفاوت دارد، وجود اسرائیل تجسم اراده ی خداست نه حاصل ارضای نیاز بشری و تنها وجوب و شمول خواست و مشیت الهی می تواند اسرائیل را در بر بگیرد که در کتب مقدس آمده و آشکارترین نمونه ی آن “وعده ی خداوند برای ملت برگزیده ی اوست.

عجیب تر آن که در زمینه ی مسائل خاورمیانه و تصمیم گیری پیرامون آن در نزد سیاستمداران کاخ سفید و شورای امنیت ملی آن کشور می بایست قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی ابتدا با اعتقادات مبتنی بر پیشگوئی های آخرالزمانی تطبیق داده شوند و در صورت مطابقت، تصمیم و موضع گیری متناسب در ارتباط با آنها صورت گیرد.

در این خصوص خانم “_گریس هالسل_” در کتاب پیشگوئی ها و سیاست می گوید:

هر بار که اعضای شورای امنیت ملی جهت تصمیم گیریهای راجع به خاورمیانه، دور هم جمع می شوند، نماینده ی کلیسای انجیلی جهت تطبیق تصمیمات با اعتقادات مبنی بر پیشگوئی های تورات و تفاسیر جنگی که این کلیسا وضع کرده است، دعوت می شود.

وی می گوید:

حتی بعد از انتخاب هریک از رؤسای جمهور آمریکا، یک نفر از نمایندگان این کلیسا، ریاست این کشیشان را در انجام تحلیف و

سوگند قانون اساسی به عهده می گیرد.

به عنوان نمونه در خصوص جنگ عراق در سال ۲۰۰۲ میلادی با توجه به آن چه که در ادبیات لاهوتی و پیشگوئی های توراتی آمده است که: "در سرزمین بابل جنگی آغاز می شود و پادشاه بابل از تخت سرنگون و آن سرزمین آزاد می شود." جزئیات این جنگ در نشست سالیانه ی ۲۰۰۲ در کانادا بین اعضای اجلاس مسیحیت صهیونیسم مطرح و در این نشست آخرین تحولات مهم و کلان در مناطق استراتژیک جهان بررسی و پس از مطرح شدن پیشگوئی ها وسیعی در ایجاد و برقراری تطابق بین حوادث و پیشگوئی ها، مسئله ی "مرگ حیات اممی (۱)" را مطرح و آن را پیش زمینه ی ظهور حضرت مسیح علیه السلام می دانند و سپس مجوز اشغال آن کشور را صادر نمودند.

از این رو بوش، رئیس جمهور آمریکا قبل از اشغال عراق اظهار داشت که: ما با اراده و خواست خداوند وارد این جنگ می شویم.

اما در ادامه و به طور خلاصه برای معرفی هر چه بیشتر "صهیونیسم مسیحی"

ص: ۲۱۳

۱- حیات اممی یعنی جهان دیگر نباید تکه تکه و کشور کشور باشد و باید به صورت یک دهکده درآید و نباید تصمیمات پراکنده گرفته شود، بلکه باید یک عقل واحد باشد و آن عقل آمریکاست. به همین جهت تک روی آمریکا در حمله به عراق و سایر مسائل بین المللی بر همین اساس صورت می گیرد و از ضرورت های پیش زمینه ی ظهور حضرت مسیح علیه السلام توسط ایشان مطرح می گردد.

جهان می توان اعتقادات آنان و سازمان ائتلاف راست مسیحی را در محورهای زیر بر شمرد:

۱. نبرد دائم خیر و شر تا نابودی کامل نیروهای شر (در دیدگاه آنان مسلمانان کافر)؛

۲. ظهور حضرت مسیح علیه السلام برای نجات بشریت (نژاد قوم یهود) و وظیفه ی مسیحیان در ایجاد شرایط مربوطه؛

۳. ظهور منجی در صورت کنترل فلسطین توسط یهودیان؛

۴. مسلمانان به عنوان دشمن مشترک (شر) محسوب می گردند؛

۵. جنگ آخرالزمان (آرمگدون) با مسلمانان (محور اهریمنی) به عنوان مقدمه ی ظهور مسیح علیه السلام محسوب می گردد.

به همین جهت است که کشیش "پت رابرتسون" به عنوان رهبر ائتلاف راست مسیحی آمریکایی و نیز "صهیونیسم مسیحی" جهان در بیان اعتقادات خود در این خصوص می گوید:

تولد دوباره ی اسرائیل تنها نشانه ی آغاز شمارش معکوس در فرجام و نهایت هستی است و مابقی پیشگوئی های کتاب مقدس با تولد اسرائیل به سرعت شروع به تحقق پیدا کرد... بازگشت قدس به یهود یکی از مهم ترین حوادثی است که در زمان ما به وقوع پیوسته است و دوره ی غیر یهود به فرجام و پایان خود نزدیک شده است.

آنگاه وی در بیان جایگاه سازمان متبوع خود (ائتلاف راست مسیحی) در عرصه ی

سیاست ایالات متحده آمریکا مدعی است که:

ما ابتدا و نه انتهائیم.... در نظام سیاسی در رأس هرم و نه در قاعده ی آن قرار داریم، در پایان دهه ی نود، ائتلاف مسیحی بزرگ ترین قدرت تأثیرگذار در آمریکا خواهد شد.

اما در مورد شخصیت و جایگاه اجتماعی رابرتسون باید گفت که وی:

۱. ریاست سازمان ائتلاف راست مسیحی(۱) و رهبری کشیش های مسیحی آمریکا و اروپا را عهده دار می باشد.

۲. از او و لیندی گراهام به عنوان رهبر “صهیونیسم مسیحی جهان” نام برده می شود.

در مورد شخصیت اجتماعی وی باید گفت:

وی صاحب اولین و بزرگ ترین غول رسانه ای دنیاست که از جمله می توان به شبکه های معروف CNN، NBC، فاکس نیوز به همراه روزنامه ی معروف فاکس نیوز (با انتشار یک میلیون نسخه در روز) متعلق به وزارت دفاع آمریکا پنتاگون، شبکه های رادیویی CBN، ME.TV در خاورمیانه از جمله امپراطور رسانه ای مرداک یهودی مانند الجزیره و ... شبکه

ص: ۲۱۵

۱- ائتلاف راست مسیحی سازمانی است که تقریباً ۱.۵ میلیون عضو در اکثر ایالت های آمریکا دارد و شیوه های لابی را دنبال می کند و کمر بندی موسوم به “کمر بند توراتی” را در اطراف آمریکا ایجاد کرده است.

لازم به ذکر است که “دومین و سومین” غول رسانه ای دنیا نیز به ترتیب در اختیار کشیش های صهیونیسم مسیحی “جیمی سوهارت و جیمز بیکر” می باشد.

از دیگر امکانات رسانه ای و عمومی در اختیار این گروه نیز می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. ۱۴۰۰ رسانه شامل: اینترنت، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، کلیساهای تلویزیونی و... (۱)

۲. ۱۵۵۰ شبکه ی رادیوئی

جالب توجه آن که: در همین زمینه در حال حاضر ۳۵ شبکه ماهواره ای به زبان فارسی توسط رسانه های در اختیار آنان جهت کشور های فارسی زبان از جمله ایران به صورت شبانه روزی فعال می باشد.

۳. ایجاد ۸ حوزه ی علمیه عظیم با عنوان “مرکز دینی خواسته های مسیح” جهت تربیت مبلغ. (۲)

ص: ۲۱۶

۱- کلیساهای تلویزیونی جری فالول ۶۱۰۰۰۰ خانواده را از طریق ۱۶۰ مرکز، تحت پوشش دارد.

۲- ۸۰۰۰۰ کشیش سخنران و مبلغ مانند خانم جویس مایر، آقای بنی هین و... با صداهای جذاب از طریق ایستگاه های رادیوئی و تلویزیونی به تبلیغ مبانی فکری صهیونیسم مسیحی مشغول می باشند.

۴. تأسیس و راه اندازی ۱۴۰۰ مرکز دینی بزرگ از جمله: “مرکز دینی رسالت آرمگدون آینده” (۱) در آمریکا.

۵. ۲۰۰ مرکز دانشگاهی و آکادمیک بزرگ در اروپا با محورهای شرق شناسی، اسلام و شیعه شناسی تأسیس که تاکنون بالغ بر ۱۰۰,۰۰۰ دانشجوی پروتستان در آن مشغول به تحصیل و یا فارغ التحصیل شده اند و به فعالیت در زمینه ی تبلیغات صهیونیسم مسیحی مشغول می باشند.

لازم به ذکر است که در ایالات متحده ی آمریکا قریب به ۴۰ سال است که دانشگاهی با عنوان مباحث “آخرازمان شناسی و مسائل پیرامونی آن” تأسیس گردیده و تا مقطع دکتری فارغ التحصیل تربیت می کند. “لیندی گراهام” مشاور امور فرهنگی جرج بوش”، رئیس جمهور وقت آمریکا در حال حاضر، فارغ التحصیل و استاد همین دانشگاه می باشد.

چاپ بیش از ۳۵۰۰ عنوان کتاب پیرامون این تفکر به ویژه جنگ مقدس آرمگدون، پیشگویی ها و آخرازمان و...

از کتاب های معروفی که در سطح جهانی منتشر شده، می توان از:

ص: ۲۱۷

۱- این مرکز معتقد و مروج این تفکر می باشند که “هرگز صلح و آرامش در جهان مستقر نخواهد شد تا آنکه حضرت مسیح ظهور کند و هر بشارتی درباره صلح قبل از ظهور آن حضرت سخنی کفر آمیز و ضد خدا و مسیح است.”

- جنگ برای بیت المقدس (جان لای کینگ)

- معبد روزهای آخرالزمان ؛

- معبد مسیح که می آید (جان اسمیت) ؛

- در پیشگوئی های انجیل، جای آمریکا کجاست؟ (پرفروش ترین کتاب سال ۲۰۰۱ میلادی در دنیا)؛

و کتابهای بی شمار دیگری مانند: سروده های داوود، پیشگوئی ها و سیاست، جنگ سرنوشت، نبرد آخر، آرمگدون، ید الله و... نام برد.

صهیونیسم مسیحی در عرصه ی فیلم و سینما نیز فعالیت های گسترده ای را آغاز کرده و ضمن سیطره بر هالیوود، سالانه اقدام به ساخت ۵۰۰ الی ۷۰۰ فیلم کوتاه، بلند و سینمایی و حتی کارتون جهت کودکان و نوجوانان با محوریت مباحث آخرالزمانی و مبتنی بر پیشگوئی های تورات و انجیل می نماید که بسیاری از آنها در سطح جهانی اکران می شود.

از جمله ی این فیلم ها می توان به: "پیشگوئی های نوسترآداموس"^(۱)، "محاصره در هالیوود"، "اسرائیل کلید نجات آمریکا"، "روز استقلال"، "صهیون"، "جنگ ستارگان"

ص: ۲۱۸

۱- کتاب پیشگوئی های آداموس تحت عنوان "مردی که آینده را می دید" در آمریکا و اروپا منتشر شده و فیلم سینمایی آن نیز توسط هالیوود ساخته و بارها در سراسر آمریکا و اروپا پخش گردیده است.

ریگان، "قدس DC"، "آخرالزمان"، "آرمگدون"، "ارباب حلقه ها"، "ماتریکس ۱ و ۲"، "ترمیناتور ۱ و ۲ و ۳"، "بازگشت دوباره ی بت من"، "مصائب مسیح"، "آخرین وسوسه های مسیح" و قبل از آن فیلم هایی مانند: "بن هور"، "ده فرمان"، "گلادیاتور ها" و صدها فیلم دیگر و نیز کارتون های فراوانی که در این خصوص برای فرهنگ سازی در بین کودکان و نوجوانان تولید و به نمایش در آمدند مانند: "تام و جری"، "سوپرمن"، "بت من" و....

جالب آن که: در حال حاضر ایشان با ساخت بزرگ ترین ماکت هیکل (معبد سلیمان)، روزانه پذیرای هزاران بازدیدکننده به همراه صدها راهب تربیت شده برای خدمت در این معبد، می باشند که با لباس های مخصوص اسقف ها، راهبه ها، لباس تشریفات، مراسم تطهیر و... و نیز با ساخت و تمرین آهنگ و سرودهای مخصوص، خود را جهت تخریب مسجدالاقصی، انجام مراسم تطهیر و افتتاح (۱) آن و... آماده می نمایند.

آنها در سال ۲۰۰۱ میلادی در راستای تحقق بخش دیگری از سناریوی خویش با عملیاتی نمودن انهدام بر جهای دوقلو در نیویورک (مرکز تجارت جهانی) توسط

ص: ۲۱۹

۱- چند سال قبل شبکه المنار در یک فیلم مستند تلویزیونی از تونل های زیر مسجدالاقصی و تخریب آن و نیز سنگ های تراشیده و آماده جهت احداث معبد، آن را افشاء کرد و این در حالی است که اقدامات فعلی صهیونیسم نیز در این مورد کاملاً مشهود است.

عوامل صهیونیسم یهودی و مسیحی^(۱) و به دنبال آن، ایجاد حوادثی مانند: اشغال افغانستان و عراق به بهانه ی مبارزه با تروریسم، انفجار مترو لندن، حوادث فرانسه و برخی کشورهای اروپائی و... در عملیاتی شدن گام دیگر سناریوی “ایجاد رعب و وحشت در سراسر جهان به ویژه در آمریکا و اروپا”، تلاش های جدید خود را آغاز کردند.

و باید توجه داشت که همه این اقدامات در دیدگاه جنبش تدبیری (صهیونیسم مسیحی) همگی در راستای زمینه سازی جنگ به اصطلاح مقدس آرمگدون و تحقق خواسته های نژادی قوم یهود پس از آن به شمار می رود.

چنان چه در مورد اشغال عراق توسط آمریکا که با هدف زمینه سازی شرایط وقوع جنگ آرمگدون (در نزد صهیونیسم مسیحی) صورت گرفته است، بارها به آن اذعان نموده اند.

نبرد آرمگدون

اما در مورد جنگ به اصطلاح مقدس “آرمگدون” در دیدگاه صهیونیسم مسیحی به اختصار باید گفت:

آرمگدون واژه ی لاتین “هرمجیدون”^(۲) و منظور از آن دشت مرتفعی است که در ۵۵

ص: ۲۲۰

۱- اسناد منتشره همراه با نمایش ده ها فیلم مستند در مورد چگونگی انفجار برج های دو قلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی همگی گواه روشنی بر این مطلب است.

۲- “هرمجیدون” یا “هرمجیدو” از دو کلمه ی هار= تپه و محل مرتفع و مجیدو= اشراف و به معنا تپه ی اشراف می باشد که در دیدگاه ایشان، محل تجلی قدرت و ظهور حضرت مسیح علیه السلام است. در عربی به آن جَبَل مجده و در فارسی “تپه شریفان” نامیده می شود.

کیلومتری شمال شهر قدس بین حیفا و قدس و در کرانه ی باختری و از دریا به عمق ۱۵ کیلومتر در خاک فلسطین و در مجاورت کوه صیهون قرار دارد و در دیدگاه آنان “محل تجلی قدرت و ظهور حضرت مسیح علیه السلام است” آنها معتقدند که:

“جنگ (آرمگدون) در می گیرد و حضرت مسیح علیه السلام در آسمان “آرمگدون” ظاهر می شود و فرزندان ایمانی خود را به آسمان منتقل می کند و یهود در آمادگی کامل است تا در رویارویی با نیروهای محور شرارت و نیروهای اهریمنی، آنها در این نبرد نابود و یهود در این جنگ پیروز می شود، آن گاه مسیح به زمین باز می گردد و پایگاه حکومتی خود را در هیکل یا معبد سلیمان مستقر و ۱۰۰۰ سال (هزاره ی خوشبختی) حکومت می کند.^(۱)”

آنها این ادعای خویش را با استنباط از این عبارت کتاب مقدس در “سفر مکاشفه ی یوحنا”^(۲) که می گوید: “و تمام آنان را در محلی که به زبان عربی “هرمجیدون” خوانده می شود، جمع کرد.” مطرح می نمایند. ضمن آن که در کتاب مقدس

ص: ۲۲۱

۱- مراد آن ها از هزاره ی خوشبختی، همان حکومت جهانی یهود و بهشت دنیایی آنان می باشد، لذا در تلمود ایشان آمده است که: “هنگامی که مسیح حقیقی پا به عرصه ی وجود گذارد، یهود آن قدر ثروت و مال خواهد داشت که کلید صندوق هایشان را سیصد الاغ نمی تواند حمل کند.”

۲- سفر: ۱۶.

تلمود یهود نیز آمده است که:

“پیش از آن که یهود و نفوذ و سلطه ی کامل خود را به دست آورند، لازم است جنگ جهانی برپا شود و دو ثلث بشر نابود شوند.”

بر اساس اعتقادات صهیونیسم مسیحی نتایج و مراحل این جنگ و چگونگی وقوع آن که به “نبرد آخرالزمان و دروازه ی ورود به هزاره ی خوشبختی و یا آرمگدون” معروف می باشد، به ترتیب زیر می باشد و پیروان اندیشه مسیحیت صهیونیستی وظیفه دارند برای تسریع در عملی شدن این حوادث تمام تلاش خود را به کار گیرند: (چنانچه در تفکرات داری به آن اشاره نمودیم)

۱. باید یهودیان از سراسر جهان به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گستره ای از رودخانه نیل تا فرات بوجود آید و یهودیان مهاجر اهل نجات خواهند بود.

۲. یهودیان باید مسجد الاقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را منهدم کنند و به جای آن معبد بزرگ یهودیان را احداث نمایند.

۳. روزی که یهودیان مسجد الاقصی و مسجد صخره را منهدم نمایند، جنگ نهایی مقدس (آرمگدون) به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز می شود و در این جنگ تمام جهان نابود خواهد شد.

۴. در روز آغاز جنگ آرمگدون تمامی مسیحیان، توسط سفینه ای از دنیا به بهشت منتقل می شوند و از آنجا همراه مسیح، نظاره گر نابودی جهان و عذاب سخت خواهند بود.

ص: ۲۲۲

۵. زمانی که در جنگ آرگدون ضد مسیح یا دجال در حال پیروزی است، مسیح همراه مسیحیان به بهشت می رود و ظهور می کند، ضد مسیح را شکست می دهد و حکومت جهانی خود را که مرکز آن بیت المقدس است، برپا خواهد کرد.

ایشان با استناد به موارد مذکور در "صحیفه حزقیال" و "زکریای نبی" در باره این جنگ که آمده است:

باران های سیل آسا و تگرگ های آتش و گوگرد موجب تکانهای سختی در زمین خواهد شد. کوه ها سرنگون می شوند، صخره ها خواهند افتاد و جمیع حصار ها منهدم خواهد شد.

و نیز :

گوشت پا های ایشان در حال ایستاده، کاهیده خواهد شد و چشم های آنها گداخته می شوند و زبانهایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.

معتقدند که این جنگ، اتمی و نوترونی خواهد بود.

لذا به طور خلاصه در اندیشه مسیحیت صهیونیست نتایج این جنگ عبارتند از:

۱. کشتار کامل مسلمانان و اعراب؛

۲. نابودی ۶/۵ مردم جهان؛

۳. کشتار ۳/۲ مردم یهود (تنها ۱۴۴۰۰۰ می مانند که مسیحی می شوند.)؛

۴. خشک شدن رود خانه فرات؛

۵. تخریب کامل قدس (بویره مسجد الاقصی و مسجد صخره جهت احداث مجدد معبد سلیمان)؛

ص: ۲۲۳

۶. عروج مسیحیان بنیادگرا به آسمان و نظاره ی حادثه از آسمان؛

۷. نزول مسیح و همراهانش پس از نابودی نیروهای شر و آغاز هزاره خوشبختی.

دکتر مورگان استرانگ^(۱) در این مورد می گوید:

بر اساس علم آخرالزمان شناسی؛ مسلمانان، بودائی ها، هندوها، کاتولیک ها و هر کس دیگر در جنگ آخرالزمان هلاک خواهد شد و یا این که به مسیحیت اصول گرا و بنیادگرا ایمان خواهد آورد و ۶/۵ مردم جهان از بین می روند.

لیندی گراهام مشاور عالی بوش هم می گوید:

جهان به سرعت به سوی آرمگدون در حرکت است و جوانان کنونی آخرین نسل تاریخ هستند.

جری فالول از رهبران صهیونیسم مسیحی هم اظهار می دارد:

خداوند می گوید: بیائید و قربانی که برای شما آماده کرده ام بخورید، به کوه های اسرائیل بیائید و گوشت بخورید و خون بنوشید، گوشت جنگاوران را بخورید و خون رهبران جهان را بنوشید که مانند قوچ ها و بره ها و بزها و گاو های پرواری شده اند (من که خداوند هستم این را می گویم).

آنها معتقدند:

اشرار و محور شرارت که با هدایت دجال، طرف مقابل این جنگ مقدس می باشند و در آن نبرد همگی نابود

ص: ۲۲۴

۱- از تئوری پردازان صهیونیسم مسیحی است.

خواهند شد تا مقدمه ی ظهور مسیح فراهم گردد.

از دیدگاه ایشان اشرار و محور شرارت اعراب، مسلمانان و حامیان آنان از جمله کشورهای ایران، آفریقا و لیبی می باشند. (۱)

اما در پایان این بحث ذکر این نکته لازم است که بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام این جنگ هیچ گونه پایه و اساسی ندارد و صرفاً ساخته و پرداخته یهودیان متعصب صهیونیسم و مسیحیان اصولگرای آمریکایی (صهیونیسم مسیحی) است که به منظور تحقق خواسته ها و بهانه ای برای رسیدن به اهداف شوم آنها و صرفاً با استناد به چند جمله عهد عتیق و عهد جدید که قبلاً به آن اشاره کردیم، طراحی شده است.

بدلیل همین دروغ پردازی های مکرر ایشان است که امروزه منجر به بیداری ملت ها و شکل گیری آرام یک اجماع جهانی مردمی علیه خواسته های نامشروع و زیاده خواهی و یاوه گوییهای سردمداران کاخ سفید شبکه گسترده راستگرایان مسیحی و یا به عبارتی صهیونیسم مسیحی حاکم بر آنان شده است که شما هم اکنون شاهد ایجاد شکاف در

ص: ۲۲۵

۱- جهت آشنائی بیشتر با نبرد آرمگدون و مسائل پیرامون آن در دیدگاه صهیونیسم مسیحی و نشر یهود در این خصوص می توانید به کتاب های آرمگدون نوشته محمود النجیری و فصل نامه تخصصی مشرق موعود، سال اول، شماره اول مراجعه فرمائید.

پیکره دولتمردان استکبار جهانی و سایر هم پیمانان آنها می باشد که خود نوید فروپاشی تفکرات صهیونیسم و پایان آرزوهای
دیرینه قوم نژاد پرست یهود خواهد بود. انشاء الله

ص: ۲۲۶

بنابر آنچه گذشت با عنایات الهی و توفیقات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق آنرا داشتیم تا نسبت به ارائه سیری اجمالی بر بحث “دشمنان مهدویت” و تبیین “چرائی و چگونگی” شکل گیری آن مطالبی را ارائه نموده و در این زمینه روشنگری نمائیم.

اما چنانچه در ابتدای بحث و در پیشگفتار به آن اشاره کردیم باید به این مهم توجه داشت که “کلید ظهور” در این “دو وظیفه مهم منتظران” در راستای تحقق زمینه های ظهور منجی عالم بشریت و قیام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف متبلور و تجلی دارد:

۱. کسب آمادگی شیعه و منتظران ظهور آن حضرت؛

۲. سلب آمادگی از دشمن به منظور پاره کردن حلقه های محاصره و ایجاد فضای امن ظهور.

که هر دو مستلزم شناخت دقیق دشمن، اهداف، توانمندیها، امکانات و... آنها می باشد تا بر اساس شناخت و آگاهی کامل و بر مبنای اطلاعات حاصله نسبت به ایجاد آمادگی و افزایش توانمندیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی خود اقدام و عملیات آفندی و پدافندی خویش را طراحی نمائیم و با در هم شکستن توان نظامی و

دفاعی همه جانبه دشمنان تا دندان مسلح و بیدار انقلاب اسلامی بتوانیم با به نمایش گذاشتن آمادگی کامل منتظران ظهور، در پاره کردن گام به گام حلقه های محاصره و ایجاد فضای امن ظهور در داخل و به مرور توسعه این فضا به کشور های عربی و اسلامی و سپس کل جهان، در ایجاد اجماع جهانی علیه استکبار جهانی (صهیونیسم بین الملل) و رخنه و نفوذ در پیکره جبهه ایجاد شده توسط سازمان یهود و صهیونیسم مسیحی که در مقابله با ظهور منجی عالم بشریت به بهانه واهی ظهور مسیح علیه السلام هم اکنون شکل گرفته است، نسبت به در هم شکستن آن و ایجاد اجماع جهانی به نفع منتظران واقعی ظهور و جبهه مهدی یاوران توفیق یافته و با نصرت الهی و عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایجاد فضای امن مورد نیاز ظهور، به مقام و مرتبتی برسیم که شایستگی درک حضور حضرتش را کسب نموده و رضایت حق تعالی در تأمین "وثیقه ای" که خداوند در یاری و حفظ آخرین حجت خویش از ما انتظار دارد را، برآورده سازیم و لیبیک الهی را با ظهور آخرین ذخیره الهی به جان و دل شنیده و چشمان خویش را به جمال مبارک یوسف زهرا علیه السلام روشن بینیم و یاری گر حضرتش در قیام و نهضت جهانی او باشیم. انشاءالله

ما هنوز جای این سوال باقی است که: "آمادگی مورد نظر حق تعالی و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیام و نهضت گسترده جهانی ایشان،

چگونه است؟ و جلوه های پایان بخش این انتظار طولانی با کدامین آمادگی نمایان خواهد شد؟”

جهت پاسخ به این سؤال و بیان وظائف “شیعه و یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف” درکسب آمادگی لازم و مورد نیاز خود می توان با تمسک به آیات الهی و نورانی قرآن به تبیین آنها پرداخت:

۱. آمادگی نظامی و برخورداری از توانمندی های جسمانی

همانگونه که در ابتدای بحث نیز اشاره نمودیم اولین جلوه آمادگی از دیدگاه قرآن برخورداری از توانمندی و امکانات لازم در عرصه نظامی می باشد تا بتوان با به رخ کشیدن آنها، رعب و وحشت را به اردوگاه دشمن منتقل نمود و با مجبور کردن آنان به عقب نشینی، اندیشه حمله نظامی ازطرف آنان را در نطفه خفه نمائیم.

چنانکه قرآن شریف در بیان نورانی خود به آن اشاره نموده است که:

“وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛

هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنان آماده سازید و اسب های ورزیده، تا بوسیله آن دشمنان خدا و دشمنان خویش را بترسانید”

و برای آنکه بتوانیم در تلاش گسترده و خستگی ناپذیر دوران ظهور در حمل و کاربرد تجهیزات نظامی و در آن آزمون بزرگ الهی نیز سربلند و پیروز بیرون بیائیم، از هم اکنون لازم است تا نسبت به افزایش توانمندیهای جسمانی و با تلاش در عرصه های مختلف ورزشی و رزمی بویژه

شنا، تیراندازی، کوهپیمایی، آمادگی جسمانی، ورزشهای رزمی و با برپایی اردوهای مختلف و برگزاری رزمایش های متعدد نظامی و... قابلیت های روحی و جسمانی خود را پرورش داده تا بتوانیم از عهده آن مأموریت سنگین الهی بر آئیم.

۲. آمادگی در کسب بصیرت، معرفت و تقوای الهی

داشتن بصیرت و معرفت توأم با تقوای الهی، آمادگی دیگری است که از وظایف بسیار مهم شیعه و مهدی یاوران و منتظران و مشتاقان واقعی ظهور به شمار می رود که بیان نورانی قرآن شریف در آیه ۱۶ سوره تغابن به آن اشاره دارد و می فرماید:

“فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ”؛

پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است.

و در واقع باید اعتراف نمود که کسب آمادگی لازم در این زمینه و این وظیفه الهی به مراتب خطرتر و سنگین تر از آمادگی نظامی به شمار می رود. زیرا در برخورداری از توانمندی و تجهیزات نظامی هر چند به این حد از استعداد و توان دست یابیم که بتوانیم علیرغم تجربه کم مدیریتی و سابقه اندک حکومتی خود، در ساخت و مجهز نمودن و ارتقاء کمیت و کیفیت توان نظامی نیروهای مسلح خویش به سطحی برسیم که توان مقابله با

دشمنان تا دندان مسلح و برخوردار از انواع سلاحها و تجهیزات پیشرفته نظامی و ناوگان های عظیم هوایی و دریائی را کسب نمائیم و یا حد اقل توان دفاعی خود را در مقابله و استقامت و پایداری و فرسایشی نمودن در نبردی نا برابر و با مدیریت و تجربه فراوان ایشان، به اندازه ای افزایش دهیم که امید دشمن را در یک پیروزی زود هنگام و سریع به نا امیدی مبدل نمائیم و سرانجام نیز شکست آنان را رقم بزنیم.

ولی باید توجه داشت که هنگامی این تجهیزات نظامی پیشرفته می تواند ما را به پیروزی و شکست دشمن امیدوار و مطمئن سازد که بتوانیم با تربیت نیرو های فداکار، شجاع، شهادت طلب و ایثار گر در بکار گیری آن سلاح ها و تجهیزات موفق عمل نمائیم.

زیرا “سلاح” آن هنگام می تواند مثمر ثمر و کار ساز واقع شود که “کاربر” آن با ایمان و خلوص و شجاعت و با کوله باری از “بصیرت و معرفت و تقوی” آنرا به دوش بگیرد و با به عاریت سپردن جمجمه های خویش به خدای خود، با عظمی راسخ و با گامهائی استوار و قلبی مطمئن و سرشار از ایمان و بصیرت و تقوی، به صفوف دشمنان الهی هجوم آورد تا بتواند پیروزی را برای سپاه اسلام به ارمغان بیاورد و خود نیز در مسیر سعادت دو جهان گام بردارد.

آری سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گرچه از سلاح و تجهیزات پیشرفته نظامی هم برخوردار باشد، ولیکن بدون آمادگی در عرصه

بصیرت و تقوا و معرفت الهی هرگز قادر به حمل آن نخواهد بود.

چنانچه مولی الموحدين علی بن ابیطالب علیه السلام به این مهم اشاره نموده و می فرمایند:

“الا و لا يحمل هذا العلم الا اهل الصبر والبصر؛

بدان و آگاه باشید که هرگز کسی نمی تواند این بیرق و پرچم (افتخار سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بر دوش بگیرد (آنها حمل کند) مگر آنکه اهل صبر و بصیرت باشد”

با بصیرت قدم بردارد، با معرفت سلاح بر دوش بگیرد و با رعایت تقوای الهی آنها علیه دشمنان آخرین حجت الهی بکار گیرد تا شایستگی آنها داشته باشد که موجبات خشنودی و تحسین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خویش را فراهم نماید و لبخند رضایت حضرتش را کسب کند و در عرصه نبرد نظامی با دشمنان خدا، پیروزی را برای اسلام به ارمغان بیاورد، دشمن را از پای در آورده و یا آنکه توفیق شهادت در رکاب آن حضرت و رسیدن به فوز کامل الهی را نصیب خود نماید.

آری تنها با تکیه بر این “دو نوع آمادگی” است که می توان در دفاع از ساحت مقدس رسالت و امامت و یاری آخرین حجت الهی پیروز و سرافراز و سربلند بیرون آمد و حلقه های محاصره را یکی پس از دیگری پاره نموده و فضای امن ظهور را برای قدوم مبارک آن حضرت فراهم کرد و امید به ظهور آن غایب از نظر ها را به نقطه اوج پایان خود نزدیک کرد تا بزودی چشمان همه منتظران عاشق آن دلربای هستی، عدالت گستر جهانی، یوسف

زیبای فاطمه زهرا علیها السلام، منتقم خون شهیدان کربلا و تمامی شهدای راه حق و عدالت، برپا کننده صلح و صفا و مهر و محبت، گشاینده تمامی دربهای علم و دانش و فضیلت و کمال، سعادت بخش عالمیان و کمال بخش عارفان و سالکان راه طریقت و هزاران آرزومند ظهور منجی عالم هستی را به جمال مبارکش نورانی و روشن دید که: “أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ”

“والحمد لله رب العالمين”

ص: ۲۳۳

۱. آرمگدون، محمود النجیری. مؤسسه موعود تهران
۲. اهل بیت (چهارده معصوم)، حجهالاسلام والمسلمین انصاریان.
۳. پروتستانیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، نصیر صاحب خلق، نشر هلال.
۴. پروتکل‌های دانشوران صهیون برای تشکیل حکومت جهانی یهود، انتشارات صبح.
۵. پیشگوئیا و آخرالزمان، جلد ۱ و ۲، جمعی از نویسندگان، مؤسسه موعود تهران.
۶. پیشگوئیا و سیاست، گریس هالسل، مؤسسه موعود تهران
۷. تاریخ تحلیلی اسلام، رسول جعفریان.
۸. تاریخ تخصصی اسلام، رسول جعفریان.
۹. تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، عدنان اکتار، مؤسسه موعود تهران.
۱۰. تبار انحراف، مرکز پژوهش مؤسسه لوح و قلم، مؤسسه لوح و قلم
۱۱. تفسیر نمونه و مجمع البیان.
۱۲. جمعیت‌های فراماسونری در ایران، مؤسسه کیهان.
۱۳. جنگ‌های پیامبر، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۴. روزنامه، نشریات، شبکه‌های اینترنتی، صدا و سیما و سایر رسانه‌های جمعی.
۱۵. زرسالاران، دکتر شهبازی.

۱۶. شناخت یهود برای جوانان، اسداله محمدی نیا، انتشارات سبط اکبر.
۱۷. غرب شناسی، سیداحمد رهنمائی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره الشریف .
۱۸. فروغ ابدیت، آیت ا... جعفر سبحانی.
۱۹. فصلنامه تخصصی مشرق موعود، مؤسسه آینده روشن.
۲۰. کلوپهای روتاری در ایران، مؤسسه کیهان.
۲۱. ماهنامه موعود. مؤسسه موعود تهران
۲۲. مثلث مقدس، اسماعیل شفیعی سروستانی. مؤسسه موعود تهران
۲۳. مسیح یهودی و فرجام جهان، رضا هلال، مؤسسه موعود تهران.
۲۴. یداله، گریس هالسل، مؤسسه موعود تهران
۲۵. CD کتابخانه دیجیتالی صهیونیسم پژوهی، مؤسسه لوح و قلم.
۲۶. پروتکل های دانشوران صهیون، ترجمه: حمیدرضا شیخی، انتشارات صبح
۲۷. اهل بیت علیهم السلام، حسین انصاریان.
۲۸. پیشگوئی ها و سیاست
۲۹. تاریخ تحلیلی اسلام، رسول جعفریان.
۳۰. تاریخ تخصصی اسلام، رسول جعفریان.
۳۱. تبار انحراف، جمعی از نویسندگان، مؤسسه ی لوح و قلم.
۳۲. جمعیت های فراماسونری در ایران، مؤسسه ی کیهان.
۳۳. جنگ های پیامبر، مرکز تحقیقات اسلامی قم، نشر مرکز چاپ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۳۴. زرسالاران، دکتر شهبازی.
۳۵. شناخت یهود برای جوانان، اسداله محمدی نیا، نشر سبط اکبر قم.

۳۶. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی.

۳۷. کلپ های روتاری در ایران، مؤسسه کیهانی.

۳۸. مثلث مقدس، اسماعیل شفیع سرستانی، انتشارات هلال.

ص: ۲۳۵

۳۹. مسیح یهودی و فرجام جهان، رضا هلال، ترجمه قیس زعفرانی، نشر موعود.

۴۰. پیشگوئی ها و آخرالزمان (۱ و ۲) جمعی از نویسندگان، مؤسسه فرهنگی موعود.

۴۱. تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا- عدنان اکتار- انتشارات مؤسسه ی بنیاد، پرورتستانتیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی- نصیر صاحب خلق- انتشارات هلال

۴۲. تفسیر نمونه، آیت ا... العظمی مکارم شیرازی- دارالکتب الاسلامیه

۴۳. یدالله، گریس هالس، ترجمه: قیس زعفرانی- انتشارات هلال.

۴۴. غرب شناسی- سید احمد رهنمائی- انتشارات مؤسسه ی آموزش و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه

۴۵. مشرق موعود- نشریه- مؤسسه ی آینده روشن- ماهنامه ی موعود.

۴۶. عصر ظهور، علی کورانی، انتشارات دارالهدی

ص: ۲۳۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹